

دعا و پرستش

نویسنده: موريس ويليامز

مترجم: شموئيل ايتالياني

انتشارات ايلام - انگلستان ۲۰۰۸

کليه حقوق براي ناشر محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۱-۹۰۴۹۹۲-۲۴-۰

این کتاب ترجمه‌ای است از کتاب

Prayer and Worship

Morris Williams

Translated into Persian by: Shamuel Italiaie

GLOBAL UNIVERSITY
1211 South Glenstone Ave.
Springfield, MO 65804
U.S.A

Published by:
ELAM PUBLICATIONS
P.O. BOX 75
GODALMING GU8 6YP
ENGLAND

Persian Translation Copyright © Elam Ministries 2008

ISBN 978-1-904992-24-0

دعا و پرستش، دوره خدمات مسیحی

کلیه آیات نقل شده، از کتاب مقدس ترجمه قدیمی می‌باشد. در صورتی که این ترجمه برای تان دشوار است، می‌توانید آیه‌ها را از ترجمه «هزاره نو»، «مژده برای عصر جدید» یا ترجمه «تفسیری» بیابید و بخوانید.

فهرست مطالب

۵	مقدمه
	بخش اول: دعا و پرستش: طریقی برای زندگی
۱۳	درس اول: دعا به درگاه چه کسی؟
۳۳	درس دوم: ارتباط خانوادگی
۵۳	درس سوم: شهروند آسمان
	بخش دوم: تقدم پرستش
۷۱	درس چهارم: پادشاهی که باید مورد پرستش قرار گیرد
۸۷	درس پنجم: ملکوتی که باید در طلب آن بود
۱۰۷	درس ششم: طرحی که باید از آن پیروی کرد
	بخش سوم: دعا نیازها را برآورده می‌سازد
۱۳۵	درس هفتم: رفع مایحتاج زندگی
۱۵۵	درس هشتم: رفع نیازهای اجتماعی
۱۷۱	درس نهم: رفع نیاز به تقدس
۱۸۹	درس دهم: رفع نیاز به امنیت
۲۰۳	پاسخ خودآزمایی‌ها
۲۱۱	آزمون‌های میانی

توجه

مطالعه و کسب دانش در زمینه کتاب مقدس و الهیات به تنهایی هیچ کس را خادم نمی‌سازد. فقط کسانی افتخار خدمت به خداوند را دریافت می‌دارند که حاضر باشند «خدمت» کنند، نه «ریاست»؛ حاضر باشند، آخر باشند، نه اول؛ حاضر باشند افتخار را به دیگران بدهند و از حق خود بگذرند!

آنچه که يك مسیحی را شایسته خدمت به خداوند می‌سازد، روحیه خدمتگذاری است. اگر چنین روحیه‌ای در وجود مسیحی شکل گرفته باشد، آنگاه دانش الهیات و کتاب مقدس می‌تواند او را برای خدمت مؤثرتر مجهز سازند. دعای ما این است که چنین روحیه‌ای در همه ما شکل بگیرد. آمین!

مقدمه

پرستش، عبادت و ستایش خدا است. پرستش، خدمت به خدا است. ما قصد داریم شما را با یک زندگی مشتمل بر دعا و پرستشی جدید آشنا کنیم. بنابراین به شما زندگی جدیدی را معرفی خواهیم کرد. در ابتدا شاید به نظر بیاید که در مورد هر چیز صحبت می‌کنیم به غیر از دعا و پرستش. شاید تعجب کنید که چگونه ممکن است با مطالعه در مورد وجود خدا، واقعی بودن آسمان، جلال، ملکوت و اراده خدا، ساختن زندگی، مدارا کردن با همسایگان، غلبه بر وسوسه، و آنچه که در زمان بیماری و مشکل باید انجام دهیم، دعا کردن را بیاموزیم. شاید به نظر بیاید که از موضوع اصلی منحرف شده‌ایم.

با این وجود، نگاهی دقیق‌تر به دعایی که عیسی به شاگردان خود آموخت در آن هنگام که از او خواستند تا «چگونگی» دعا کردن را به آنها تعلیم دهد، نشان می‌دهد که عیسی تمام این نکات را در دعای خود گنجانده بود. به نظر می‌آید که عیسی می‌خواهد بگوید: «دعا و پرستش را نمی‌توان از زندگی جدا کرد. شما نمی‌توانید بگویید که خوب، دعا کردنم تمام شد حالا بر می‌گردم سر کارم.»

این درس بزرگی است که باید در مورد دعا کردن بیاموزیم. دعا هرگز تمام نمی‌شود و با یک «آمین» گفتن پایان نمی‌یابد. دعا فعالیتی بی‌پایان و بی‌انتهاست که وارد تمامی زوایای زندگی ما می‌شود. دعا نشان‌دهنده طرز تفکر ما می‌باشد و نمی‌توان آن را از آنچه که انجام می‌دهیم جدا نمود.

بنابراین زمان، مکان و کلمات پرستشی چیزهایی نیستند که ما در این کتاب به آنها پردازیم. بلکه ما دعا را به عنوان آمادگی برای پرستش و پرستش را به عنوان طریق دائمی زندگی که خدا را خشنود می‌سازد و اهداف او را به انجام می‌رساند، ارائه خواهیم نمود.

توضیحاتی در مورد این دوره

این دوره دعا و پرستشی را مورد بررسی قرار می‌دهد که بر تقدم جلال و ملکوت خدا در برابر احتیاجات و خواسته‌های انسان تأکید می‌کند. این دوره همچنین بر این حقیقت تأکید دارد که احتیاجات ایمان‌داری که به این تقدم و اولویت احترام می‌گذارد، رفع خواهند شد.

بررسی ما بر اساس متی ۵:۱۳-۱۴ می‌باشد. اما آیه کلیدی محور بحث متی ۶:۳۳ است که می‌فرماید: «ابتدا ملکوت و اراده خدا را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد».

این دوره با مقام ایماندار به عنوان فرزند خدا آغاز می‌شود. چون او فرزند خدا است پس می‌تواند با اطمینان به اینکه دعای او شنیده خواهد شد به حضور پدر خود برود.

او به عنوان عضوی از خانواده الهی دارای بعضی علائق خانوادگی است و در هرچه که می‌کند تقدم را به نام، ملکوت و اراده خدا می‌دهد. این حالت در دعای او نیز منعکس است.

او با قرار دادن اراده پدر در رده‌ای بالاتر از اراده و خواست خود، درخواست‌های شخصی خود را با این اطمینان که پیش از درخواست او، پدر از تمامی احتیاجات او آگاهی دارد مطرح می‌کند.

در این درس در ارتباط با خدمت مسیحی بر دعا و پرستش به طور خاص تأکید خواهد شد. هر چند مواد درسی طوری تهیه شده‌اند که مناسب رشد و بنای روحانی شما باشند ولی به ترتیبی قرار گرفته‌اند که برای یک دوره بررسی کتاب مقدسی نیز مناسب باشند. بنابراین در این درس یک هدف دوگانه دنبال می‌شود. یعنی هم راهنمایی برای پرستش شخصی شما است و هم اینکه می‌تواند تأثیر شما را در بیان کلام خدا بالا ببرد.

اهداف دوره

پس از به پایان رساندن این دوره، بایستی:

- ۱- محبت، شناخت و اشتیاق خدا را به داشتن ارتباط با خودتان تجربه کنید و او را پرستش نمایید.
- ۲- دعا و پرستش را به عنوان راهی برای فهمیدن نقشه خدا جهت بازگرداندن انسان به مشارکت با خود و برای ساختن آنها به عنوان فرزندان خدا در خانواده آسمانی بکار ببرید.
- ۳- توضیح دهید که چرا پرستش، ملکوت و نقشه خدا باید در دعا از حق تقدم برخوردار باشند.
- ۴- وقتی که به دنبال وسیله معاش، صلح با اطرافیان، زندگی پیروزمند، و رهایی از اشراری که قصد دارند شما را مغلوب کنند هستید طبق اراده خدا دعا کنید.
- ۵- دعا و پرستش را که باعث می شود شبیه مسیح شوید و شاهد مؤثری برای او باشید، عادت خود قرار دهید تا بتوانید به دیگری که به دنبال یک زندگی مشتمل بر دعا و پرستش هستند، تعلیم دهید.
- ۶- دیگران را متقاعد کنید که خدا وجود دارد، آنها را دوست دارد و می خواهد آنان را نجات دهد و آنانی را که او را می پرستند، بیش از دیگران پاداش می دهد.

نحوه مطالعه این کتاب

کتاب حاضر به شیوه ای ویژه نگارش یافته است که خواننده بتواند از آن به صورت خودآموز استفاده کند.

در مقدمه درس، کلیات و اهداف درس ارائه شده است. ابتدا قسمت های مختلف درس را به ترتیب مطالعه نمایید و سپس به سؤالات مطرح شده پاسخ دهید. این سؤالات در لابلای دروس گنجانده شده اند. پاسخ های صحیح سؤالات را در آخر هر

درس خواهید یافت. جواب‌های خود را با آنها مقایسه کنید. برای کمک به خودتان، بهتر است تا زمانی که به سؤالات جواب نداده‌اید، به پاسخ‌ها نگاه نکنید. در پایان هر درس نیز یک خودآزمایی وجود دارد. این خودآزمایی شما را در به‌خاطر سپردن مطالب درس و یادگیری نکاتی که احیاناً توجه نکرده‌اید، یاری می‌دهد. پاسخ صحیح به سؤالات خودآزمایی در پایان کتاب آمده است.

ارزش دانشگاهی این دوره

هر کتاب از دوره «خدمت مسیحی» معادل یک واحد دانشگاهی ارزش دارد (لیسانس الهیات معادل ۱۲۸ واحد می‌باشد). دانشجویان می‌توانند کتاب‌های دوره «خدمت مسیحی» را به سه شیوه مطالعه کنند: نخست، این کتاب‌ها را می‌توانند فقط برای اطلاعات عمومی و مطالعه شخصی بخوانند؛

دوم، می‌توانند آن را مطالعه کرده، و در پایان فقط آزمون‌های میانی را به‌شرح زیر بگذارند؛

سوم، می‌توانند پس از گذراندن آزمون‌های میانی، آزمون رسمی و نهایی را طبق توضیحات زیر بگذارند و یک واحد دانشگاهی اخذ کنند.

آزمون‌های میانی

در پایان کتاب، سؤالات مربوط به آزمون‌های میانی را خواهید یافت. در بخش انتهایی این آزمون، پاسخنامه‌ای وجود دارد. نام و نشانی خود را بر روی پاسخنامه بنویسید، و سپس به سؤالات پاسخ دهید. پس از آن، پاسخنامه را برای ما ارسال دارید تا آن را اصلاح کرده، به شما عودت دهیم.

پس از اتمام هجده کتاب دوره «خدمت مسیحی» یک گواهینامه تقدیم دانشجو خواهد شد.

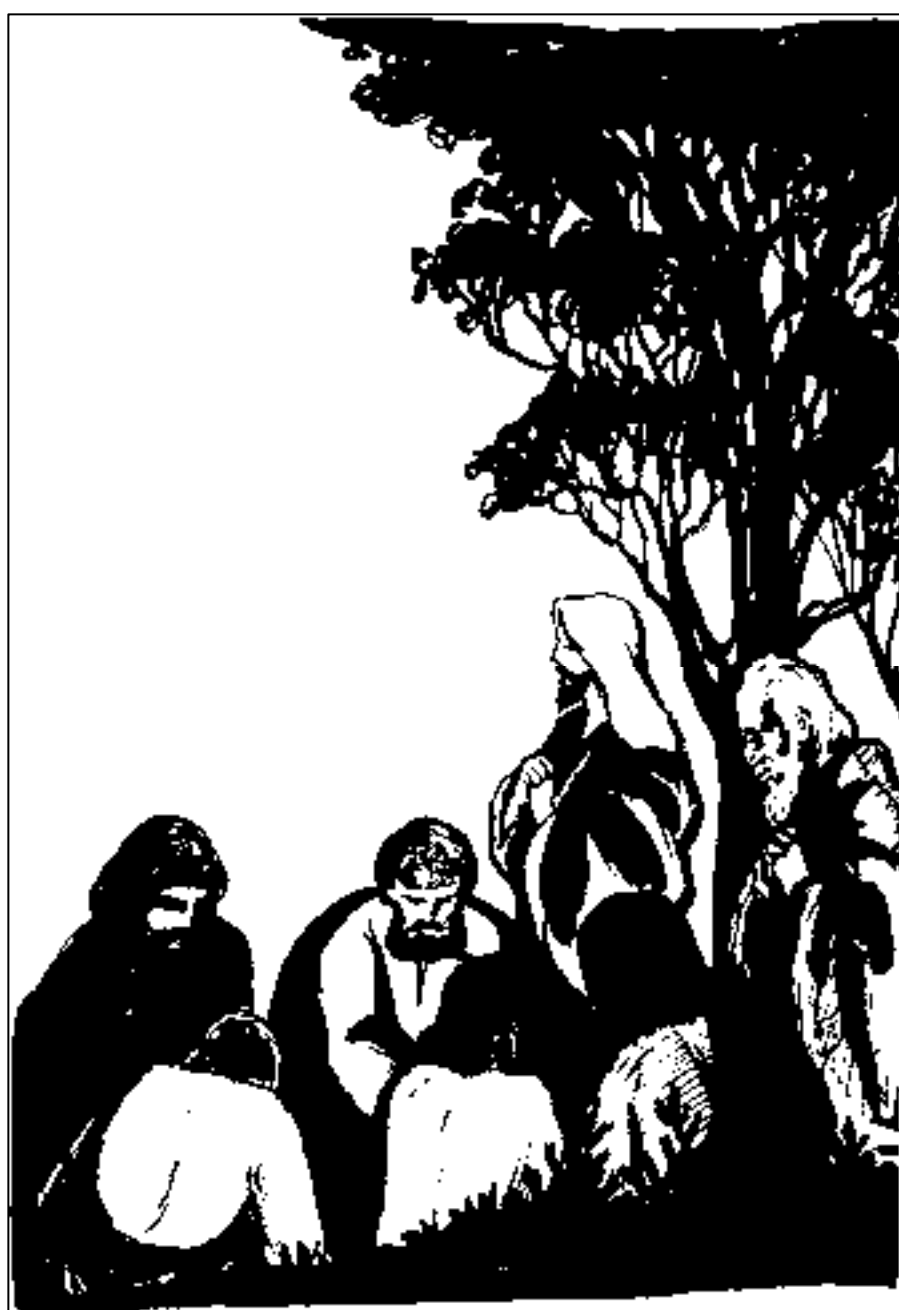
آزمون رسمی (نهایی)

دانشجویانی که مایل باشند، می‌توانند پس از گذراندن آزمون‌های میانی، برای دریافت آزمون رسمی هر کتاب، یک فرم ثبت‌نام رسمی گلوبال تکمیل نمایند و با پرداخت هزینه مربوطه، آزمون رسمی را بگذرانند. این آزمون از آنجا که ارزش دانشگاهی دارد، باید نزد یک شبان یا خادم رسمی کلیسا گذرانده شود. در صورت موفقیت در این آزمون (امتیاز ۸۰٪ و بالاتر)، دانشجو یک واحد کسب خواهد کرد و گواهی مربوط به آن درس را از دفتر بین‌المللی گلوبال دریافت خواهد داشت. در صورت تکمیل هجده کتاب دوره «خدمت مسیحی» دانشجو هجده واحد رسمی از ۱۲۸ واحد لازم برای اخذ لیسانس الهیات را کسب می‌کند. در این صورت، دانشجو می‌تواند با ورود به دوره‌های پیشرفته‌تر دانشگاهی، تحصیل الهیات را تا حد فوق دیپلم (۶۴ واحد) یا لیسانس (۱۲۸ واحد) ادامه دهد.

برای تان آرزوی موفقیت می‌کنیم

بخش اول

دعا و پرستش: طریقی برای زندگی



انتشارات ایمان
نسخه الکترونیک

دعا به درگاه چه کسی؟

«پس شما به این طور دعا کنید» (متی ۹:۶)

شخصی که به درگاه او دعا می‌کنیم بسیار مهم‌تر از چگونگی و محل دعا است. آیا باعث تأسف نمی‌بود که ما همه چیز را در مورد دعا کردن می‌دانستیم ولی متوجه می‌شدیم که به درگاه شخص اشتباهی دعا نموده‌ایم؟ البته چگونگی دعا مهم‌تر از محل دعا است. اگر دعای ما به درگاه شخص صحیحی باشد و به طرز صحیحی آن را انجام دهیم، آن وقت تفاوت چندانی نخواهد داشت اگر داخل ساختمان، در حال قدم زدن و یا کار کردن باشیم. آنچه که در درون ما است مهم‌تر از آن چیزی است که خارج از ما است!

بنابراین در این درس قصد داریم در مورد خدای حقیقی و چگونگی دعا به درگاه او سخن بگوییم. می‌خواهیم مسائلی را بررسی کنیم که برای خدا مهم هستند تا بتوانیم طبق اراده او دعا کنیم. می‌خواهیم بیاموزیم که چگونه صحبت‌های ما در دعا می‌تواند بر زندگی ما تأثیر بگذارد. پس مسائل زیادی وجود دارد که باید بیاموزیم!

رئوس مطالب



مفاهیم و برداشت‌های اشتباه از خدا
 انسانی که معتقد است «خدایی نیست»
 انسانی که معتقد است «نمی‌توان با اطمینان گفت»
 انسانی که «خدا را نمی‌خواهد»
 انسانی که معتقد است «طبیعت، خدا است»
 انسانی که معتقد است «من خدا هستم»
 انسانی که معتقد است «هر خدایی انجام خواهد داد»
 انسانی که معتقد به «ارواح نیاکان» است
 خدایی که خود را آشکار نموده است

کلام مکتوب

پسر زنده‌اش

روح مقدس او

تعلیم عیسی دربارهٔ دعا

دعای نهان و ساده

همیشه دعا کنید

اهداف درس

- پس از مطالعهٔ این درس، باید بتوانید:
- در مورد برداشت‌های اشتباهی که مردم از خدا دارند و چگونگی تأثیر این برداشت‌ها بر نحوهٔ پرستش آنان بحث کنید.
 - راه‌هایی را که خدای حقیقی از آن طریق خود را آشکار نموده، مشخص کنید.
 - آنچه را که مسیح دربارهٔ دعا گفته خلاصه کرده و آن اصول را در زندگی خود به کار گیرید.

فعالیت‌های یادگیری

۱- متی ۵:۸ را حفظ کنید.

- ۲- درس را بخش به بخش مطالعه کنید و به سؤالات متن پاسخ بدهید. سؤالات درس شامل تعدادی سؤال چند گزینه‌ای می‌باشند. برای انتخاب پاسخ صحیح می‌توانید دور حرفی که پاسخ صحیح را نشان می‌دهد، دایره بکشید.
- ۳- در پایان درس به خودآزمایی پاسخ دهید و پاسخ‌های خود را با پاسخ‌های صحیحی که در انتهای کتاب آمده‌اند، مقایسه کنید. در قسمت‌هایی که به آیاتی اشاره می‌شود و خواسته نشده آنها را حفظ کنید، می‌توانید از کتاب مقدس استفاده نمایید.
- ۴- بعد از اینکه درس را تمام کردید، برگردید و به اهداف درس نگاه کنید و ببینید آنچه را که در آنجا از شما خواسته شده، می‌توانید انجام دهید.
- ۵- دفترچه‌ای تهیه کنید تا بتوانید پاسخ بعضی از سؤالات را که طولانی است در آنجا بنویسید. البته شما می‌توانید علاوه بر پاسخ سؤالات هر آنچه را که لازم است در آن بنویسید.

متن درس

مفاهیم و برداشت‌های اشتباه از خدا

انسانی که معتقد است «خدایی نیست»

اجازه بدهید بررسی خود را درباره دعا و پرستش با این گفته آغاز کنیم که اصولاً افرادی که پرستش می‌کنند باید کسی (یا چیزی) داشته باشند تا به حضور آن دعا کنند. شما اگر به چیزی اعتقاد ندارید، نمی‌توانید آن را پرستش کنید. بعضی مردم مدعی هستند که خدایی نیست، بنابراین چیزی برای پرستش وجود ندارد. آنها می‌گویند: «دعا فایده‌ای ندارد چون کسی نیست که گوش دهد.» ما این افراد را ملحد

(atheists) می‌نامیم چون آنها اعتقادی به وجود خدا ندارند. چه حماقتی! آنها حتی نمی‌توانند دلایل وجود خدا را که در برابر چشمانشان می‌باشد ببینند. نظم دقیق جهان، زیبایی گل‌ها، بدن شگفت‌انگیز ما انسان‌ها، همه و همه گویای این حقیقت هستند که «خدای خالق وجود دارد». اعتقاد این افراد به اینکه جهان بدون داشتن خالق به وجود آمده، درست مثل این است که ما به یک ساعت نگاه بکنیم و بگوییم خود به خود به وجود آمده است.

۱- بهترین پاسخ را انتخاب کنید. شخص ملحد دعا نمی‌کند چون...

(a) اعتقادی به وجود خدا ندارد.

(b) مطمئن نیست که خدایی وجود داشته باشد.

(c) نمی‌خواهد از خدا اطاعت کند.

انسانی که معتقد است که «نمی‌توان با اطمینان گفت»

عده‌ای از مردم از آن جهت که خدا را نمی‌بینند، دچار سردرگمی می‌شوند. آنها آنچه را که او خلق کرده، می‌بینند و معتقدند که باید علتی برای خلقت وجود داشته باشد ولی شک می‌کنند و می‌گویند: «نمی‌توانیم مطمئن باشیم، شاید خدایی وجود داشته باشد، شاید هم نباشد». ما این گونه انسان‌ها را لادری، شکاک یا خداناباور (agnostics) می‌نامیم. چون آنها معتقدند که حتی اگر خدایی هم وجود داشته باشد، انسان نمی‌تواند او را بشناسد. آنها می‌گویند: «وقتی مطمئن نیستی که آیا کسی هست تا صدای تو را بشنود، چرا باید دعا کرد؟»

انسانی که «خدا را نمی‌خواهد»

خیلی از مردم از این حقیقت که خدایی وجود دارد آگاه هستند ولی نمی‌خواهند او را اطاعت کنند. ما این گروه از مردم را گمراه (Reprobates) می‌نامیم چون از پذیرش خدایی که می‌دانند وجود دارد، امتناع می‌ورزند. اشخاص گمراه نه تنها دعا

نمی‌کنند بلکه «ظلمت را بیشتر از نور دوست دارند از آنجا که اعمال ایشان بد است» (یوحنا ۱۹:۳). ولی روزی خواهد آمد که اینگونه افراد دعا خواهند کرد. آنها دعا خواهند کرد تا صخره‌ها بر آنها فرود آیند تا بتوانند خود را از «روی آن تخت‌نشین» پنهان نمایند مکاشفه (۱۶:۶). آن روز، روز داوری و غضب خواهد بود.

۲- چرا اشخاص گمراه دعا نمی‌کنند؟

انسانی که معتقد است «طبیعت، خدا است»

عده زیادی بر این باورند که خدا و طبیعت یک هستند. آنها اعتقاد به وجود خدای خالق‌ی که از خلقت خود جدا است ندارند. این افراد می‌گویند که درختان، خدا هستند! ابرها، خدا هستند! انسان خدا است! اینگونه اشخاص را معتقد به وحدت وجود یا همه خداگرایی (Pantheists) می‌نامیم. آنها می‌گویند هر چیز خوب خدا است. این گونه مردم تا چه اندازه در اشتباه‌اند! برای آنها خدا، طبیعت و وجودی فاقد شخصیت است.

خدای وحدت وجودیون، خدای بدون هویت است! شما نمی‌توانید به درگاه او دعا کنید چون گوش ندارد. نمی‌تواند پاسخ شما را بدهد، چون صدایی ندارد. نمی‌تواند شما را ببیند، چون چشمانی ندارد. نمی‌تواند شما را دوست داشته باشد، چون قلبی ندارد!

واقعاً او چگونه خدایی است؟ ببینید، گفتن این که خدا محبت است یک چیز است و در عین حال اینکه بگوییم محبت، خدا است چیز دیگر. همینطور اگر بگوییم خدا در خلقت خود است یک چیز و اینکه خلقت، خدا است چیز دیگر!

۳- چهار چیز را که خدای معتقدین به وحدت وجود نمی‌تواند انجام بدهد

نام‌بیرید؟

انسانی که معتقد است «من خدا هستم»

اینها اشخاصی هستند که می‌گویند هر فردی این حق را دارد تا به آنچه که او را راضی و خشنود می‌سازد ایمان داشته باشد، و ایده یک فرد، به خوبی دیگری است. این افراد را اشخاص خودپرست (egotists) می‌نامیم چون خدایی غیر از خود نمی‌بینند. آنها نمی‌خواهند شخص دیگری به آنها بگوید که چه باید بکنند. شخص خودپرست هیچ معیار رفتاری را نمی‌پسندد و نمی‌پذیرد. نیکی برای آنها آن چیزی است که برای آنها نیک و خوب باشد. آنها دعا نمی‌کنند. چرا باید چنین کاری بکنند؟ آنها قدرتی بالاتر از ایده‌های خودشان درباره آنچه که خوب و بد است نمی‌خواهند.

۴- معیارهای شخص خودپرست بر چه پایه‌ای قرار دارند؟

انسانی که معتقد است «هر خدایی انجام خواهد داد»

عده زیادی از مردم اینگونه هستند. آنها معتقدند، «مهم نیست که شما چه خدایی را می‌پرستید. همه خدایان به خوبی هم هستند و هر خدایی تقاضاهای شما را انجام خواهد داد.» اینها اشخاصی هستند که ما آنها را جهان‌گرا یا کل‌گرا (Universalists) می‌نامیم. آنها معتقدند که مذاهب مانند جاده‌هایی هستند که انسان را به قله یک کوه می‌رسانند. هر مذهبی از مسیری متفاوت این کار را انجام می‌دهد ولی همه راه‌ها به قله کوه ختم می‌شوند. این یک تعلیم خطرناک و شیطانی است. آنانی که این عقیده را دارند، در واقع می‌گویند که خدا بیش از ایده‌ای در ذهن انسان نیست و واقعیت ندارد. در حالی که خدا یک ایده نیست. او واقعی است. او خدای واحد است. او خالق هستی و هر چه که در آن است می‌باشد. ولی باید دریابیم که او کیست. ما باید او را بپرستیم. اما درباره اینکه او کیست در بخش بعدی صحبت خواهیم کرد. ولی قبل از این کار اجازه بدهید درباره یک اعتقاد دیگر که عده‌ای از مردم جهان پای‌بند آن هستند، صحبت کنیم.

۵- اشخاصی را که معتقدند «هر خدایی انجام خواهد داد» چه می‌نامیم؟

انسانی که معتقد به «ارواح نیاکان» است

عده زیادی از مردم به زندگی بعد از مرگ معتقدند. ولی از آنجا که مردگان بعد از اینکه ما را ترک می‌کنند دیده نمی‌شوند، رمز و رازی درباره آنها وجود دارد. عده‌ای معتقدند مردگان در مقام ارواح برمی‌گردند و در مکان‌هایی که قبلاً زندگی نموده‌اند به گشت و گذار می‌پردازند. آنها فکر می‌کنند این ارواح شریک فعالیت‌های زندگان هستند. این اعتقاد روح‌پرستی (animism) نامیده می‌شود. به علت نامعلوم و وحشتناک بودن آنچه که دیده نمی‌شود، ترس‌های زیادی در بین روح‌پرست‌ها وجود دارد. هر چند عده زیادی از آنها اعتقاد به وجود خدا دارند ولی معتقدند که خدا از آنها خیلی دور و نسبت به رفع احتیاجات آنان بی‌تفاوت است. بنابراین پرستش آنها شامل تقدیم هدایایی جهت خشنودی و درخواست از ارواحی می‌شود که معتقدند به آنان نزدیک هستند. این گروه افسون‌هایی برای دور کردن بلا یا به کار می‌برند و قربانی‌هایی به خاطر جلب رضایت و لطف ارواح مردگان تقدیم می‌کنند. کتاب مقدس می‌گوید: «... خوف عذاب دارد» (اول یوحنا ۴:۱۸) و این احساس روح‌پرست‌ها است. همین آیه می‌گوید که «محبت کامل خوف را بیرون می‌اندازد». حال می‌خواهیم درباره خدای حقیقی و پرمحبت که به همه آنانی که او را بخوانند نزدیک است، صحبت کنیم. او قادر است پاسخ دعای ما را بدهد و ترس را از وجود ما بیرون اندازد.

۶- چرا فرد معتقد به ارواح نیاکان از افسون‌ها و قربانی‌ها استفاده می‌کند؟

خدایی که خود را آشکار نموده است

خدا به سه طریق زیر با ما صحبت کرده، خود را مکتشف نموده و اراده خود را آشکار کرده است:



کلام مکتوب

خدایی که می‌خواهد انسان او را بپرستد و مطیع او باشد، باید خود را به این انسان آشکار سازد. و این دقیقاً همان کاری است که خدای حقیقی انجام داده است. او خود را آشکار کرده است و ما می‌توانیم او را بشناسیم و اراده او را بفهمیم. هر مذهبی به انبیاء، رؤیاهای، معجزات و نوشته‌های معلمین خود اشاراتی دارد. خدای حقیقی علاوه بر همه این اشارات، کارهای دیگری هم کرده تا خود را بر ما مکتشف سازد.

خدا خود را از طریق انبیا و رسولانی که کلام او را در کتاب مقدس نوشته‌اند، مکتشف ساخته است. هر جا که انسان به کتاب مقدس ایمان آورده و کلام خدا را پذیرفته، زندگی او عوض شده است. هر وقت که انسانی تعلیم عیسی را پذیرفته و او را به عنوان پسر خدا اعتراف نموده، در زندگی او معجزه‌ای صورت گرفته و تبدیل به شخص جدیدی شده است. او از راه‌های بد خویش فاصله گرفته و از آنچه که خوب بوده، پیروی نموده است. انسجام پیغام کتاب مقدس را در نظر بگیرید یعنی پیغامی که توسط افراد بی‌شماری در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت نوشته شده است و

به این نکته، بقای کتاب مقدس را علیرغم تلاش‌هایی که در جهت نابودی و بی‌اعتبار نمودن آن شده، اضافه نمایید. در نتیجه، کتاب مقدس، کتابی است معجزه‌آسا که خدا را بر ما آشکار می‌سازد.

۷- خدا از چه اشخاصی جهت ثبت کلامش در کتاب مقدس استفاده کرده است؟

پسر زنده‌اش

خدا خود را از طریق عیسی مسیح، فرزندش آشکار نمود. عیسی بیش از ۳۰ سال بر روی زمین به عنوان یک انسان زندگی کرد. «کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد» (یوحنا ۱: ۱۴). به ادعای عیسی مسیح بیندیشید. او گفت که پسر خدا است. او ادعای خود را توسط خدمت مملو از معجزات شفا و قدرت، پشتیبانی نمود. به مرگ و قیام عیسی بیندیشید. خدا مطمئناً خود را از طریق فرزندش آشکار نموده است. خدا خود را از طریق ظهور شخص عیسی بر روی زمین مکشوف نمود.

۸- کلمه چه کسی است که خدا خود را از طریق او آشکار نمود؟

روح مقدسش

خدا همچنین خود را توسط روح خود در هر زمانی به هر انسانی که حقیقت را درباره عیسی مسیح می‌پذیرد، آشکار می‌کند. «همان روح به روح‌های ما شهادت می‌دهد که فرزندان خدا هستیم» (رومیان ۸: ۱۶). این روح خدا است که هر فردی را که ایمان آورده، تبدیل به شخص جدیدی می‌سازد. آنچه را که خدا برای دیگران انجام داده برای شما نیز انجام خواهد داد. اگر شما به او ایمان بیاورید، او خود را توسط روحش بر شما آشکار خواهد نمود. وقتی شما قدرت او را در زندگی خود احساس نمودید، دیگر دلیلی برای اثبات وجود او باقی نمی‌ماند. آن وقت متوجه خواهید شد که خدای حقیقی کیست؟

۹- طریق دیگری که خدا با استفاده از آن نشان می‌دهد که شما فرزند او هستید، چیست؟

تعلیم عیسی درباره دعا

دعای نهان و ساده

شاگردان به عیسی گفتند: «خداوند، دعا کردن را به ما بیاموز» (لوقا ۱۱:۱). ما می‌توانیم بهترین روش دعا کردن را از کسی بیاموزیم که خود عالی‌ترین دعا را کرد. بنابراین اجازه بدهید تا عیسی معلم ما باشد.



عیسی به شاگردان خود گفت که مانند ریاکاران (فریسیان) دعا نکنید (متی ۵:۶). آنها در کنیسه‌ها و در گوشه‌های خیابان‌ها دعا می‌کردند. آیا دعای عمومی و جمعی و در ملاء عام اشتباه است؟ البته که نه! عیسی، فریسیان را به خاطر دعا در ملاء عام سرزنش نکرد. او صرفاً انگیزه آنها را که دیده شدن توسط مردم بود، سرزنش کرد. دعای جمعی اشتباه نیست چون خود عیسی در جمع دعا کرد. دعایی که با انگیزه خودنمایی در برابر دیگران انجام می‌شود اشتباه است.

۱۰- متی ۵:۶ و ۶ را از کتاب مقدس بخوانید. خدا برای آنانی که در نهان دعا می‌کنند، چه کاری می‌کند؟

موقعیت‌های زیادی به دست می‌آیند که موجب می‌شوند تا یک فرد با گروهی از مردم در دعای جمعی شرکت کند. شاید این از مشکل‌ترین نوع دعاها باشد چون توجه همه بر کسی است که در حال دعا می‌باشد. اغلب مردم بیشتر در فکر کسی هستند که دعا می‌کند تا خدا؛ یعنی کسی که به درگاه او دعا می‌شود. این موضوع می‌تواند با وسوسه زیادی همراه باشد یعنی توجه خاص به شخصی که دعا می‌کند. او ممکن است وسوسه شود تا آنگونه عمل کند که فریسیان می‌کردند. او ممکن است وسوسه شود و با این انگیزه دعا کند که مردم او را ببینند و سخنان او را بشنوند.

۱۱- بهترین پاسخ صحیح را مشخص کنید.

خداوند به شاگردان خود گفت مانند فریسیان نباشید چون فریسیان

(a) در جمع دعا می‌کردند.

(b) دعاهای طولانی می‌کردند.

(c) دعا می‌کردند تا مردم آنها را ببینند.

افرادی وجود دارند که می‌توانند گروهی از مردم را در دعا به حضور خدا هدایت کنند. آنها قادرند ذهن مردم را متوجه خداوند سازند. چقدر ما به اینگونه رهبران دعا نیازمندیم. خادمین به‌طور خاص باید این عطا را در خود توسعه دهند.

چگونه ما می‌توانیم بدون تفکر به خود یا دیگران پیاموزیم که دعاهای دسته‌جمعی را رهبری کنیم؟ این کار را نمی‌توان با «تمرین» در جمع آموخت. این عمل در دعای شخصی، وقتی که با خدا تنها هستیم و روح او به ما می‌آموزد که غیر از خدا هر چیز دیگری را از ذهن خود دور کنیم، می‌آموزیم. آنگاه وقتی در جماعت می‌ایستیم، درست مثل این است که در خلوت ایستاده‌ایم. هر چند ما می‌دانیم که مردم به سخنان ما گوش می‌دهند ولی افکار ما تنها متمرکز بر آن چیزی است که به مسیح می‌گوییم. ما در میان مردم با خدا تنها هستیم.

۱۲- چگونه می‌توانیم دعا کردن در جمع را پیاموزیم؟

افراد پر از روح، اغلب با هم دعا می‌کنند. به این ترتیب هر ایماندار، علیرغم اینکه در یک گروه در حال دعا است، می‌تواند خود را متمرکز خدا بکند. این تجربه زیبایی است. خیلی از اوقات وقتی دعا به صورت دسته‌جمعی برگزار می‌شود، مردم می‌توانند روح خدا را لمس کنند و او را بپرستند و به زبان‌ها سخن بگویند. منظورمان از زبان‌ها، پرستش در روح، به زبانی است که خدا می‌دهد و کسی آن را نمی‌داند مگر اینکه ترجمه شود. این عطای زیبایی است که شما می‌توانید در اول قرن‌های ۱۴ در مورد آن مطالعه کنید. این عطا کمک بزرگی در پرستش است و برای ایماندار می‌باشد که ایمان دریافت آن را دارد. وقتی این اتفاق می‌افتد، همه برکت یافته و خدا جلال می‌یابد.



اما نظرتان در مورد دعای در نهان چیست؟ عیسی گفت که ما به حجره خود داخل شده، در را ببندیم. او گفت که پدر نهان‌بین ما، ما را آشکارا پاداش خواهد داد (متی ۶:۶). البته عیسی در اینجا بیشتر اشاره به یک حالت ذهنی می‌کند تا اتفاقی با یک در. آنچه اهمیت دارد این است که ما با خدا تنها باشیم. شما می‌توانید هر جا که هستید با خدا تنها

باشید. بعضی مردم وقتی در جنگل در حال قدم زدن هستند، بهتر می‌توانند دعا کنند. بعضی اتفاقی را به دور از دیگران ترجیح می‌دهند. بعضی قادرند در بین یک جمع "تنها" باشند. آنچه اهمیت دارد این است که با خدا تنها باشیم.

۱۳- وقتی عیسی گفت زمانی که دعا می‌کنید وارد اطاقی بشوید و در را از عقب خود ببندید، چه درس مهمی را به ما آموخت؟

نباید فراموش کرد که دعا صحبت با خدا است. وقتی به ملاقات کسی می‌روید بسیار مهم است که هر دو طرف فرصت و امکان صحبت کردن را داشته باشند. بعضی دعا‌های ما شبیه به صحبت با خدا نیست. درست مانند این است که در حال موعظه

برای خدا هستیم. چنین دعایی، دعای بسیار ضعیفی است. چه کسی دوست دارد با کسی ملاقات کند که فقط او حرف می‌زند؟ در چنین مواقعی می‌خواهیم تا آنجا که ممکن است هر چه سریع‌تر از دست چنین افرادی خلاص شویم چون از صحبت با آنها لذت نمی‌بریم. خداوند نیز اغلب در پی این است که چیزی به ما بگوید ولی ما به او مجال و فرصت حرف زدن نمی‌دهیم! گوش دادن ما به خدا، مهم‌تر از گوش دادن او به ما است. چه چیزی می‌توانیم به او بگوییم که او از قبل آن را نمی‌داند؟ ولی مطمئناً اگر گوش شنوا وجود داشته باشد، چیزهای زیادی است که باید از او بیاموزیم!



چگونه می‌توانیم به خدا گوش بدهیم؟ خدا چگونه با ما صحبت می‌کند؟ یکی از عالی‌ترین راه‌ها برای گوش دادن به خدا این است که در موقع دعا، کلام خدا را در مقابل خود داشته باشیم. اگر ما آیه‌ای را بخوانیم و سپس از خدا بخواهیم معنی آن را به ما نشان دهد، خدا مفهوم آن را به ذهن ما خواهد آورد.

خدا با ما حرف می‌زند. روح‌القدس می‌تواند معلم ما باشد یعنی ما را به جمیع راستی هدایت کند. وقتی روح‌القدس واقعی را آشکار می‌سازد، آن وقت زمان آن است که خدا را بپرستیم و از او به خاطر حقیقتی که به ما آموخته، تشکر کنیم. سپس می‌توانیم به مطالعه خود ادامه دهیم تا خدا یک بار دیگر از کلام خود با ما سخن بگوید. چه طریق شگفت‌انگیزی برای دعا!

۱۴- وقتی دعا می‌کنیم، برای شنیدن آنچه که خدا می‌خواهد به ما بگوید چه طریق خوبی وجود دارد؟

به یاد آورید که عیسی درباره «سخنان باطل» چه چیز را بیان نمود (متی ۷:۶). خدا ناشنوا نیست. او بی تفاوت نیست. و لازم نیست که او را وادار به انجام کاری نمود. از آنجا که او خدای محبت است، ما تنها باید درخواست‌های خود را به حضور او بیاوریم و به او اطمینان کنیم که به ما جواب خواهد داد. بعضی اوقات وقتی مکرراً از او چیزی می‌خواهیم، آن هم با این انگیزه که گویا خدا بار اول که از او درخواست نمودیم صدای ما را نشنید، از خود بی‌ایمانی نشان می‌دهیم. بعضی مواقع هم به گونه‌ای عمل می‌کنیم که گویا بایستی او را وادار به انجام کاری کرد. خدا، خدای محبت است. قلب او سنگی نیست و شخصیتی خودخواه ندارد. او می‌خواهد که به ما کمک کند!

۱۵- جملاتی را که صحیح هستند مشخص نمایید.

- (a) خدا می‌خواهد که به دعا‌های ما پاسخ دهد.
- (b) او به بعضی از دعا‌های ما پاسخ نمی‌دهد چون او شخص خودخواهی است.
- (c) لازم است که دعا‌های ما طویل باشند.
- (d) خدا از ما می‌خواهد که با اطمینان دعا کنیم و به او اعتماد نماییم.

همیشه دعا کنید

به ما گفته شده که «در هر وقت به جهت تمام مقدسین دعا کنید» (افسیسیان ۱۸:۶). در اول تسالونیکیان ۵:۱۷ می‌خوانیم: «همیشه دعا کنید». چگونه یک شخص می‌تواند همیشه در حال دعا باشد؟

البته می‌دانیم که دعا کردن کاری بیش از زانو زدن است. کاری بیش از صرف وقت در تفکر، در پرستش و ارائه درخواست‌ها است. دعا باید همیشگی و در همه وقت باشد. پس الزاماً باید حالت یا طریقی برای زندگی باشد.

نمی‌توان به چنین حالت یا شیوه زندگی بدون دعای انفرادی و جمعی و پرستش دست یافت. رفتارها و عادت‌های ما با انجام مرتب بعضی کارها شکل می‌گیرند. در

مورد دعا هم این موضوع صدق می‌کند شما نمی‌توانید «در هر وقت» دعا کنید مگر اینکه دعا در زندگی شما یک عادت شده باشد. البته زندگی مشتمل بر دعای ما را نباید با مقیاس زمان سنجید. باید ملاک و میزان، کیفیت دعای ما باشد. خیلی از مواقع در حالی که بدن‌های ما در کلیسا هستند، افکار ما در خانه سیر می‌کنند. یا وقتی در دعا زانو می‌زنیم، ذهن ما در آشپزخانه است. اگر بیاموزیم که به طریق صحیح دعا کنیم، خواهیم آموخت که همیشه و در هر وقت در مسیر صحیح راه برویم. این است منظور ما از «همیشه دعا کردن». آن وقت می‌توانیم اراده خدا را از کلامش بفهمیم و در دعا و پرستش، خود را تسلیم به او کنیم تا بتوانیم هر لحظه از زندگی مان را بر طبق طرح و برنامه‌ای که او برای ما دارد، به سر بریم.

۱۶- چرا خوب نیست که دعا را در مقیاس زمانی ارزیابی کنیم؟

عیسی نمونه ما در دعا می‌باشد. او ساعت‌های طولانی را صرف دعا نمود و روزه گرفت. اما به چه منظوری؟ آیا به این منظور که پاسخ دعاها را برای خواهش‌های خود تضمین کند؟ رهایی و رستگاری را برای آنانی که مصیبت دیده هستند، تضمین نماید؟ نه، به هیچ وجه! دعا‌های او برای بیماران کوتاه و ساده بودند. چرا؟ چون تمام زندگی او عجبین به دعا و پرستش بود. از آنجا که او همیشه در دعا‌های خود، در طلب اراده پدر بود می‌توانست به‌طور مرتب و دائمی برطبق این اراده قدم بردارد. او همه وقت دعا می‌کرد.

۱۷- چرا عیسی برای رهایی بیماران از امراض دعا‌های طولانی نمی‌کرد؟

چگونه ما می‌توانیم برطبق اراده خدا دعا کنیم؟ عیسی به ما چگونگی دعا کردن را در متی ۹:۶-۱۳ می‌آموزد. او گفت: «پس شما به این‌طور دعا کنید» (متی ۹:۶). وقتی عیسی درباره چگونگی دعا کردن صحبت می‌کرد، درباره ترتیبی صحبت می‌نمود که با پیروی از آن ما می‌توانیم درخواست‌های خود را به حضور او بیاوریم. او صحبت از این می‌کند که چگونه ابتدا می‌توانیم دنبال مهم‌ترین چیزها باشیم. به ترتیبی که در

ارائه درخواست‌ها در دعا به ما می‌آموزد، توجه کنید. ابتدا، او صحبت از نام تو، ملکوت تو و اراده تو می‌کند. بعد از آن او دعا کرد: «به ما بده، ما را ببخش، میاور و رهایی ده». به بیانی دیگر، آنچه عیسی در اینجا می‌گوید این است که وقتی ما دعا می‌کنیم، باید ابتدا حق تقدم و اولویت را به نام، ملکوت و اراده خدا بدهیم. شروع نمودن دعا با «به ما بده، ببخش، میاور و رهایی ده» ترتیب اشتباهی است. عیسی به وضوح در متی ۳۳:۶ می‌گوید: «اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد».

۱۸- اولویت‌ها در دعا عبارتند از خدا، خدا و خدا.

وقتی بیاموزیم، آنگونه که عیسی به ما یاد داد دعا کنیم، خواهیم آموخت که چگونه مانند عیسی زندگی کنیم. وقتی در زندگی ملکوت خدا برای ما بالاتر از هر چیز دیگری باشد، آن وقت در همه وقت دعا خواهیم کرد! تا زمانی که درخواست‌هایمان مهم‌تر از اراده خدا باشند، خواهیم لغزید و ملاک و معیار ما ساعت‌هایی خواهد بود که در دعا می‌گذرانیم. در حالی که خدا ساعتی بر دست خود ندارد تا ببیند ما چه مقدار وقت در اتاق دعا صرف نمودیم. خدا در پی این است که در هر لحظه از روز، خداوند زندگی ما باشد.

۱۹- چهار چیزی که خدا وعده داده تا برای ما مهیا کند به شرطی که ما حق تقدم

را به ملکوت او بدهیم عبارت‌اند از: (متی ۹:۶-۱۳)

(a)

(b)

(c)

(d)

خودآزمایی

بعد از اینکه درس را مرور کردید، به سؤالات خودآزمایی پاسخ دهید. سپس پاسخ‌های خود را با پاسخ‌های صحیحی که در انتهای کتاب آمده‌اند، مقایسه کنید. هر سؤالی را که پاسخ صحیح به آن نداده‌اید، مجدداً مرور کنید.

پاسخ کوتاه.

- ۱- چرا افراد شکاک و لادری دعا نمی‌کنند؟
- ۲- کلامی را که در اول یوحنا ۱۸:۴ می‌تواند به افراد معتقد به «ارواح نیاکان» امید بخشد، بنویسید.
- ۳- چه تغییری در زندگی شخصی که تعالیم مسیح را پذیرفته و او را به عنوان پسر خدا اعتراف می‌کند، دیده می‌شود؟
- ۴- تقاضای شاگردان در لوقا ۱:۱۱ را بنویسید.
- ۵- چرا دعای در جمع مشکل است؟
- ۶- سه طریقی که خدا خود را آشکار می‌سازد، نام ببرید.

(a)

(b)

(c)

- ۷- دعای بدون وقفه یعنی یادگیری صحیح تا بتوانیم صحیحی داشته باشیم. این گفته به این معنی است که ما همیشه بیشتر از اراده خودمان در پی خدا هستیم.

سؤالات چند گزینه‌ای. تنها یک پاسخ صحیح برای سؤالات زیر وجود دارد.

پاسخ صحیح را مشخص کنید.

۸- فرد وحدت وجودی معتقد است که

(a) خدا همه انسان‌ها را دوست دارد.

(b) طبیعت، خدا است.

(c) خدا، خدای خوبی است.

۹- چه باید بکنیم تا صدای خدا را بشنویم؟

(a) وقت زیادی را صرف درخواست از خدا بکنیم تا احتیاجات ما را رفع کند.

(b) مرتب کلام خدا را بخوانیم و درباره آن تفکر کنیم و از خدا بخواهیم که ما را در درک آن کمک کند.

(c) دعای ربانی را به‌طور مرتب تکرار کنیم.

۱۰- شخصی که بدون وقفه دعا می‌کند، کسی است که

(a) همیشه در دعا بر روی زانوان خود است.

(b) همیشه به فکر خدا است.

(c) همیشه بالاتر از هر چیزی در پی ملکوت خدا است.

سؤالات انطباقی - اسامی سمت چپ را با جملات مربوط به آن در سمت راست

انطباق دهید.

- | | |
|---------------|--|
| (۱) ملحد | (a) انسانی که «خدا را نمی‌خواهد» |
| (۲) لادری | (b) انسانی که معتقد به «ارواح نیاکان» است |
| (۳) وحدت وجود | (c) انسانی که معتقد است «نمی‌توان با اطمینان گفت» |
| (۴) خودپرست | (d) انسانی که معتقد است «هر خدایی انجام خواهد داد» |
| (۵) گمراه | (e) انسانی که معتقد است «خدایی نیست» |
| (۶) جهان‌گرا | (f) انسانی که معتقد است «من خدا هستم» |
| (۷) روح‌پرست | (g) انسانی که معتقد است «طبیعت خدا است» |

پاسخ صحیح تمرین‌ها

- ۱۰- آشکارا پاداش می‌دهد.
- ۱- a) اعتقادی به وجود خدا ندارد.
- ۱۱- c) دعا می‌کردند تا مردم آنها را ببینند.
- ۲- چون آنها ظلمت را بیشتر از نور دوست دارند.
- ۱۲- ما می‌توانیم یاد بگیریم که چگونه در جمع دعا کنیم وقتی که ابتدا دعای شخصی را آموختیم.
- ۳- او نمی‌تواند پاسخ دهد، محبت کند، بشنود یا ببیند.
- ۱۳- اینکه لازم است ما در دعا فرصتی را به تنهایی با خدا بگذرانیم.
- ۴- بر پایه ایده و تشخیص خودش از نیکی و بدی.
- ۱۴- با داشتن کلام خدا در مقابل خود، دعا کنیم و از او بخواهیم ما را جهت فهمیدن آن کمک کند.
- ۵- جهان‌گرا
- ۱۵- a) صحیح
- b) غلط
- c) غلط
- d) صحیح
- ۶- چون او از ارواح مردگان می‌ترسد.
- ۱۶- چون وقتی بر روی زانوان خود هستیم، ذهن ما همیشه متمرکز نیست.
- ۷- انبیا و رسولان

۱۷- چون او بدون وقفه در زندگی خود دعا می‌کرد و دائم در اراده خدا قدم برمی‌داشت.

۸- عیسی مسیح

۱۸- نام، ملکوت، اراده

۹- روح خدا به روح ما می‌پیوندد تا اعلان نماید که ما فرزندان او هستیم.

۱۹- (a) غذا

(b) بخشش

(c) در آزمایش نیاوردن

(d) رهایی از شریر

ارتباط خانوادگی

«پدر ما» (متی ۹:۶)

دعا باید با این درک و فهم آغاز شود که ما "که" هستیم. پولس در رومیان ۳:۱۲ می‌گوید: «هر یکی از شما را می‌گویم که فکرهای بلندتر از آنچه شایسته است نکنید». این نصیحت خوبی است. فردی که اعتقاد دارد «خودش خدا است»، در واقع خود را پادشاه هر چیزی می‌داند. او در خود احساس نیاز به دعا را نمی‌بیند. در حالی که اگر ما که به خدا ایمان داریم و او را محبت می‌نماییم حقیقتاً درک کنیم که فرزندان خدا هستیم، در موقع دعا با اطمینان بیشتری دعا خواهیم کرد.

«از آن رو که روح بندگی را نیافته‌اید تا باز ترسان شوید بلکه روح پسرخواندگی را یافته‌اید که به آن ابا یعنی ای پدر ندا می‌کنیم!» (رومیان ۸:۱۵).

چه چیز فوق‌العاده‌ای است که انسان فرزند خدا باشد! چه موضوع هیجان‌انگیزی است که انسان به یک خانواده بزرگ تعلق داشته باشد که در آن برادران و خواهران ما ایماندارانی هستند که از هر نژاد، ملت و قبیله می‌باشند! چقدر خارق‌العاده است که بدانیم پدر ما، ما را دوست دارد و در تدارک رفع تمامی نیازهای ما است.

بنابراین، در دعا با شجاعت می‌توان به حضور پدر آمد. البته باید با احترام و فروتنی به حضور او بیاییم. ولی نیازی نیست که از او بترسیم چون می‌دانیم که پدر، ما را دوست دارد.

رئوس مطالب

پدر فرزندان

ایمانی که نجات می دهد

ایمانی که حفظ می کند

اخوت و برادری فرزندان

از بین رفتن نگرش قدیمی

روی کار آمدن دیدگاه جدید

عملکرد فرزندان

صید مردم

پرستش خدا



اهداف درس

پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:

- اهمیت دعا را در زندگی مسیحی درک کنید.
- چگونگی تأثیر اصل اولیه دوم قرن‌های ۵:۱۶ و ۱۷ را بر زندگی و پرستش یک فرزند خدا بیان کنید.
- مهم‌ترین عملکرد فرزندان خدا را مشخص کنید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- رومیان ۸:۱۲-۱۷ را بخوانید و آیه ۱۵ را حفظ کنید.
- ۲- به کسی که متعلق به خانواده الهی نیست فکر کنید و به نام برای او دعا نمایید.
- ۳- متن درس را بخش به بخش مطالعه نمایید. سؤالات چند گزینه‌ای را با مشخص نمودن بهترین پاسخ علامت بزنید. برای هر یک از سؤالات صحیح - غلط بهترین پاسخ صحیح را مشخص نمایید.

۴- بعد از اینکه متن درس را تمام کردید به اهداف درس برگردید و مطمئن شوید که آنچه را که در آنجا آمده، می‌توانید انجام دهید.

متن درس

پدر فرزندان

پدر ما! چه معنای عمیقی در این کلمات وجود دارد! خدا انسان را خلق نمود. از شنیدن این حقیقت که خدا از ابتدای خلقت طرح و برنامه‌ای داشته، بلافاصله احساس دلپذیر و گرمی به انسان دست می‌دهد.

خدا، خدای محبت است. محبت به تنهایی معنا و مفهومی ندارد بلکه باید آن را با کسی در میان گذاشت والا نمی‌توان گفت محبت، واقعی است. به این خاطر است که خدا انسان را به شباهت خود خلق نمود. خدا باغی آفرید و انسان را در آن قرار داد. هر شب خدا و انسان با یکدیگر در باغ قدم می‌زدند و با یکدیگر حرف می‌زدند. چقدر فوق‌العاده بوده، خدا می‌خواست محبت خود را با انسان در میان بگذارد. او همینطور می‌خواست که از جانب انسان نیز محبت ببیند. اما انتظار داشت که انسان به میل خود او را محبت نماید، به این خاطر به انسان قدرت انتخاب داد که ما این دیدگاه را «اراده آزاد» می‌نامیم.



بعد سر و کله گناه پیدا شد. شیطان آدم و حوا را وسوسه نمود. آنها دروغ او را درباره خدا باور کردند و از فرمان خدا سرپیچی نمودند و مشارکت بین آنها قطع شد.

گناه حائلی بین خدا و انسان ایجاد کرد. دیگر راهی برای بیان محبت نبود. انسان از باغ بیرون رانده شد و او آموخت که باید تا زمان آمدن نجات‌دهنده به جهان، برای از بین بردن گناه، قربانی‌های خونی تقدیم کند.

۱- چه چیزی مشارکت بین خدا و انسان را متوقف ساخت؟

در آن روزها، هدف اصلی از پرستش، نیازی بود که گذراندن قربانی گناه را ایجاب می‌کرد. ارتباط انسان با خدا بر پایه اطاعت او از شریعت قرار داشت. بعد انبیاء آمدند و نوید آمدن نجات‌دهنده‌ای را دادند. نام او «خدا با ما» (عمانوئیل) بود. قرار بود او گناه را بردارد تا یک بار دیگر انسان بتواند با خدا راه برود و او را محبت کند. نجات‌دهنده، این امکان را به وجود می‌آورد که انسان بتواند خدا را در روح و راستی پرستد.

۲- هدف اصلی از پرستش خدا قبل از آمدن عیسی چه بود؟



بنابراین عیسی آمد. او زندگی مصون از خطایی را بر روی زمین داشت. وقتی مردمان شریر او را مصلوب نمودند، "بره" خدا شد. او تبدیل به یک "قربانی" شد که گناهان تمام بشریت بر او قرار گرفت. او به خاطر ما گناه شد. او جریمه گناه را که موت بود، پرداخت. او مرد و در قبر نهاده شد. اما به خاطر اینکه مرتکب هیچ گناهی نشده بود، مرگ نتوانست او را در بند خود نگه دارد. او از قبر قیام کرد. بر گناه و مرگ پیروز شد و آن وقت به شاگردان خود گفت تا این خبر خوش را منتشر کنند. آنها باید به همه

می گفتند که بار دیگر امکان محبت دو طرفه بین خدا و انسان به وجود آمده است. خدا و انسان یک بار دیگر می توانستند با هم راه بروند!

۳- چه کسی جریمه گناه را برای ما پرداخت؟

ایمانی که نجات می دهد

چطور ممکن است این موضوع برای شما نیز اتفاق بیفتد؟ کتاب مقدس می گوید که اگر به زبان خود اعتراف کنید که عیسی، خداوند است و در قلب خود ایمان بیاورید که خدا او را از مردگان برخیزانیده، نجات خواهید یافت! خدا را شکر! لحظه ای به این موضوع فکر کنید! اگر شما ایمان بیاورید و نام او را بخوانید، نجات خواهید یافت. اما ابتدا باید او را بخوانید.

«هر که به او ایمان آورد خجل نخواهد شد. زیرا که در یهود و یونانی تفاوتی نیست که همان خداوند، خداوند همه است و دولتمند است برای همه که نام او را می خوانند. زیرا هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت» (رومیان ۱۰: ۱۱-۱۳).

۴- بهترین پاسخ صحیح را از میان پاسخ های زیر انتخاب کنید.

- a) انسان از چه طریقی فرزند خدا شد؟
- b) با قبول شدن در امتحان نوایمانان.
- c) با ایمان آوردن به فرزند زنده خدا و اعتراف به نجات دهنده بودن او.

نجات با دعا شروع می شود و برای آنانی که نام خداوند را می خوانند، اتفاق می افتد. آغازش زمانی است که شما به گناهان خود در حضور خداوند اعتراف می کنید و توبه می نمایید. زمانی که شما ایمان می آورید که عیسی، نجات دهنده و پسر خداست که از مردگان قیام نموده، نجات شروع می شود. زمانی که شما با زبان خود

اعتراف می‌کنید و در دل خود ایمان می‌آورید، نجات آغاز می‌گردد. شروع آن زمانی است که شما با دعای ایمان دعا می‌کنید! هلولیاه!

۵- عملکرد دعا در زمان نجات چیست؟

توجه کنید که رومیان ۱۲:۱۰ می‌گویند: «این شامل هر که ...» می‌شود. خدا شخصی نیست که تنها ملاحظه عده‌ای را بکند. او می‌خواهد همه نجات یابند. او مایل است تا همه نام او را بخوانند. خدا می‌خواهد دعای همه دعای ایمان باشد! لازم است که در اینجا کمی بیشتر در مورد نقشه خدا توضیح دهیم. نقشه خدا بر روی صلیب یا در قیام خلاصه نمی‌شود. این تنها اولین قسمت این نقشه بود. توجه داشته باشید که مرگ و قیام مسیح این امکان را برای همه به وجود آورد که ایمان بیاورند تا بتوانند فرزندان خدا شوند. «به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند» (یوحنا ۱:۱۲). بله، فرزندان خدا! این نهایت نقشه خدا است! خدا فرزندانی را می‌خواهد که او را محبت کنند و او را «با بخوانند! یعنی پدر!»

۶- یوحنا ۱:۱۲ را بخوانید. خدا به آنانی که عیسی را قبول می‌کنند، چه امتیازی می‌بخشد؟

خدا امروز نیز همان را می‌خواهد که از ابتدا در پی آن بود. او می‌خواهد محبت خود را با انسان در میان بگذارد. او می‌خواهد با او مشارکت داشته باشد. به این خاطر است که پرستش، اهمیت زیادی پیدا می‌کند. خدا فرزندانی را می‌خواهد که او را می‌پرستند و محبت می‌نمایند. تنها فرزندان خدا هستند که می‌توانند او را پرستند. تنها آنانی که به او ایمان دارند، می‌توانند دعای ایمان بکنند. بنابراین، دعا با اعتراف ایمان آغاز می‌شود و منتهی به پرستش خدا یعنی پدرمان می‌گردد.

۷- جملات صحیح را مشخص نمایید.

- (a) ما می‌توانیم بدون عیسی نجات یابیم.
- (b) خدا از گناهکاران متنفر است.
- (c) هر کسی می‌تواند فرزند خدا شود.
- (d) تنها فرزندان خدا می‌توانند او را بپرستند.

در انتهای این جهان، همهٔ آنانی که ایمان آورده‌اند و فرزندان خدا هستند با یکدیگر در آسمان جمع خواهند شد. صدایی بلند به گوش خواهد رسید که می‌گوید: «اینک خیمه خدا با آدمیان است و با ایشان ساکن خواهد بود و ایشان قوم‌های او خواهند بود و خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد بود» (مکاشفه ۳:۲۱). این برنامه خدا است. این نقشه‌ای است که خدا از ابتدا داشته است. این نقشه‌ای است که از قبل برای آنانی که ایمان می‌آورند، شروع شده است. تمام آنانی که با ایمان نام او را بخوانند، می‌توانند مشارکت با خدا را به طریقی صحیح آغاز نمایند. آنها در دعا و پرستش می‌توانند با او حرف بزنند و خدا نیز با آنها. آنها می‌توانند محبت خدا را به طریق صحیحی به مردم روی زمین بیان کنند. دیگر لازم نیست که منتظر بمانند تا به آسمان بروند.

ایمانی که حفظ می‌کند

چیز جالبی که در مورد محبت خدا وجود دارد این است که هرگز ساقط نمی‌شود. او زمانی ما را محبت نمود که ما گناهکار بودیم. ولی مشارکتی با ما نداشت چون ما او را محبت نمی‌نمودیم. اما وقتی ایمان آوردیم که عیسی پسر خدا است که برای ما مرد و قیام کرد، آن وقت یک بار دیگر توانستیم با خدا محبت خود را در میان بگذاریم. ما بار دیگر می‌توانیم او را بپرستیم و با او حرف بزنیم. ایمان، این امکان را برای ما به وجود می‌آورد که فرزندان خدا گردیم. تا زمانی که ایمان خود را به او حفظ کنیم، هیچ چیزی قادر نیست که محبت بین ما و خدا را بشکند.

۸- به چه طریقی مشارکت بین خدا و انسان مجدداً برقرار شد؟

- (a) انسان تمام سعی خود را نمود که خوب بشود.
- (b) انسان قربانی های خونی برای گناهان خود تقدیم نمود.
- (c) انسان عیسی مسیح را به عنوان نجات دهنده خود پذیرفت.

البته اگر ایمان خود را به او انکار کنیم، ارتباط و مشارکت ما با او قطع خواهد شد. محبت باید با میل و رغبت باشد. خدا با میل، محبت خود را نسبت به ما ابراز می کند، اما اگر ما از ایمان به او دست برداریم، محبت ما نسبت به او از بین خواهد رفت و مشارکت با خدا نیز قطع خواهد شد.

ما توسط ایمان است که نجات یافته و محفوظ می مانیم. اگر ایمان خود را حفظ کنیم در واقع نجات خود را حفظ کرده ایم. اگر ایمانمان را رها کنیم، آن وقت اساس روابط ما با خدا از بین خواهد رفت. وقتی ایمان نیست، محبت ما نسبت به خدا از ما جدا می شود و یک بار دیگر تبدیل به اشخاص گناهکار و بی ایمان می گردیم.

۹- یک ایماندار چه وقت نجات خود را از دست می دهد؟

- (a) وقتی از ایمان به عیسی مسیح دست می کشد.
- (b) عملی گناه آلود انجام می دهد.
- (c) کلیسای خود را ترک کرده و به دیگری می پیوندد.

توسط دعا است که برای نجات خود به حضور خدا می رویم. توسط دعا است که محبت یک بار دیگر بین ما و خدا احیاء می شود. و توسط دعا است که ارتباط خود را با خدا زنده نگه می داریم. محبت باید ابراز شود و وقتی ما از ابراز محبتمان نسبت به خدا دست برمی داریم، ارتباط ما با او از بین می رود. اما توسط دعا و پرستش، ایمان و محبت ما قوی می ماند.

اخوت و برادری فرزندان

عنوان این قسمت را «اخوت برادران» گذاشته‌ایم، اخوت یعنی «برادری». چه چیزی این امکان را برای ایمانداران به وجود می‌آورد که برادر یکدیگر باشند؟ مطمئناً این موضوع زمانی ممکن می‌شود که همه دارای «پدر»ی واحد باشند. روزی که از گناهانمان توبه کردیم و مسیح را به عنوان نجات‌دهنده خود اعتراف نمودیم، فرزندان خدا شدیم و عضو این خانواده گردیدیم. تمامی آنانی که پسران یک پدر هستند با هم برادرند. وقتی ما می‌گوییم «پدر ما» اعتراف می‌کنیم که تمامی فرزندان او برادران ما هستند. «زیرا آنانی را که از قبل شناخت ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند تا او نخست‌زاده از برادران بسیار باشد» (رومیان ۸: ۲۹). کمی به این موضوع فکر کنید. تمامی ایمانداران واقعی، برادران و خواهران ما می‌باشند. نقشه خدا از ابتدا این بوده که او پدر «برادران بسیار» باشد که در بین آنها مسیح «برادر ارشدتر» است.

۱۰- جمله صحیح را مشخص کنید.

(a) همه انسان‌ها برادران ما هستند.

(b) اگر خدا پدر ما است آن وقت عیسی «برادر ارشد» ما خواهد بود.

(c) با تبدیل شدن به انسانی خوب می‌توانیم فرزند خدا شویم.

(d) خدا نمی‌خواهد که پدر ما باشد.

از بین رفتن نگرش قدیمی

خدا انسان‌ها را به دو گروه تقسیم می‌کند. تنها دو گروه! آنانی که متعلق به خانواده او هستند و آنانی که نیستند. خدا به جهان‌آنگونه که بشر به آن نگاه می‌کند، نمی‌نگرد. او نمی‌گوید این یک سرخپوست است. این یکی آفریقایی، این یکی سفیدپوست و این سیاه‌پوست، این ثروتمند و این فقیر، این یکی تحصیلکرده و آن یکی فردی امی است. نه، به هیچ وجه! این روش طبقه‌بندی است که جهان از

انسان‌ها ارائه می‌دهد. اما ملاک خدا معیارهای انسانی و بشری نیست. او تنها دو گروه را می‌بیند یعنی آنانی که فرزندان او هستند و آنانی که نیستند. بنابراین، او به انسان نگاه می‌کند و می‌گوید: «این یکی فرزند من است. این هم فرزند من می‌باشد. اما این یکی فرزند من نیست». گرچه این ما هستیم که انتخاب می‌کنیم جزو این خانواده باشیم یا نه.

۱۱- در نظر خدا تنها دو گروه از مردم وجود دارند، آن دو گروه کدام هستند؟

ما باید به مردم با آن چشمی نگاه کنیم که خدا می‌نگرد. در خانواده الهی جایی برای تعصب وجود ندارد. جهان انسان‌ها را به ملت‌ها، نژادها، قبیله‌ها و فرهنگ‌ها تقسیم می‌کند. ما باید تنها دو گروه را ببینیم یعنی آنانی که برادران و خواهران ما هستند و آنانی که نیستند.

۱۲- جملات صحیح را مشخص کنید.

- (a) خدا همه انسان‌ها را دوست دارد.
- (b) همه انسان‌ها مخلوقات خدا هستند.
- (c) همه انسان‌ها فرزندان خدا هستند.
- (d) همه انسان‌ها با هم برادرند.

روی کار آمدن دیدگاه جدید

شما می‌گوئید: «چطور این ممکن است؟ همه ما نمی‌توانیم در خانواده الهی یکسان باشیم». این درست است و خدا هم هرگز قصد نداشته آنچه را که به مردم گوناگونی می‌دهد، از آنها بگیرد. آنچه که خدا می‌خواهد انجام دهد این است که قلب‌های ما را از محبت خود پر کند تا زمانی که گوناگونی موجب اختلاف نگردد! امریکایی به امریکایی بودن خود ادامه خواهد داد. یک سرخپوست به سرخپوست بودن خود ادامه خواهد داد و سیاه‌پوست همان سیاه و سفیدپوست همان سفید

خواهند ماند. خدا نمی‌خواهد که ما ملیت، نژاد یا خاندان خود را تغییر دهیم. بلکه این امکان را به وجود می‌آورد که نژادهای گوناگون مردم بتوانند با همدیگر در محبت و صلح زندگی کنند. چطور این امکان وجود دارد؟ با تشکیل یک خانواده یعنی خانواده‌ای که توسط روح القدس و دعا با هم متحد می‌شوند! این گفته صحیح است که می‌فرماید: «خانواده‌ای که با هم دعا می‌کنند، با هم می‌مانند». این حقیقت در مورد یک خانواده کوچک به همراه فرزندان‌شان نیز صدق می‌کند. همینطور در مورد خانواده الهی که متشکل از نژادها و ملل زیادی است نیز صدق می‌کند. دعا، تغییر ایجاد می‌کند.

۱۳- وقتی دوم قرن‌های ۱۶:۵ می‌فرماید که ما نباید با معیارهای انسانی قضاوت کنیم، منظورش این است که:

- a) نباید انتظار داشت که نژادهای مختلف مردم با یکدیگر در صلح زندگی کنند.
- b) سعی کنیم اختلافاتی را که انسان‌ها را از هم جدا می‌سازند، کنار بگذاریم.
- c) ایمانداران را علیرغم تفاوت‌هایی که دارند، به عنوان برادران و خواهران خود بپذیریم.

خیلی‌ها به این خاطر که نمی‌خواهند مسیح را به عنوان منجی خود بپذیرند، فرزندان خدا نیستند. آنها نمی‌توانند دعا کنند و بگویند: «پدر ما». حتی اگر برادران افرادی باشند که ایماندار هستند. وقتی ایمانداری یک فرد بی‌ایمان را ملاقات می‌کند، نمی‌تواند او را «برادر» خود خطاب کند. چرا؟ چون او همان پدر را ندارد و جزء آن خانواده نیست. عیسی به آنانی که او را رد کردند، فرمود: «شما از پدر خود ابلیس می‌باشید» (یوحنا ۸:۴۴).

از طرف دیگر اگر ایمانداری ایماندار دیگری را ملاقات کند، حتی اگر او از نژاد یا ملیت دیگری باشد، بلافاصله در خود احساس محبتی نسبت به او می‌کند چون برادر او می‌باشد. او عضوی از خانواده خود شما است. زیرا برای فرزند خدا آنچه او را از

دیگران جدا می‌سازد نژاد یا ملیت نیست بلکه این حقیقت که آنها بی‌ایمان هستند. او نمی‌تواند با بودن با آنها احساس «در خانه» بودن بنماید.

۱۴- چه چیزی فرزند خدا را از دیگران جدا می‌سازد؟

عملکرد فرزندان

صید مردم

کار فرزندان خدا مادامی که بر زمین هستند چیست؟ چرا خدا آنها را آنجا قرار داده است؟ دلیل خوبی برای این سؤال وجود دارد. چون خانواده خدا هنوز کامل نشده و خدا مایل نیست هیچ کس نابود شود. او می‌خواهد همه عضوی از این خانواده باشند! اما تنها کسانی می‌توانند ایمان بیاورند که آنچه را که عیسی برایشان انجام داده، بشنوند. پس خدا به فرزندانش کاری محول کرده است. او به آنها گفته که بروند و خبر خوش را به همه مخلوقات عالم برسانند. چه مأموریت فوق‌العاده‌ای! چه مسئولیت خطیری!

ولی ما در انجام این وظیفه تنها نیستیم. عیسی در دست راست خدا نشسته و برای ما دعا می‌کند. وقتی قاصر می‌آییم، او آنجا است تا درخواست‌های ما را برای کمک بشنود و درباره احتیاجات ما نزد خدا شفاعت کند. او مطالب ما را به حضور خدا می‌آورد و از آنها دفاع می‌کند.

روح‌القدس به ما آگاهی می‌بخشد که ما کیه هستیم. او باعث می‌شود تا ما خدا را بپرستیم و شادی کنیم چون پسران و دختران خدا هستیم. این آگاهی به ما اطمینان می‌دهد که قادریم آنچه را که خدا از ما خواسته، انجام دهیم. بدون ترس فریاد برمی‌آوریم «ابا، ای پدر»!

وقتی ما نمی‌دانیم چگونه باید دعا کنیم، روح‌القدس به جای ما دعا می‌کند. وقتی نقشه خدا برای ما روشن نیست و اراده او به نظر ما مطمئن نمی‌آید، روح‌القدس به

جای ما دعا می‌کند آن هم با ناله‌هایی که نمی‌توان آنها را در قالب کلمات بیان نمود. واقعاً روح القدس چه مددکننده‌ی عالی‌ای است.

۱۵- چه وقت روح القدس به جای ما دعا می‌کند؟

هنگامی که دعا می‌کنیم تا مردم نجات یابند، روح القدس اغلب به زبانی که ناشناس است از طریق ما دعا می‌کند، بار ما را به حضور خدا می‌برد و به دعای ما کمک می‌کند. روح القدس چه به زبان عقل یا زبانی ناشناخته، ما را تشویق خواهد نمود و به ما قوت خواهد بخشید تا با قدرت روحانی برویم، شهادت بدهیم و مردم را به سوی مسیح جذب کنیم. روح کمک می‌کند تا دعا کنیم. روح به ما کمک می‌کند تا پرستش نماییم. به چه منظوری؟ تا بتوانیم مسئولیت خود را انجام دهیم.

پرستش خدا

دعا چیست؟ دعا ارتباط با خدا است. بعضی وقت‌ها این ارتباط با کلام است و بعضی اوقات بدون کلام. علت اینکه ما دعا را از پرستش جدا می‌کنیم این است که می‌توان گفت دعا بیشتر سروکارش با نیازهای مردم است در حالی که پرستش بیشتر در ارتباط با عبادت و تمجید خدا است.

کلماتی مانند «توبه، درخواست، جستجو، کوبیدن، اخراج کردن، مطالبه، باور کردن، شکر و تقاضا»، همه توصیف‌کننده‌ی دعا هستند. کلماتی مانند «ستایش، شکرگزاری، تعمق، مطالعه، احترام، جلال و شادی»، توصیف‌کننده‌ی پرستش می‌باشند. اینها فعالیت‌های فرزندان خدا در دعا و پرستش می‌باشند. وقتی شما مطالعه‌ی کلام را به فعالیت‌های بالا اضافه می‌کنید در واقع به دو طریقی دست می‌یابید که اعضای این خانواده می‌توانند با خدا در ارتباط باشند.

ما با خدا ارتباط برقرار می‌کنیم	
دعا	پرستش
توبه	ستایش
درخواست	شکرگزاری
جستجو	تعمق
کویدن	مطالعه
اخراج کردن	احترام
مطالبه	جلال
باور کردن	شادی
شکر	
تقاضا	

۱۶- جملات صحیح را مشخص کنید.

(a) با مطالعه کلام می‌توانیم با خدا ارتباط برقرار کنیم.

(b) دعا می‌تواند کلامی یا غیر کلامی باشد.

(c) پرستش معمولاً ستایش خدا است.

(d) خدا مایل به داشتن ارتباط با انسان نیست.

دعا، ما را به حضور خدا می‌آورد. دعا، ایمان ما را تقویت می‌کند تا وعده‌های خدا را از او مطالبه کنیم. دعا، کسی را که مدافع حقوق ما است یعنی عیسی را، در زمانی که گناهی کرده‌ایم، به طرفداری و دفاع از ما و می‌دارد.

دعا، زمانی که نیاز به رهایی داریم، قدرت را برایمان به ارمغان می‌آورد و بالاتر از همه دعا موجب می‌شود تا در زمان پرستش، محبت بین خدا و ما دائماً در جریان باشد. در درس بعدی خواهیم آموخت که چگونه «همیشه دعا» کنیم. اما در اینجا ذکر این نکته کافی است که بگوییم دعا برای یک فرزند خدا باید آنقدر طبیعی باشد که نفس کشیدن برای او است.

قبل از پایان این درس، ذکر یک نکته دیگر ضروری است. و آن اینکه وقتی به حضور خدا می‌آییم، نباید ترسان باشیم. فراموش نکنید که او «پدر ما» است. یک بچه ممکن است از غریبه‌ها بترسد ولی هیچ وقت از پدر خود نمی‌ترسد. بنابراین وقتی دعا می‌کنیم، گفته شده که با دلیری به حضور او بیاییم. ما باید با ترنم به حضور او بیاییم و با حمد به دروازه‌های او نزدیک شویم. این مطلب را در مزمور ۱۰۰ مطالعه نمایید. ما باید نام او را متبارک بخوانیم، به صحن‌های او با تسبیح بیاییم. حضور خدا مکان ترسناکی نیست. بلکه خانه‌ای است برای خانواده‌ای که گرد هم آمده‌اند. و خدا می‌خواهد حقیقتاً این گونه باشد. چرا؟ چون او «پدر ما» است و ما فرزندان او هستیم.

۱۷- در مزمور ۱۰۰ گفته می‌شود که چگونه باید به حضور خدا آمد؟

خودآزمایی

بعد از اینکه درس را مرور کردید، پاسخ خودآزمایی را بدهید. سپس پاسخ‌های خود را با پاسخ‌هایی که در آخر کتاب آمده‌اند مقایسه کنید. هر سؤالی را که پاسخ درست نداده‌اید، مجدداً مرور کنید.

پاسخ کوتاه

- ۱- خدا از ابتدا مشتاق بود که چه نوع ارتباطی را با انسان برقرار نماید؟
- ۲- به پنج حالت اشاره کنید که یک فرزند خدا می‌تواند به حضور خدا بیاید.
- ۳- از نظر خدا تمام انسان‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند. این دو گروه را نام ببرید؟

۴- به سه طریق اشاره کنید که روح‌القدس ما را در دعا یاری می‌دهد؟

سؤالات چندگزینه‌ای - تنها یک پاسخ صحیح برای هر یک از سؤالات زیر وجود دارد. پاسخ صحیح را مشخص کنید.

۵- وقتی دوم قرن‌تیاں ۱۶:۵ می‌گوید که ما نباید با معیارهای انسانی قضاوت کنیم، منظورش این است که

- (a) همه انسان‌ها را به عنوان برادران خود بپذیریم.
- (b) باید سعی کنیم اختلافاتی را که انسان‌ها را از هم جدا می‌سازند، کنار بگذاریم.
- (c) باید ایمانداران را علیرغم تفاوت‌هایی که دارند، به عنوان برادران و خواهران خود بپذیریم.

۶- صحیح یا غلط - صحیح یا غلط بودن جملات زیر را مشخص کنید.

- (a) دعا به تنهایی ما را نجات می‌دهد.
- (b) ما دعا می‌کنیم چون نجات داریم.
- (c) در حین قدم زدن نیز می‌توانیم خدا را بپرستیم.

(d) می‌توانیم با سرود خواندن خدا را پرستیم.

۷- در برابر کلماتی که توصیف‌کنندهٔ دعا هستند «د» و در برابر کلماتی که

توصیف‌کنندهٔ پرستش هستند «پ» بنویسید.

(a) درخواست

(b) جلال

(c) ستایش

(d) تقاضا

(e) احترام

(f) توبه

(g) جستجو

(h) شکر

(i) تمجید

(j) مطالبه

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۹- a) وقتی از ایمان به عیسی مسیح دست می‌کشد.

۱- ناطاعتی انسان از خدا

۱۰- a) غلط

b) صحیح

c) غلط

d) غلط

۲- گذراندن قربانی برای گناه

۱۱- آنانی که فرزند خدا هستند و آنانی که فرزند خدا نیستند.

۳- عیسی مسیح

۱۲- a) صحیح

b) صحیح

c) غلط

d) غلط

۴- c) با ایمان آوردن به فرزند زنده‌ی خدا و اعتراف به نجات‌دهنده بودن او.

۱۳- c) ایمانداران را به عنوان برادران و خواهران خود علیرغم تفاوت‌هایی که

دارند بپذیریم.

۵- خواندن نام خدا با توبه و ایمان برای نجات یافتن.

۱۴- این حقیقت که آنها بی‌ایمان هستند یعنی جزئی از خانواده الهی نیستند.

۶- این حق که فرزندان خدا گردند.

۱۵- وقتی نمی‌دانیم چگونه باید دعا کنیم.

۷- a) غلط

b) غلط

c) صحیح

d) صحیح

۱۶- a) صحیح

b) صحیح

c) صحیح

d) غلط

۸- c) انسان عیسی مسیح را به عنوان نجات‌دهنده خود پذیرفت.

۱۷- با ترنم، حمد و تسبیح

شهر وند آسمان

«در آسمانی» (متی ۹:۶)

چرا وقتی صحبت از دعا و پرستش می‌کنیم، باید درباره آسمان نیز بیندیشیم. البته، برای این موضوع دلیل بسیار خوبی وجود دارد. اگر می‌خواهیم به طرز صحیح دعا کنیم، باید بدانیم که ما که هستیم و به کجا تعلق داریم. باید ارتباط صحیح با کسی که به درگاه او دعا می‌کنیم داشته باشیم. باید درباره موضوعاتی صحبت بکنیم که بین ما مشترک بوده و به آنها علاقه‌مندیم. شخصی که چیزی درباره کشاورزی نمی‌داند، از صحبت با کسی که تنها درباره کشاورزی حرف می‌زند لذت نمی‌برد. گفته شده که نه هر کسی که درباره آسمان سخن می‌گوید به آنجا خواهد رفت. این گفته درست است. اما این نیز صحیح است که احتمال رفتن به آسمان برای شخصی که هرگز درباره آسمان فکر نکرده یا دعا ننموده، ضعیف است! اگر آسمان فقط جای زیبایی است که در ذهن‌های ما وجود دارد و واقعی نیست، آن وقت دعا درباره آن فایده‌ای نخواهد داشت. نمی‌توان به چیزی که وجود خارجی ندارد، فکر کرد و صورت واقعیت به آن بخشید. آسمان، مکانی واقعی است و آنانی که فرزندان خدا هستند به آنجا خواهند رفت. پس چرا نباید درباره آن دعا کنیم؟



رئوس مطالب

قلب و خانه ما

شهروند آسمان

غریب و مسافر

امید به آینده

آسمان رؤیا نیست

مرگ شکستی برای ایمان نیست

دعا برای جهان حاضر

توجه کم به این جهان

توجه زیاد به این جهان

اهداف درس

پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:

- صادقانه دعا کنید تا اشتیاق شما به چیزهای آسمانی باشد و زندگی تان بر زمین مانند یک «زائر» باشد.
- بگویید که چگونه نگرش یک فرد نسبت به مرگ، بر دعای او تأثیر می‌گذارد.
- یک شهروند آسمان را از روی اعمال و رفتارش در این دنیای حاضر بشناسید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- دوم قرن‌تیا ۴:۱۶-۱۸ و دوم قرن‌تیا ۵:۱-۵ را بخوانید. معنی این آیات را بنویسید.
- ۲- به کسی که به تازگی فوت کرده، فکر کنید و برای فامیل‌های بی‌ایمان او که غمگین و ناامید هستند دعا کنید.
- ۳- متن درس را بخش به بخش بخوانید و پاسخ سؤالات مربوط به آن را بدهید. پاسخ خودآزمایی را بدهید و پاسخ‌ها را مقایسه کنید. و هر پاسخ غلط را مرور نمایید.

۴- در خانه از خود بپرسید: «آیا من همه چیز را بدون تأسف ترک کرده‌ام؟» اگر پاسخ شما «منفی» است، آن وقت دعا کنید تا خدا چیزهای نادیده و ابدی را برایتان آشکار کند.

متن درس

قلب و خانه ما

دعا و پرستش ما زمانی مقبول خدا خواهد بود که دارایی و خانه ما در آسمان باشد. ایمان به زندگی در آسمان بعد از مرگ یکی از چیزهایی است که مسیحیان را در این دنیا از دیگران مجزا می‌سازد. ایمان به نادیده و به آینده، چیزی است که ایماندار را از بی‌ایمان جدا می‌کند. این مطلب کسی را که اهل دعا است از کسی که دعا نمی‌کند، جدا می‌سازد.

۱- جملات صحیح را مشخص نمایید.

(a) گنج‌های بی‌ایمان در آسمان می‌باشند.

(b) خانه ایماندار در آسمان است.

(c) مسیحی در این دنیا با دیگران متفاوت است.

آیا به یاد می‌آورید که کتاب مقدس درباره یعقوب و عیسو چه می‌گوید؟ آنها هر دو خطاکار بودند ولی در عین حال یکی در پی چیزهای نادیده و آینده بود و دیگری تنها علاقه‌اش به آن چیزی بود که می‌توانست ببیند تا هر روزه از آن لذت ببرد. خدا درباره آنها چه گفت؟ او فرمود: «یعقوب را دوست داشتم اما عیسو را دشمن» (رومیان ۹: ۱۳). تفاوت بین فرزندان خدا و فرزندان شیطان در مکان گنج‌های آنان است. «زیرا هر جا گنج تو است دل تو نیز در آنجا خواهد بود» (متی ۶: ۲۱).

مردم در مورد آن چیزهایی که برای آنها اهمیت دارند، دعا می‌کنند. اعضای کلیسای اولیه فقیر بودند اما غمگین نبودند. رنج می‌بردند ولی شکایتی نداشتند.

آسمان برای آنها خیلی حقیقی بود. آسمان جایی بود که پدر آنها آنجا بود، بنابراین خانه آنها آنجا قرار داشت و توجه چندانی به این جهان نداشتند. دعای آنها برای داشتن قدرت، صبر، ایمان و محبت برای بخشش دشمنانشان بود. اگر از خطر و جفا می‌رستند، شادی می‌کردند. اگر نجاتی در این مورد حاصل نمی‌شد، بدون ترس با مرگ روبرو می‌شدند. جفاکنندگان آنها می‌توانستند بدن‌های آنان را نابود کنند ولی نمی‌توانستند روح آنان را از بین ببرند.

مسیحیان می‌دانستند که وقتی مرگ به سراغ آنها آمد، به منزل خواهند رسید. آنها انتظار داشتند تا در منزل پدر خود باشند.

۲- کلیسای اولیه وقتی دچار دردسر می‌شد، برای چه چیزی دعا می‌کرد؟

شهروند آسمان

شما با شنیدن صحبت‌های یک شخص معمولاً می‌توانید بگویید که به کدام قسمت از کشور تعلق دارد. جایی که زندگی می‌کنیم، تأثیر زیادی بر اعمال و نحوه انجام کارهای ما دارد. برای یک خارجی بسیار مشکل است بخواهد حقیقت را پنهان کند چون یک شهروند واقعی نیست.

به همین ترتیب شما به سرعت می‌توانید یک شهروند آسمان را تشخیص دهید. سخنان او آشکار خواهند کرد که او کیست. ممکن است در مورد مسائل این جهان صحبت کند ولی اگر کمی صبر کنید، خواهید دید که شروع به صحبت درباره عیسی و «وطن» خود خواهد نمود. صحبت او بی‌ادبانه و خشن نخواهد بود، زود از کوره در نخواهد رفت و سخنان او واقعی و پرمحبت خواهند بود.

۳- چگونه می‌توان یک شهروند آسمان را شناخت؟

(a) از روی این حقیقت که او مسیحی نامیده می‌شود.

(b) از روی سخنان و رفتارش.

(c) از روی تعالیم کلیسایی که او در آن شرکت می‌کند.

یک شهروند آسمان را از روی دعایش خواهید شناخت. فرد خارجی به خدایان خود دعا می‌کند اما دعا‌های او بدون امید است. دعا‌های او مملو از ترس می‌باشند. شهروندان آسمان با شادی دعا می‌کنند. آنها می‌دانند که عیسی زنده است و سخنان آنها را می‌شنود هر چند که آنها نمی‌توانند او را ببینند ولی می‌دانند که او آنجا است و به آنها پاسخ خواهد داد.



شما یک شهروند آسمان را از روی خانه‌اش خواهید شناخت؛ شما در خانه او تنفر و حسادت نخواهید یافت. در آنجا مجلات یا کتاب‌هایی را که مملو از داستان‌ها و تصاویر شریرانه باشند، نخواهید یافت. در آنجا صدای سرود، دعا و پرستش شنیده می‌شود. خانه مملو از آرامش و شادی است. خانه یک ایماندار بر زمین، گوشه‌ای از آسمان است!

۴- علائم یک خانه مسیحی چه هستند؟

غریب و مسافر

فرزندان خدا در این جهان زندگی می‌کنند ولی شریک شرارت‌های آن نیستند. آنها مانند قایقی در آب می‌باشند. همه چیز خوب است به شرطی که آب وارد قایق نشود. فرزندان خدا در این دنیا غریب هستند و خارجی شمرده می‌شوند. آنان اینجا زندگی و کار می‌کنند اما متعلق به این جهان نیستند. آنها متعلق به کشور دیگری هستند! آنها مانند شهروندان این جهان فکر نمی‌کنند. ارزش‌های آنان حتی مانند مردم این جهان نیست. آنها به آنچه که در بالا است فکر می‌کنند و نه به چیزهای زمینی!

۵- چرا می‌توان یک فرزند خدا را یک مسافر نامید؟

این درست همان چیزی بود که بر ابراهیم واقع شد. او در یک خیمه زندگی می‌کرد. ولی آن خیمه را خانه خود نمی‌دانست. او در انتظار شهری بود که سازنده و معمار آن خدا بود و این موضوع زندگی او را دگرگون نمود. دعای او را دگرگون ساخت. او ثروتمند بود ولی در پی ثروت نبود. برادرزاده‌اش، لوط به دنبال ثروت بود و همه چیز خود را از دست داد. ابراهیم، بالاتر از هر چیز در پی اراده خدا بود و خدا آنچه را که او احتیاج داشت برایش فراهم نمود. شهروند آسمان برای چیزهای درست و صحیح دعا می‌کند.

در مورد موسی نیز همین‌طور بود. او ذلیل بودن با قوم خدا را پسندیده‌تر دانست از لذت اندک زمانی گناه. او برای خود دعا نکرد. او به دنبال راحتی خود نبود. او در پی این بود که اراده خدا را انجام دهد. خوشی او در این حقیقت نهفته بود که قوم خدا از دست فرعون خلاص بشوند. شادی او در این بود که آنها در حال رفتن به سرزمین موعود باشند. این امید باعث شد که به طور خستگی‌ناپذیری کار کند و دعاهایش، دعا‌های خودخواهانه نباشند.

۶- چه شباهتی در دعا‌های موسی و ابراهیم وجود داشت؟

دعا‌های پولس به ندرت برای رهایی شخصی خود او بود. او دعا کرد تا کلام خدا به خوبی به دیگران برسد. او دعا کرد تا قدرت بیابد و کلام را موعظه کند. قلب و منزل او در آسمان بودند. او ترجیح می‌داد که «برود» تا «بماند». ولی او ماند و دعا کرد چون هنوز کار زیادی برای انجام دادن وجود داشت. او آماده بود تا مثل یک غریبه در کشوری غریب زندگی کند تا بتواند خبر خوش انجیل را به کسانی که آن را نشنیده‌اند، برساند. آماده بود برای مدتی بر زمین بماند تا «این ماندنش موجب ترقی و خوشی ایمان» دیگرانی بشود که مثل او در این جهان غریب بودند (فیلیپیان ۱: ۲۵).

۷- چرا پولس حاضر بود برای مدت کوتاهی هم که شده بر زمین بماند و بلافاصله به ملکوت نرود؟

امید به آینده

«زیرا که به امید نجات یافتیم لکن چون امید دیده شد دیگر امید نیست زیرا آنچه کسی بیند چرا دیگر در امید آن باشد. اما اگر امید چیزی را داریم که نمی‌بینیم، با صبر انتظار آن می‌کشیم» (رومان ۸: ۲۴ و ۲۵). خوب است که شما این آیات را یاد بگیرید. فراموش نکنید که امید کمک می‌کند تا ما با صبر در انتظار آسمان باشیم. ما بر روی این زمین زندگی می‌کنیم بدون آنکه آسمان را دیده باشیم. ما هرگز وطن خود را ندیده‌ایم! ما با امید زندگی می‌کنیم! از آنجا که بر زمین زندگی می‌کنیم، موضوعات فراوانی وجود دارند که می‌توانند ما را ناامید کنند چون به خاطر گناه همه انسان‌ها لعنت شده و ما نیز در آتش آنها می‌سوزیم. ما خسته می‌شویم، بیمار می‌گردیم، گرسنه و تشنه می‌شویم و در نتیجه ناله می‌کنیم. گناهکار نیز ناله می‌کند چون او نیز مانند ما رنج می‌برد. اما ناله‌های ما با یکدیگر فرق می‌کنند. گناهکار بدون امید ناله می‌کند. ایماندار با امید ناله می‌کند. امید، صبر را ممکن می‌سازد. گناهکار امیدی ندارد و بعد از تحمل درد و رنج این جهان، تنها چیزی که در انتظار او است، درد و رنج عظیم‌تری است.

۸- چگونه تحت این لعنت، ناله ایماندار متفاوت از ناله بی‌ایمان است؟

ما امید دیگری نیز داریم. ما برای بازگشت مسیح قبل از مرگ خودمان، دعا می‌کنیم. اگر او قبل از مرگ ما بیاید، بدون چشیدن مرگ با او به آسمان خواهیم رفت. آیا این خارق‌العاده نیست؟ این چیزی است که مسیحیان در طی قرون برای آن دعا نموده‌اند و ما نیز امروز باید با امید برای آن دعا کنیم.

آسمان رویا و خیال نیست

اگر آسمان تنها یک رؤیا یا یک ایده ذهنی باشد، دعا و امید ما واهی و پوچ خواهد بود. آسمان مکانی واقعی است و خدا، پدر ما در آسمان است.



پولس می‌گوید که او به بالاترین آسمان رفته شد. او صحبت از آسمانی می‌کند که خدا آنجا است. آسمانی وجود دارد که مربوط به ابرها و ستاره‌ها است. همینطور آسمانی هست که «بالاترین آسمان‌ها» نامیده شده یعنی جایی که پدر در آنجا است.

پولس می‌گوید سخنانی در آنجا شنیده یعنی «سخنان ناگفتنی که انسان را جایز نیست به آنها

تکلم کند» (دوم قرنتیان ۴:۱۲). پولس درباره حقیقی بودن آسمان شک و تردید نداشت. او آن را دیده بود! جای تعجب نیست که او ترجیح می‌داد برود و با مسیح باشد تا اینکه بر زمین بماند!

۹- دوم قرنتیان ۳:۱۲ و ۴ را بخوانید و بگویید عکس‌العمل پولس چه بود؟

روح‌القدس، حقیقی بودن آسمان را برای نوایمانان، واقعی می‌گرداند. مسیحیان اولیه در حالیکه تفکر آسمان در اذهان ایشان بود، زندگی می‌کردند. کتاب مکاشفه، درباره چیزهایی که در خاتمه جهان در آسمان رخ خواهند داد، اطلاعاتی به ما می‌دهد. مخصوصاً صحبت از جلال شاه شاهانی می‌کند که تختش در آسمان است. خدا را شکر! وقتی آسمان برای ایماندار شکلی حقیقی می‌یابد، آن وقت پرستش و حمد، میوه و ثمره ایمان او می‌باشند.

۱۰- جملات صحیح را مشخص کنید.

- (a) هر انسانی با روشی که برای زندگی خود اختیار می‌کند، بهشت خود را می‌سازد.
- (b) آسمان سوم (بالا ترین آسمان) مکانی است که تخت خدا در آنجا قرار دارد.
- (c) واقعیت آسمان توسط روح القدس بر ایماندار مکشوف می‌شود.
- (d) حقیقت درباره آسمان تنها مربوط به ایمانداران بالغ و رشد کرده می‌شود.

مرگ شکستی برای ایمان نیست

لازم است که در اینجا در مورد مرگ یک ایماندار نکاتی را بگوییم. وقتی عزیزان ما بیمار هستند، ما همیشه دعا می‌کنیم تا آنها شفا یابند. این حق ما است. عیسی شخص مریض را شفا می‌داد و امروز نیز این کار را انجام می‌دهد. اما همه ایمانداران مریض، شفا نمی‌یابند حتی بعضی می‌میرند. آیا مرگ شکستی برای ایمان است؟ عده‌ای به مرگ به عنوان نقطه شکست می‌نگرند. آنها برای شفا و نجات فرد دعا می‌کنند. آن وقت اگر به جای شفا، فرد مذکور بمیرد، طوری عمل می‌کنند که گویا چیز وحشتناکی اتفاق افتاده است، احساس خطا به آنها دست می‌دهد و گویا در دعا و ایمان شکست خورده‌اند. چطور ممکن است رفتن شخصی به «خانه‌اش» شکست باشد. اگر مرگ نیش خود را از دست داده، چرا ما باید احساس خطا بکنیم؟ چرا باید رفتن یک ایماندار به آسمان یک فاجعه باشد؟

آیا مرگ شکستی برای ایمان است؟ نه، هزاران بار نه. عبرانیان ۳۹:۱۱ صحبت از آنانی می‌کند که مردند و رهایی نیافتند. این آیه می‌گوید: «جمع ایشان با اینکه از ایمان شهادت داده شدند وعده را نیافتند».

۱۱- جملات صحیح را مشخص کنید.

- (a) عیسی هنوز هم ایمانداران را شفا می‌دهد و از مرگ می‌رهاند.
- (b) وقتی ایماندار می‌میرد یعنی ایمان کسی شکست خورده است.
- (c) ایماندار نباید از مرگ بهراسد چون نیش مرگ از بین رفته است.

(d) آنانی که در عبرانیان ۱۱ رهایی نیافتند، در ایمان مردند.

مرگ، شکستی برای ایمان نیست. شهروند واقعی آسمان این را به خوبی می‌داند. آنانی که علائق‌شان صرفاً بر امور زمینی است تا آسمانی، این را فراموش نموده‌اند. دعا‌های آنها کامل نیست چون آنها جهان حاضر را بیشتر دوست دارند.

دعا برای جهان حاضر

این جهان همیشگی نیست. روزی به انتها خواهد رسید. آیا باید برای آن دعا کنیم؟ آیا باید در پی توسعه و پیشرفت آن باشیم؟ کتاب مقدس می‌گوید که باید برای رهبرانمان و آنانی که بر ما حکومت می‌کنند، دعا کنیم. کتاب مقدس می‌گوید که ما باید دشمنان خود را دوست بداریم و برای جفاکنندگان خود دعا کنیم (متی ۵:۴۴). پس پاسخ به سؤالات بالا «بله» می‌باشد، ما باید برای این جهان دعا کنیم. توجه ما باید بر این موضوع باشد که انسان را به سمت زندگی در جهان بهتری سوق بدهیم. اما باید تلاش کنیم تا این جهان را نیز مکان بهتری برای زندگی بگردانیم. به عنوان یک مسیحی، این بخشی از مسئولیت ما است.

توجه کم به این جهان

شهروند آسمان باید یک شهروند خوب زمینی نیز باشد. در حقیقت او باید بهترین شهروند زمینی باشد. او به اطاعت از حاکمان و قوانین حاکم بر زمین، اعتقاد دارد. شهروند آسمان نباید آگاهانه قوانین را زیر پا بگذارد، او باید مالیات‌های خود را بدهد. ایمانداری که جریمه می‌شود چون آگاهانه قانونی را زیر پا گذاشته، نمونه ضعیفی برای «کشور» خود است. ایمانداری که به خاطر جرمی که بعد از نجات مرتکب شده به زندان افتاده، روزهای سختی را در زندان با آنانی که سعی دارد باور کنند که او یک شهروند آسمان است، خواهد گذراند.

ما باید دعا کنیم که خدا کمک کند تا شهروندان خوبی باشیم. بعضی ایمانداران آنقدر در افکار خود «آسمانی» هستند که گویا فایده‌ای برای «زمین» ندارند. نباید این طور بود. ما نمک زمین هستیم. نمک باعث می‌شود تا مزه غذا بهتر گردد. ایمانداران، توسعه‌دهنده زمین هستند. این زمین مبارک است چون مؤمنین در آن زندگی می‌کنند. حضور آنها موجب شادی و آرامش است. دعا‌های آنان باعث تقویت حاکمان می‌شود. عدالت آنها باعث تقویت دولت می‌شود.

۱۲- سه دلیل بیاورید که چرا یک شهروند آسمان بهترین شهروند زمین است.

توجه زیاد به این جهان

البته این امکان نیز وجود دارد که آنقدر مشغول امور این جهان بشویم که فراموش کنیم اصلاً خدا چرا ما را در آن قرار داده است. ما نمک جهانیم اما مزه ما به علت شناخت عیسی مسیح و زندگی عادلانه‌ای است که او کمک می‌کند تا زیست نماییم. اگر از این حقیقت که ما در این جهان غریب و اجنبی هستیم غافل شویم، نمی‌توانیم نمک جهان باشیم. ما تنها زمانی به جهان کمک کرده‌ایم که به جهانیان کمک کنیم تا نقشه خدا را بفهمند. ما نباید اجازه دهیم که مسائل این جهان باعث شوند تا از وظیفه خطیری که عیسی بر دوش ما نهاده، غفلت کنیم.

۱۳- «نمکین بودن» ایماندار در چیست؟

ما باید برای دو چیز دعا کنیم. باید دعا کنیم تا علائق ما محدود و مجذوب چیزهای این جهان نباشند. «دنیا را و آنچه در دنیا است دوست مدارید زیرا اگر کسی دنیا را دوست دارد محبت پدر در وی نیست» (اول یوحنا ۲: ۱۵). هنگامی که فکر می‌کنیم چگونه باید در توسعه و پیشرفت این جهان بکوشیم و نمونه خوبی باشیم، این اولین مطلبی است که باید برایش دعا کنیم.



دومین چیزی که باید برای آن دعا کنیم، این است که نباید از کاری که خدا به ما محول کرده، قصور بورزیم. «مادامی که در جهان هستم نور جهانم» (یوحنا ۹:۵). عیسی این سخنان را مادامی که در این جهان بود فرمود و او نمونه ما است. او در پی انجام کارهای خوب بود. امروز ما نیز باید در پی انجام کارهای خوب باشیم. او برای مریضان دعا کرد، امروز نیز ما باید برای مریضان دعا کنیم. او ارواح را اخراج می کرد، ما نیز باید همین کار را بکنیم. او انجیل ملکوت را موعظه کرد، ما نیز باید انجیل ملکوت را موعظه کنیم. مادامی که او در جهان بود نور جهان بود. عیسی فرمود: «شما نور عالمید» (متی ۵:۱۴). همچنین فرمود: «رفته همه امت ها را شاگرد سازید» (متی ۱۹:۲۸).

۱۴- جملات صحیح را مشخص کنید.

ایمانداران باید دعا کنند تا

- a) سیاستمدار محبوب آنان برنده شود.
- b) محبت آنان مجذوب چیزهای دنیوی نشود.
- c) آنچه را که همسایگان دارند آنها نیز داشته باشند.
- d) از آنچه که خدا بر عهده آنها گذاشته قصور نورزند.

بنابراین از آنجا که ما در این جهان غریبیم، کار بزرگی برای انجام دادن داریم. البته این مطلب ممکن است باعث درد و رنج ما شود همانطور که باعث شد عیسی درد و رنج بکشد. وقتی عیسی بر صلیب جان داد، در مورد کار خود بر زمین صحبت کرد و فرمود: «تمام شد»، سپس به آسمان رفت. او به خانه رفت! ما نیز کاری برای تمام کردن داریم. وقتی این کار انجام شد، می‌توانیم مانند مسیح شادی کنیم و بگوییم «تمام شد». سپس ما نیز مانند عیسی می‌توانیم به خانه خود برویم. چه روز باشکوهی خواهد بود وقتی همه ما در آسمان گرد هم بیاییم.

خودآزمایی

پاسخ کوتاه

- ۱- سه چیزی را که نشان‌دهنده شهروندی یک فرزند خدا است نام ببرید.
- ۲- گنج‌های ایماندار در کجا قرار دارند؟
- ۳- چگونه ایمان ابراهیم و موسی در ارتباط با حقیقی بودن آسمان، دعا‌های آنان را تحت‌تأثیر قرار داد.
- ۴- چه تفاوتی بین یک ایماندار و یک بی‌ایمان که هر دو تحت تأثیر لعنت این جهان هستند، وجود دارد؟
- ۵- وقتی عیسی فرمود که ما نمک جهانیم، منظورش چه بود؟
- ۶- به دو نکته اشاره کنید که یک شهروند آسمان مادامی که بر زمین است، باید برای آنها دعا کند.
- ۷- صحیح یا غلط. جملات صحیح را مشخص کنید.
 - (a) مرگ نباید به سراغ یک مسیحی بیاید.
 - (b) مرگ یک ایماندار شکست ایمان او است.
 - (c) نیش موت در مورد یک ایماندار کارگر نیست.
 - (d) مرگ به سراغ آنانی که در زمان بازگشت مسیح زنده باشند، نخواهد آمد.

این آخرین درس از بخش اول این کتاب درسی می‌باشد. بعد از اتمام این خودآزمایی، دروس ۱ تا ۳ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی ۱ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۸- ایماندار با امید ناله می‌کند ولی بی‌ایمان بدون امید.

۱- a) غلط

b) صحیح

c) صحیح

۹- نمی‌توانست آنچه را که دیده بود، در قالب کلمات بر زبان آورد.

۲- قوت، صبر، ایمان و محبت برای بخشش دشمنانشان

۱۰- a) غلط

b) صحیح

c) صحیح

d) غلط

۳- b) از روی سخنان و رفتارشان

۱۱- a) صحیح

b) غلط

c) صحیح

d) صحیح

۴- عدم وجود تنفر و حسادت و بودن سرود، دعا و پرستش، آرامش و شادی

۱۲- او به رهبران احترام می‌گذارد، مطیع قوانین است و مالیات‌های خود را

می‌پردازد.

۵- او در واقع شهروند آسمان است و برای مدت کوتاهی مسافر زمین است.

۱۳- شناخت از عیسی مسیح و زندگی عادلانه‌ای که او کمک کند تا ما زیست

کنیم.

۶- هر دو در پی انجام اراده خدا بودند.

۱۴- a) غلط

b) صحیح

c) غلط

d) صحیح

۷- تا اینکه بتواند موجب ترقی و خوشی ایمان دیگر مؤمنین شود که هنوز بر

زمین بودند.

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیک

بخش دوم

تقدم پرستش

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیک



پادشاهی که باید مورد پرستش قرار گیرد

«نام تو مقدس باد» (متی ۹:۶)

در بخش اول، دربارهٔ مقام و حالت ایماندار در دعا صحبت کردیم. مطالب ما دربارهٔ حالت جسمی او نبود بلکه فکری. به سخنی دیگر، هنگامی که شما می‌دانید کی هستید و به کجا تعلق دارید، بهتر می‌توانید پرستش و دعا کنید.

در این بخش، قصد داریم در مورد آنچه که دارای اهمیت زیادی در پرستش و دعا می‌باشد، صحبت کنیم و همچنین دربارهٔ اولویت‌ها صحبت خواهیم نمود. «... زیرا هر که تقرب به خدا جوید لازم است که ایمان آورد بر اینکه او هست و جویندگان خود را جزا می‌دهد» (عبرانیان ۱۱:۶).

«ایمان بر اینکه او هست» یعنی پرستش خدا. «جویندگان خود را جزا می‌دهد» یعنی دعاکنندگانی که از خدا چیزی می‌خواهند. ابتدا باید او را بپرستیم، آن وقت می‌توانیم چیزی از او بخواهیم. ولی به یاد داشته باشید که او آنانی را که در پی خدا هستند، پاداش می‌دهد نه آنانی را که در پی پاداش هستند!

بنابراین در دعا، تقدم با پرستش است. در وهلهٔ اول باید توجه ما به خدا و ملکوت او باشد. برای این است که در این بخش دربارهٔ نام تو، ملکوت تو و ارادهٔ تو صحبت خواهیم کرد.

رئوس مطالب

احترام به پادشاه

هدف از پرستش

عمل پرستش

سرنگون کردن غاصب

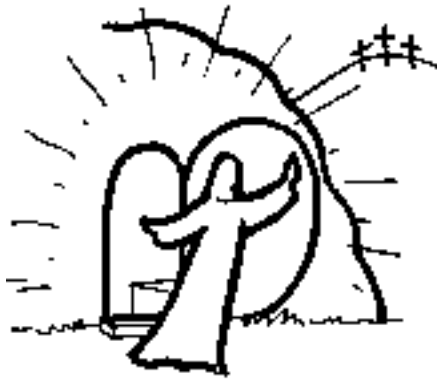
چهره‌های غاصب

اشتباه تخت خالی

احترام به نام پادشاه

قدرت نام

شهرت و اعتبار پادشاه



اهداف درس

پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:

- اهمیت آغاز کردن دعاها را با پرستش خدا قبل از مطرح نمودن درخواست‌های خود بفهمید.
- در حین دعا تقاضاهای خود را ارزیابی کنید که آیا موجب جلال و احترام خدا هستند.
- تشخیص دهید که چگونه شیطان سعی دارد غاصبانه جای مسیح را در قلب یک ایماندار بگیرد.
- عادت‌هایی که در گفتار و اعمال خود دارید که خدا را جلال نمی‌دهند تشخیص داده، آنها را ترک کنید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- متن درس را بخوانید. پاسخ سؤالات متن و خودآزمایی را بدهید.
- ۲- قسمت‌های زیر را که اشاره به قدرت نام مسیح دارند مطالعه کنید: یوحنا ۱۲:۱، ۱۳:۱۴ اعمال ۱۶:۳، ۱۲:۴، ۱۴:۹، ۱۶:۲۲، رومیان ۱۳:۱۰
- ۳- رومیان ۱۲:۶-۲۳ را مطالعه کنید و توضیح دهید که چرا غیرممکن است که در قلب‌های خود تخت خالی داشته باشیم.
- ۴- امروز برای احترام به نام خدا، به یک نفر دربارهٔ مسیح شهادت دهید.

متن درس

احترام به پادشاه

خدا فقط پدر ما نیست بلکه او پادشاه ما نیز می‌باشد. او ملکوتی دارد. ما درباره این پادشاهی و ملکوت بعداً توضیح خواهیم داد.

ما به عنوان فرزندان، او را پدر می‌خوانیم و به عنوان شهروندان، او را پادشاه می‌دانیم. به عنوان فرزندان، از او به خاطر محبت و توجه او متشکریم و به عنوان شهروندان، مطیع او هستیم و او را می‌پرستیم.

هر زانویی خم خواهد شد



بنابراین، خدا هم پدر و هم پادشاه است و ما، هم فرزندان و هم شهروندان او هستیم. بزرگترین خطایی که از یک شهروند می‌تواند سر بزند این است که مطیع پادشاه خود نباشد و او را احترام ننماید و بزرگترین نیکی که می‌تواند انجام دهد، پرستش و احترام اوست. محبت و احترام در اطاعت و خدمت دیده می‌شوند ولی این کافی نیست.

۱- یک شهروند باید پادشاه خود را و نماید.

ما فقط بنده و خدمتگزار او نیستیم. ما فرزندان و شهروندان او هستیم. انتظار پدر و پادشاه از ما بیش از اطاعت و خدمت است. او می‌خواهد با ما صحبت کند و با ما مشارکت داشته باشد. برای این است که مواقع پرستش اینقدر پر اهمیت هستند. ما می‌توانیم در خدمت کسی باشیم و برای او کار کنیم و مطیع او باشیم بدون اینکه علاقه‌ای به او داشته باشیم. اما نمی‌توانیم خدا را بپرستیم مگر اینکه او را محبت و تکریم نماییم.

۲- چرا خدا از ما انتظاری بیش از خدمت دارد؟

هدف از پرستش

خدا در پی پرستش شخصی است که پر از ستایش و تمجید او است. خدا می‌خواهد ما به او بگوییم که او را دوست داریم. خدا در پی پرستشی است که او را به عنوان یک پادشاه جلال می‌دهد.

بعضی از مردم مجسمه‌های مرده‌ها را می‌پرستند. بعضی، نیاکان مرده را می‌پرستند. بعضی طبیعت را می‌پرستند. اما هیچ یک از این چیزها صمیمی و شخصی نیستند. هیچ یک از اینها نمی‌توانند محبت خود را نسبت به ما ابراز دارند و هیچ یک قادر به پاسخ دادن دعاها یا ما نیستند.

اما در مورد ایمانداران چه؟ شخصی که ما ایمانداران او را می‌پرستیم، زنده و پر محبت است. وقتی با ترنم و ستایش به حضور او می‌رویم او خود را آشکار می‌سازد. آنچه که ما می‌پرستیم، خدای حقیقی است! او یکی از خدایان نیست. او تنها خدای یگانه است و غیر از او خدای دیگری وجود ندارد.

۳- پرستش خدا پسندانه، چگونه می‌باشد؟

عمل پرستش

ممکن است کسی بگوید: «من خدا را می‌پرستم ولی ایمان ندارم که عیسی پسر خدا است.» این غیرممکن است! شما نمی‌توانید خدا را بپرستید و در عین حال پسر او را رد کنید.

در اول یوحنا ۳: ۲۲ و ۲۳، یوحنا درباره‌ی خدا صحبت می‌کند و می‌گوید: «و هر چه سؤال کنیم از او می‌یابیم از آن جهت که احکام او را نگاه می‌داریم و به آنچه پسندیده‌ی او است عمل می‌نماییم و این است حکم او که به اسم پسر او عیسی مسیح ایمان آوریم و یکدیگر را محبت نماییم چنانکه به ما امر فرمود». چطور ممکن است مردم مدعی باشند خدا را می‌پرستند ولی در همان حال از او ناطاعتی کنند؟ او به آنها فرمان داده که باور کنند عیسی مسیح، پسر او است. آیا آنها می‌خواهند مطیع او باشند؟ یا تصمیم گرفته‌اند به فریب دادن خود ادامه داده و فکر کنند که خدا پرستش آنان را پذیرفته، در حالی که پسر او را رد می‌کنند؟

۴- در اول یوحنا ۳: ۲۲ و ۲۳ خدا چه حکمی به ما داده است؟

اگر قرار باشد که خدا را بپرستیم، باید پسر او را نیز پرستش نماییم. در فیلیپیان ۲: ۷-۱۱، در مورد عیسی می‌گوید: «لیکن خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد. و چون در شکل انسان یافت شد خویشتن را فروتن ساخت و تا به موت بلکه تا به موت صلیب مطیع گردید. از این جهت خدا نیز

او را به غایت سرافراز نمود و نامی را که فوق از جمیع نام‌ها است بدو بخشید. تا به نام عیسی هر زانویی از آنچه در آسمان و بر زمین و زیرزمین است خم شود. و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح خداوند است برای تمجید خدای پدر».

برای جلال نام عیسی هر زانویی خم خواهد شد! این افتخاری است برای ما. و بعدها هم وظیفه‌ای خواهد بود برای همه بی‌ایمانان. خدا به پسرش اقتدار حکومت کردن را داده تا هر دشمنی را منهدم نماید. آن وقت حتی دشمنانش نیز برای جلال و احترام او در برابرش زانو خواهند زد. پس چرا این کار را از همین حالا با میل و رغبت انجام ندهیم؟

۵- جملات صحیح را مشخص کنید.

- (a) هر زانویی در برابر مسیح خم خواهد شد.
- (b) تنها مسیحیان در برابر مسیح زانو خواهند زد.
- (c) خدا به انسان‌ها فرمان داده تا به عیسی مسیح ایمان بیاورند.
- (d) خدا به عیسی نامی بالاتر از هر نام دیگر داده است.

سرنگون کردن غاصب

چهره‌های غاصب

اگر قرار باشد چگونگی دعا کردن را بدانیم، لازم است که بدانیم چه کسی بر قلب ما حاکم است. اگر از غرور پر شده‌ایم و به خود خیلی می‌بالیم و خود را کسی می‌شماریم یا در پی جلال خود هستیم، آن وقت شیطان موفق شده که «نفس» را بر تخت قلب ما بنشاند.

شما به راحتی می‌توانید با مشاهده آنچه که یک فرد را می‌آزارد و عصبانی می‌کند، بگویید که بر تخت زندگی او چه کسی نشسته است. آیا وقتی به نام خدا بی‌احترامی می‌شود او مضطرب می‌گردد؟ وقتی مردم خانه پدر آسمانی او را ناپاک می‌کنند، آیا او

غمگین می‌شود؟ آیا می‌تواند در برابر افرادی که به خودش بی‌احترامی می‌کنند خشم خود را کنترل کند؟ وقتی مردم او را که به نظر خودش کسی است نمی‌ستایند، آیا ناراحت می‌شود؟ کسی مبارک است که اجازه می‌دهد خدا بر قلب او حکومت کند و نام پادشاه خود را جلال می‌دهد.

۶- وقتی شخصی می‌گوید که کسی کنترل زندگی او را در دست ندارد، نشان می‌دهد که.....

(a) شیطان، نفس را بر تخت قلب او نشانده است.

(b) کنترل کامل زندگی خود را در دست دارد.

(c) مسیح خداوند زندگی او است.

اما غاصبین دیگری نیز علاوه بر «نفس» وجود دارند که شیطان بر قلب انسان، می‌نشانند. غاصب دیگری که باعث دردسر زیاد است «خدمت» نامیده می‌شود. تشخیص آن کار مشکلی است چون انسان به سادگی فکر می‌کند که خدا این را در آنجا نهاده است. آنقدر مشغول انجام کارهای فراوان برای خدا می‌شویم که خدمت برای ما خدا می‌شود و شروع به پرستش آن می‌کنیم. از دعا غفلت می‌کنیم و دیگر نام خدا را جلال نمی‌دهیم. ما خیلی مشغول هستیم! و می‌گوییم کار ما در واقع پرستش خدا است.

درست مثل شوهری می‌شویم که فکر می‌کند چون کار خوبی دارد و مایحتاج خانواده را تأمین می‌نماید، شوهر خوبی برای همسرش می‌باشد. وقتی همسرش شکایت می‌کند و می‌گوید که تو توجهی به من نداری، شوهرش اشاره به شغل خود می‌کند و می‌گوید که تو باید ممنون و راضی باشی. ولی درخواست همسرش چیزی بیش از نان و غذا می‌باشد، او می‌خواهد شوهرش افکارش و احساسات خود را با او تقسیم کند. او می‌خواهد به شوهرش نزدیک باشد و مسائلی را که در خانواده رخ می‌دهند، به او بگوید. همینطور انتظار دارد شوهرش افکار قلبی خود را با او در میان بگذارد. خدا هم همینطور است. او برای تمام کارهایی که برای او انجام می‌دهیم،

سپاسگزار است اما می‌خواهد وقتی را هم با او بگذرانیم. او می‌خواهد که ما افکار خود را با او در میان بگذاریم و از حضور او لذت ببریم. خدا می‌خواهد او را بپرستیم و جلال را به نام او بدهیم.

۷- خدا چه چیزی را بالاتر از خدمت‌مان می‌داند و آن را از ما می‌خواهد؟

کاهنان در زمان ملاکی نبی، نمونه خوبی از آنچه که گفتیم بودند. به سخنان ملاکی گوش دهید: «و الان ای کاهنان این وصیت برای شما است. یهوه صباوت می‌گوید که اگر نشنوید و آن را در دل خود جا ندهید تا اسم مرا تمجید نمایید، من بر شما لعن خواهم فرستاد و بر برکات شما لعن خواهم کرد» (ملاکی ۱:۲ و ۲).

کاهنان مشغول خدمت در محراب‌ها و مذبح‌ها بودند. آنها در حال انجام وظایف خود بودند. ولی این کار را برای جلال نام خدا انجام نمی‌دادند. آنها این کار را به خاطر اینکه شغل‌شان بود و باید به نوعی درآمدی برای زندگی خود کسب می‌کردند، انجام می‌دادند. بی‌شک این مطلب طریقی را که آنها کار خود را انجام می‌دادند تحت تأثیر قرار می‌داد. آنها توجهی به مردم نداشتند بلکه فقط به فکر خود بودند. وقتی شما با دلایل صحیح پرستش نمی‌کنید، در واقع کار خود را صحیح انجام نمی‌دهید! وقتی کار و خدمت به جای خدا، پادشاه شما می‌شود، باعث می‌گردد که توجهی به خدا، خانواده یا دیگران نکنید. اما وقتی خدا بر تخت است، شما برای جلال او کار می‌کنید و هر آنچه که انجام می‌دهید باعث جلال او است!

۸- چرا خدا از کار کاهنان در زمان ملاکی رضایت نداشت؟

اجازه دهید در مورد چیز دیگری که جلال را از نام خدا می‌گیرد، صحبت کنیم. وقتی ما پیرو انسان می‌شویم، شیطان برای تعریف و تمجید ما از افراد استفاده می‌کند و خدا را از تخت قلب ما پایین می‌کشد. کلیسای قرن‌تس این مشکل را داشت. بعضی‌ها پیرو پولس بودند. بعضی دنباله‌رو اپلس و بعضی‌ها مرید پطرس بودند.

بنابراین اجازه داده بودند تا جدایی بین آنها حاکم شود. آنها حکومت انسان‌ها را بر قلوب خود بر حکومت خدا ترجیح می‌دادند.

آنها بیشتر در فکر پولس، اپلس و پطرس بودند تا جلال نام خدا! چقدر شرم‌آور است. چقدر وحشتناک است که ایمانداران بیشتر در فکر جلال و احترام انسان باشند تا جلال و احترام خدا! البته خطایی در پولس، اپلس و پطرس وجود نداشت. آنها همگی مردانی مورد احترام خدا بودند. شرارت، در مردمی بود که آنها را بر تخت قلوب خود نهاده بودند و آنان را بیش از خدا احترام و تکریم می‌کردند. بیایید خدا را بر تخت قلب‌های خود قرار دهیم و او را عبادت نماییم!

۹- اول قرن‌های ۱:۳-۷ را بخوانید و بگویید در این کلیسا چه اشتباهی وجود داشت.

اشتباه تخت خالی

شیطان یک یاغی و فریبکار است. او قبلاً یکی از فرشتگان عالی مقام خدا بود اما قلب او مملو از غرور و نخوت گردید. او تصمیم گرفت و سعی کرد تا جایگاه خدا را بگیرد. بنابراین شورشی را در آسمان رهبری کرد. فرشتگان زیادی توسط او فریب خوردند و او را پیروی نمودند. حزقیال ۱:۲۸-۱۷ را در مورد پادشاه صور بخوانید. این تصویری از طغیان شیطان است. خدا شیطان را از آسمان بیرون کرد و شیطان بر زمین انداخته شد و از آن زمان تا به حال بر زمین حکومت می‌کند. نقشه خدا این است که شیطان را سرنگون نماید و مجدداً کنترل زمین را بر عهده بگیرد. او ابتدا عیسی را فرستاد تا گناه و مرگ و قدرت شیطان را منهدم نماید. در انتها او شیطان را نابود خواهد نمود و بر جهان حکومت خواهد کرد.

۱۰- حزقیال ۱:۲۸-۱۷ توضیحی است در مورد پادشاه صور، همینطور تصویری

است از

(a) بازگشت مسیح بر زمین

(b) شکست نهایی شیطان

(c) طغیان و شورش شیطان

نقشه خدا این بود که عیسی مثل انسان‌ها بشود و در طبیعت انسانی آنها شریک گردد. او این کار را انجام داد تا توسط مرگ خود شیطان را که بر مرگ قدرت داشت، نابود کند و از این طریق آنانی را که در تمام زندگی به خاطر ترس از مرگ در بند بودند، آزاد نماید (عبرانیان ۲:۱۴ و ۱۵).

شیطان هنوز بر این جهان حکومت می‌کند اما حکومت او به‌زودی خاتمه خواهد یافت. او هنوز بر تخت قلوب بی‌ایمانان نشسته و کنترل آنها را در دست دارد. به‌زودی عیسی دوباره باز خواهد گشت و وقتی بیاید، بر جهان و تمامی ساکنان آن حکومت خواهد نمود. قدرت و کنترل شیطان به کلی تمام خواهد شد. قدرت او قبلاً برای آنانی که به عیسی ایمان آورده‌اند، شکسته شده و دیگر بر آنها کنترلی ندارد. او قبلاً از قلوب ایمانداران رانده شده است! هلولیاه!

۱۱- عیسی چگونه آنانی را که در بند ترس از مرگ بودند، آزاد نمود؟

شیطان، از قلب ایماندار بیرون رانده شده است. ولی سؤال این است که آیا آن تخت خالی است؟ و دیگر کسی بر قلب ایماندار حکومت نمی‌کند؟ در اینجا درس بزرگی است! چیزی به نام تخت خالی وجود ندارد. یا خدا بر تخت است یا غاصبی آن را اشغال کرده. وقتی حاکمی خلع می‌شود، شخص دیگری جای او را می‌گیرد. در واقع معمولاً حاکمان تخت خود را ترک نمی‌کنند مگر اینکه کس دیگری آنها را از تخت پایین بکشد.

۱۲- در این گفته که تخت قلوب انسان‌ها خالی است، چه استدلال اشتباهی وجود دارد؟

بعضی معتقدند که حاکمی در زندگی آنها وجود ندارد. این اشخاص می‌گویند آنها خود ارباب زندگی خودشان هستند و کس دیگری بر آنها مسلط نیست. چنین افرادی چقدر در اشتباه‌اند و چقدر خود را فریب داده‌اند!

«آیا نمی‌دانید که اگر خویشتن را به بندگی کسی تسلیم کرده او را اطاعت نمایید شما آن کس را که او را اطاعت می‌کنید بنده هستید خواه گناه را برای مرگ، خواه اطاعت را برای عدالت» (رومیان ۱۶:۶).

ما بنده آقای هستیم که او را اطاعت می‌کنیم. آیا می‌توانید بگویید که بدون گناه زندگی می‌کنید؟ آیا می‌توانید بگویید که مطیع امیال نفسانی قلب خود نیستید؟ آیا می‌توانید بگویید که احساسات شما، شما را کنترل نمی‌کنند؟

۱۳- چه چیزی نشان می‌دهد که آقای شما کیست؟

اگر چیزهایی شما را کنترل می‌کنند و بر زندگی شما حاکم هستند، آن وقت نمی‌توانید بگویید که آزاد هستید. شما آقای زندگی خود نیستید. شما پادشاهی دارید! ممکن است او را شیطان بنامید. ممکن است او را «نفس» بخوانید. اما شیطان کسی است که «نفس» را در شما قرار داده. شیطان از طریق «نفس» تان بر شما حکومت می‌کند!

احترام به نام پادشاه

قدرت نام

متی ۹:۶ می‌گوید: «نام تو مقدس باد». چرا در اینجا به جای اینکه سخن از خدا به میان بیاورد، صحبت از نام او می‌کند؟ چرا نمی‌گوید: «تو مقدس هستی؟» آیا یک انسان مهم‌تر از نام خود نیست؟ چطور ممکن است یک نام دارای اهمیت باشد؟ وقتی شخصی نام خود را در انتهای نامه‌ای امضا می‌کند، با این عمل می‌خواهد بگوید که انجام آنچه را که در این نامه آمده، می‌پذیرد. حال اگر او مرد فقیری است و می‌پذیرد که مبلغ قابل توجهی پول بپردازد، ما می‌گوییم که او از نام خود به‌طور غلط و نادرست استفاده کرده است. کار صحیح و درستی نیست که نام خود را زیر نوشته‌ای امضاء کنیم که قادر به انجام مندرجات آن نیستیم.

اما به معنی و مفهوم نام خدا فکر کنید! خدا، قادر مطلق است. او دانای مطلق است و در همه جا حاضر می‌باشد. او مالک ثروتی نامحدود است و هیچ کم و کسری ندارد. بنابراین وقتی خدا نام خود را در انتهای هر نوع نوشته‌ای ذکر می‌کند، شما مطمئن باشید که او قادر به انجام آنچه که گفته، می‌باشد.

۱۴- چطور می‌توان مطمئن شد که خدا آنچه را که گفته، می‌تواند انجام دهد؟

اگر قرار است طرز صحیح دعا کردن را بیاموزیم، باید باور کنیم که خدا وعده داده آنچه را که به نام او درخواست کنیم، انجام خواهد داد. خدا در کلام خود وعده‌های فراوانی به ما داده است. شک نمودن به کلام او برابر است با توهین و بی‌احترامی به نام او. درست مثل این می‌ماند که او چکی با امضای خود به ما می‌دهد و ما به علت اینکه باور نداریم او در حساب خود به اندازه کافی پول دارد، از بردن آن به بانک امتناع می‌ورزیم.

پولس گفت: «زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت» (رومیان ۱۰:۱۳). عیسی گفت: «هر آنچه با ایمان به دعا طلب کنید، خواهید یافت» (متی ۲۱:۲۲).

خدا می‌گوید: «من یهوه شفا دهنده تو هستم» (خروج ۲۶:۱۵).
ایماندار در مقام فرزند خدا، این وعده‌ها را با امضای او در دعا به حضورش می‌برد. او مطمئناً پاسخ خواهد داد.

۱۵- آیات بالا درباره خدا چه می‌گویند؟

وعده‌های فراوان دیگری نیز در کلام خدا وجود دارند. او همه آنها را «امضاء» کرده است. آیا شما به آنها شک دارید؟ آیا به حقیقت کلام او شک دارید؟ آیا می‌توانید همین حالا تمام شک و تردیدهای خود را دور بریزید و به نام او اعتماد کنید؟ در دعا به حضورش بروید. البته با ایمان! در نام او به حضورش بروید! ما خیلی سریع حرف مردم را باور می‌کنیم. به سخنان پزشکان، خادمین، دوستان و سیاستمداران اعتماد می‌کنیم ولی گویی در باور کردن حرف‌های خدا کمی مشکل داریم. چطور انتظار داریم خدا پاسخ دعا‌های ما را بدهد وقتی که نام انسان‌ها در زندگی ما از احترام و عزت بیشتری نسبت به نام خدا برخوردار است؟ وقتی حرف‌های انسان‌ها را بیش از وعده‌های خدا باور داریم، نمی‌دانیم که چگونه باید دعا کنیم. و در واقع بالاتر از هر چیز، به وعده‌هایی که او در نام خود به ما داده، اعتماد نداریم!

۱۶- آیات سمت راست را با مکان صحیح آن در سمت چپ منطبق کنید.

- (a) «من یهوه شفا دهنده تو هستم»
(b) «اگر ایمان بیاوری دریافت خواهی کرد»
(c) «زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت»

(۱) متی ۲۲:۲۱

(۲) خروج ۲۶:۱۵

(۳) رومیان ۱۰:۱۳

شهرت و اعتبار پادشاه

اسم شخص اعتبار و شهرت آن فرد را به همراه دارد. یک اسم، شما را به آنچه که هستید تبدیل نمی‌کند بلکه آنچه که می‌باشید، نام شما را پرآوازه می‌سازد. بنابراین اگر شما انسان متقلبی هستید، به‌زودی برای خود اسمی دست و پا خواهید کرد. مردم می‌گویند: «نمی‌شود به چنین فردی اعتماد کرد»، چون به خاطر متقلب بودن‌تان برای خود نامی پیدا کرده‌اید. حال شما ممکن است بگویید: «این اسم من نیست. اسم من آقای حقیقت است». اما این موضوع برای آنانی که شما را می‌شناسند، فرقی نمی‌کند. برای آنها شما به خاطر روش زندگی که در پیش گرفته‌اید «آقای متقلب هستید!» به عنوان افراد مسیحی ما همیشه باید با شهرت و اعتبار خود در پی جلال خدا باشیم.

کتاب مقدس می‌گوید: «نام یهوه خدای خود را به باطل مبر» (خروج ۷:۲۰). وقتی ما با بی‌توجهی نام او را به‌کار می‌بریم یا برای جلال او به‌کار نمی‌بریم، در واقع نام او را به باطل به‌کار برده‌ایم. این «قسم خوردن» یا «نفرین» نامیده می‌شود. وقتی ما احترام کمی برای خدا قائل می‌شویم و نام او را در مواقع تنفر و یا شگفتی به‌کار می‌بریم در واقع نام او را به باطل به‌کار برده‌ایم. اگر فقط از نام خدا برای نشان دادن احساساتمان استفاده کنیم و نه به عنوان یک عمل پرستش، ما به نام خدا بی‌احترامی و توهین نموده‌ایم.

۱۷- به چه طریقی می‌توانیم موجب احترام نام خدا شویم؟

در خاتمه، درس را با اشاره به فهرست بعضی چیزهایی که با آموختن چگونگی دعا باید انجام دهیم به پایان می‌رسانیم.

- (۱) باید خدا را به عنوان پادشاه قلب‌هایمان احترام کنیم.
- (۲) باید بدانیم که فرزندان او و شهروند ملکوت او هستیم و هیچ کس یا هیچ چیزی را به جای او بر تخت قلب‌های خود قرار ندهیم.
- (۳) باید به قدرت نام او اطمینان کنیم و وعده‌های او را مطالبه نماییم.
- (۴) باید مراقب آنچه می‌گوییم و انجام می‌دهیم باشیم و بدانیم که ما نماینده خدا هستیم.

خودآزمایی

پاسخ کوتاه

- ۱- فرق بین غلامان و فرزندان را در ارتباط با پرستش توضیح دهید.
- ۲- فرق عمده بین خدا، پدر ما و دیگر خدایان که مردم می پرستند در چیست؟
- ۳- به سه چیزی که شیطان بر تخت قلوب ما می نهد تا پادشاهی عیسی را غصب کند اشاره کنید.
- ۴- کلیسای قرن تس چگونه به مسیح بی احترامی می نمود؟
- ۵- در این گفته که تخت قلوب انسان ها خالی است، چه استدلال اشتباهی وجود دارد؟
- ۶- چهار چیزی را که در انتهای درس به آنها اشاره شد و باید در صورت آموختن چگونگی دعا انجام دهیم نام ببرید.

پاسخ صحیح تمرین ها

- ۹- حسادت و پیروی از انسان
- ۱- (دو تا از اینها) اطاعت، پرستش، محبت، احترام و تکریم
- ۱۰- c) طغیان و شورش شیطان
- ۲- چون که ما بندگان او نیستیم بلکه فرزندان او هستیم و او محبت و پرستش ما را می خواهد.
- ۱۱- توسط مرگ خود قدرت شیطان را نابود کرد.

۳- خدا به دنبال پرستش شخصی است که باعث جلال نام او می شود و مملو از ستایش او است.

۱۲- چیزی به نام تخت خالی وجود ندارد. یا خدا بر تخت است یا غاصبی آن را اشغال نموده.

۴- که به مسیح ایمان بیاوریم و یکدیگر را محبت نماییم.

۱۳- کسی را که اطاعت می کنید آقای شما است.

۵- (a) صحیح

(b) غلط

(c) صحیح

(d) صحیح

۱۴- او قادر مطلق و دانای مطلق است.

۶- (a) شیطان، نفس را بر تخت قلب او نشانده است.

۱۵- او روی وعده های خود ایستاده است.

۷- پرستش و مشارکت ما را

۱۶- (a) ۲) خروج ۲۶:۱۵

(b) ۱) متی ۲۲:۲۱

(c) ۳) رومیان ۱۰:۱۳

۸- چون آنها نام او را جلال نمی دادند.

۱۷- توسط ایمان، سخنان یا شخصیت مان

ملکوتی که باید در طلب آن بود

«ملکوت تو بیاید» (متی ۶: ۱۰)

اکثر مردم برای زندگی خود برنامه‌ها و نقشه‌هایی دارند. آنها می‌خواهند پزشک یا وکیل شوند. آنها می‌خواهند ثروتمند و معروف شوند. آنها در ذهن تصویری از زندگی آینده دارند که به اهداف خود رسیده‌اند. آنها سازندگان ملکوت هستند! بعضی از مردم طرح و نقشه‌ای برای زندگی خودشان ندارند. آنها ترجیح می‌دهند فردی قوی را ببینند که در حال ساختن ملکوتی است تا او را در رؤیاهایش کمک کنند. آنها شادی خود را در این می‌یابند که بخشی از نقشه‌های فرد دیگری باشند. این آن چیزی است که یک مسیحی انجام می‌دهد. او ملکوتی برای خود بنا نمی‌کند. او در پی این نیست که به خاطر بعضی کارهای بزرگی که انجام داده، شناخته شود. بلکه در پی جلال و آمدن ملکوت خدا است. دعای او همیشه این است که «ملکوت تو بیاید». تنها اشتیاق او این است که نقش و سهمی در آمدن این ملکوت داشته باشد. او نه تنها برای آن دعا می‌کند، بلکه وارد عمل می‌شود تا مأموریت مسیح را به انجام رساند.

یکی از دعا‌های مهمی که یک ایماندار همیشه باید بکند، این است که «خداوندا اجازه بده ملکوت تو را بنا کنم و نه ملکوت خود را!» اکثر ایمانداران خیلی گرفتار و مشغول هستند، اما آنها مشغول ساختن ملکوت خودشان هستند و نه ملکوت خدا.



رئوس مطالب

ماهیت ملکوت خدا
مکان ملکوت خدا
زمان ملکوت خدا
توسعه ملکوت خدا
مأموریت بزرگ
تکمیل شدن
جلال ملکوت خدا
مسیح در جمع ایمانداران
مسیح هنگام پرستش

اهداف درس

- پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:
- فرق بین ملکوت درونی و ملکوت بیرونی خدا را تشخیص دهید.
 - نقش خود را در انجام فرمان مسیح در متی ۱۹:۲۸ و ۲۰، ارزیابی کنید.
 - درک کنید که چرا پرستش در جمع مؤمنین باید متمرکز بر شخص مسیح باشد.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- متن درس را بخوانید. پاسخ سؤالات مربوط به آن و خودآزمایی را بدهید.
- ۲- برای ۵ نفر از مبشرین خدا نام به نام دعا کنید و برای هر یک از آنان کلامی تشویق‌آمیز بنویسید.
- ۳- توضیحی در مورد «زنده هستم» مکاشفه ۱۸-۱۲:۱ بدهید.

ماهیت ملکوت خدا

هیچ ملکوتی شبیه به ملکوت خدا نیست. و هیچ پادشاهی همانند خدا وجود ندارد. ملکوت خدا آمده و خواهد آمد. ملکوت خدا در حال حاضر قابل رؤیت نیست ولی به زودی دیده خواهد شد. ملکوت خدا درونی است (در قلوب ایمانداران) اما در عین حال جلال آن در اطراف ما است.

۱- جملات صحیح را مشخص نمایید.

(a) ملکوت خدا آمده است.

(b) ملکوت خدا خواهد آمد.

(c) ملکوت خدا در درون ایماندار است.

(d) ملکوت خدا دیده خواهد شد.

ملکوت خدا در فهرست دعای ما باید جای اول را داشته باشد. تقدم آن برابر است با عدالت خدا، درستش هم همین است. ملکوت خدا، در واقع استقرار عدالت خدا است. بنابراین کسی که در طلب ملکوت خدا است، در واقع به دنبال عدالت او است. کسی که در پی عدالت خدا است، در واقع به دنبال خود خدا است. شما نمی‌توانید خدا را از عدالتش تفکیک کنید. پس اینها همیشه با هم هستند. نام تو، ملکوت تو، عدالت تو. شما نمی‌توانید یکی را بدون دیگری داشته باشید. کسی که اینها را بالاتر از چیزهای دیگر می‌خواهد، او در واقع آن طور که باید و شایسته است دعا می‌کند.

۲- توضیح دهید که چرا نمی‌شود نام خدا و ملکوت خدا را از یکدیگر جدا کرد.

مکان ملکوت خدا

ملکوت خدا کجا است؟ در آسمان؟ بله، در آسمان. روی زمین؟ بله، روی زمین نیز خواهد بود. در انسان؟ مطمئناً پاسخ این سؤال مثبت است اما تنها برای آنانی که مسیح را می‌پذیرند.

چگونه این ممکن خواهد شد؟ خوب، اصولاً قبل از اینکه یک شخص بتواند شهروند خوبی باشد، باید این ملکوت در قلب او جای بگیرد. نمونه‌های فراوانی از رهبرانی وجود دارند که با غرور حکومت می‌کنند. مردم مطیع آنها هستند چون از آنها می‌ترسند. ولی چنین رهبرانی، به‌زودی حکومت خود را از دست خواهند داد چونکه حکومت و پادشاهی آنان جایی در قلب مردم ندارد. در اولین فرصتی که پیش بیاید، مردم سر به شورش و طغیان خواهند زد. آنها شخص مورد علاقه و مورد اعتمادشان را جایگزین حاکم مغرورشان خواهند کرد.

این موضوع بارها و بارها در سرتاسر تاریخ تکرار شده و اتفاق افتاده است. یک حاکم شرور، از جانب مردم تمجید و ستایش خواهد شد اما تمام اینها تنها حرف‌هایی بیش نیستند که برای خشنودی او بیان می‌شوند تا از دست آنان عصبانی نشود. حتی زمانی که با لب‌های خود او را تمجید می‌کنند، در قلب‌های خود از او متنفر هستند و او را نمی‌خواهند.

۳- یک حکومت واقعی باید جایش در قلب‌های مردم باشد چون

(a) یک حکومت دوام نخواهد داشت مگر اینکه جایگاهش در قلب‌های مردم باشد.

(b) اطاعت تنها از قلب بیرون می‌آید.

(c) اگر قرار باشد حکومت قوی باشد، مردم باید از حاکم آن بترسند.

برای این است که می‌گوییم یک حکومت قوی و پایدار پیش از اینکه مردم بخواهند شهروند خوبی برای آن حکومت باشند، باید در قلب‌های آنان جای گرفته باشد. برای این است که حکومت خدا حکومتی ابدی است. چون آغاز آن از

قلب‌های شهروندانش می‌باشد در لحظه‌ای که ایمان می‌آورند. بنابراین می‌توانیم بگوییم که «مکان» ملکوت خدا در قلب‌های انسان‌ها است. ملکوت خدا تنها در قلوب ایمانداران نیست. روزی خواهد آمد که مسیح ملکوت و حکومتی «بیرونی» را برقرار خواهد نمود. ملکوتی که دیده خواهد شد و تمام جهان و مردم آن را شامل خواهد شد.

تنها چیزی که برای یک ایماندار در مورد این ملکوت بیرونی متفاوت خواهد بود، این است که آنچه روزی برای او «نادیدنی» بود، «دیدنی» خواهد شد. ولی نیکویی این حکومت کمافی‌سابق خواهد بود. عدالت، سلامتی و شادی آن، که روح‌القدس می‌بخشد برای یک ایماندار چیز تازه‌ای نیست چون از روزی که تولد روحانی یافته شهروند این حکومت الهی شده است.

۴- ملکوت خدا،، و است که روح‌القدس می‌بخشد.

چه روز عظیمی است آن روزی که حکومت الهی را به چشمان خود ببینیم! چه شادی عظیمی برای آنانی که با ماهیت واقعی ملکوت خدا آشنا هستند. آنها قبلاً زندگی مملو از عدالت، سلامتی و شادی را که روح‌القدس به آنها بخشیده، تمرین کرده‌اند.

بله، عدۀ زیادی در آن روز شادی خواهند کرد! ولی آنانی که منجی را نشناخته‌اند، چه خواهند کرد؟ مللی که هرگز درباره‌ او نشنیده‌اند، چه برای آنها شادی نخواهد بود مگر اینکه ما برویم و آنها را در مورد نجات عیسی آگاه کنیم! آن وقت چقدر سر ما شلوغ خواهد شد و چگونه باید دعا کنیم. چگونه باید کار کنیم تا تمام جهان بداند که ملکوت و حکومتی وجود دارد که در قلب‌ها آغاز می‌شود. ملکوتی که با آمدن مسیح همه می‌توانند شاهد آن باشند.

این گفته به این معنی است که باید دعا کنیم تا هر کس در هر کجای این دنیا مسیح را بپذیرد. باید دعا کنیم تا ملکوت خدا در قلب‌های همه مردم، در همه جای

دنیا گسترده شود. در همان زمان باید آماده باشیم تا هر جایی که خدا می‌گوید، برویم و مژده خوش انجیل را درباره عیسی به همه برسانیم. هیچ کس بدون داشتن بار روحانی برای آنهایی که گمشده‌اند، نمی‌تواند آن طور که باید و شاید دعا کند.

۵- آنانی که دعا می‌کنند «ملکوت تو بیاید»، باید آماده انجام چه کاری باشند؟

وقتی به خوبی مفهوم «مأموریت بزرگ» را فهمیده باشیم، دیگر ممکن نیست آنطور که تا به حال دعا کرده‌ایم، دعا نماییم. ما نباید هرگز اجازه بدهیم کار، دوستان یا مسائل زندگی شخصی این وظیفه خطیر را تحت‌الشعاع قرار دهند. آنانی که دعا می‌کنند که «ملکوت تو بیاید» باید آماده باشند به هر جای این جهان بروند و پیغام انجیل را به همه مخلوقات عالم برسانند. ملکوت خدا در بین آنانی که هرگز درباره آن چیزی نشنیده‌اند، مستقر نخواهد شد چون ایمان از شنیدن است.

زمان ملکوت خدا

ملکوت خدا در زمان حاضر آمده است. این ملکوت با حدود خاصی مشخص نشده، دارای مرزبندی‌های گمرکی متداول نبوده و دارای پست‌های مهاجرتی نمی‌باشد. خدا بر تخت قلب ایماندار نشسته و از آنجا حکومت می‌کند. «اینک ملکوت خدا در میان شما است» (لوقا ۱۷: ۲۱). عیسی گفت: «پادشاهی من از این جهان نیست» (یوحنا ۱۸: ۳۶). به بیانی دیگر ملکوت خدا شبیه به هیچ نوع حکومت دیگری در این جهان نیست. حکومت او حکومتی روحانی است. «حکومت خدا با مراقبت نمی‌آید» (لوقا ۱۷: ۲۰). البته که حکومت خدا با علائم قابل دیدن آغاز نخواهد شد! وقتی محل این حکومت در قلب‌ها است، دیگر دیده نخواهد شد مگر توسط زندگی و اعمال شهروندان آن! و این همان چیزی است که این آیه بیان می‌کند: «زیرا ملکوت خدا اکل و شرب نیست بلکه عدالت، سلامتی و خوشی در روح‌القدس» (رومیان ۱۴: ۱۷).

۶- محل آیات سمت چپ را با آیات مورد نظر در سمت راست وفق دهید.

- (a) ملکوت خدا در میان شما است. (۱) یوحنا ۱۸:۳۶
(b) پادشاهی من از این جهان نیست. (۲) لوقا ۱۷:۲۰
(c) ملکوت خدا با مراقبت نمی آید. (۳) لوقا ۱۷:۲۱

وقتی ملکوت خدا در بین ما است، دلایل و نشانه‌های آن نیز در زمان حال دیده خواهند شد. اگر ملکوت خدا را در زندگی خود اول هر چیز قرار دهیم، آن وقت در خانه، در محل کار و در بین دوستانمان دیده خواهد شد. در این مکان‌ها، ما پادشاه نخواهیم بود بلکه خدا پادشاه خواهد بود! اغلب مشکلاتی که مردم در منزل، سر کار و یا با دوستان‌شان با آنها روبرو می‌شوند، به این خاطر است که آنها بیشتر در پی خوشنودی خودشان هستند تا اراده و میل خدا. وقتی ملکوت خدا را بالاتر از هر چیزی در زندگی‌مان قرار می‌دهیم، اکثر مشکلات ما حل می‌شوند! خانه‌های ما مملو از شادی خواهند شد. از کار خود رضایت خواهیم داشت. دوستانمان ما را شخصی صمیمی خواهند یافت. چون دیگر از خودخواهی در ما خبری نیست. جای تعجب نیست که عیسی فرمود که اگر ابتدا در پی ملکوت او باشیم، دیگر چیزها مزید خواهند شد (متی ۶:۳۳).

۷- به سه محلی اشاره کنید که دلایل وجود ملکوت خدا در بین ما، در آن مکان‌ها دیده خواهد شد.

ملکوت خدا در عین حال باید بیاید. در واقع این ملکوت «آمده» ولی باز در انتظار «آمدنش هستیم». ما دعا می‌کنیم که «ملکوت تو بیاید». ما ناله می‌کنیم و در انتظار روزی هستیم که «فاسد بی‌فسادی را بپوشد و این فانی به بقا آراسته گردد» (اول قرن‌تین ۱۵:۵۳). یکی از شادی‌های عظیم در پرستش این است که سرود بخوانیم و بگوییم که وقتی عیسی بیاید، چه اتفاقی خواهد افتاد. یکی از آیات عالی اول تسالونیکیان ۴:۱۳-۱۸ می‌باشد که در مورد بازگشت مسیح سخن می‌گوید. این

قسمت، با این کلمات خاتمه می‌یابد: «پس بدین سخنان همدیگر را تسلی دهید». پرستش یعنی بیان کردن امیدمان به آن چیزهایی که واقع خواهند شد. پرستش، صحبت با خدا درباره ملکوتی است که در بین ما است و اینکه اجازه بدهیم که خدا بعضی از شادی‌های ملکوت را که ما می‌توانیم ببینیم برای ما آشکار سازد.

۸- اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸ به ما می‌گوید که

(a) تنها کسانی که در زمان بازگشت مسیح زنده باشند، به آسمان خواهند رفت.

(b) ابتدا مردگان در مسیح خواهند برخاست.

(c) فرشتگان از آسمان خواهند آمد تا ایمانداران را با خود به آنجا ببرند.

(d) آنانی که زنده‌اند، در روزی که خداوند بپاید به آسمان خواهند رفت.

توسعه ملکوت خدا

دعا و پرستش باعث لذت خارق‌العاده‌ای می‌شوند. ولی باید این لذت توأم با درک و آگاهی کامل از نقشه خدا باشد. البته در مورد این مطلب در درس بعد توضیح بیشتری خواهیم داد. اما در این درس لازم است کمی در این مورد صحبت کنیم چون مربوط به رشد و توسعه ملکوت خدا می‌شود.

عیسی گفت که کلیسای خود را بنا می‌کنم. «کلیسای» مسیح، مردم هستند یعنی آنانی که به عیسی ایمان می‌آورند. هر جایی که ایماندارانی باشند، شما در آنجا کلیسای مسیح را خواهید یافت. اعضای کلیسای او شهروندان ملکوت خدا هستند. بنابراین وقتی مسیح کلیسای خود را بنا می‌کند، او در واقع ملکوت خود را بنا می‌کند. این نقشه و کار عظیم خداست. این آن موضوعی است که ما باید برایش دعا کنیم. کلیسا به دو طریق رشد می‌کند. پس باید برای این دو مورد دعا کنیم.

(۱) بالا رفتن تعداد اعضا

(۲) رشد اعضا در شبیه شدن به عیسی

۹- جملات صحیح را مشخص کنید.

- (a) ایمانداران «کلیسا» را تکمیل می‌کنند.
- (b) همانطور که ساختمان‌ها بنا می‌شوند «کلیسا» نیز رشد می‌کند.
- (c) ملکوت خدا با اضافه شدن ایمانداران به «کلیسا» بنا می‌شود.
- (d) «کلیسا» همیشه همانطور که هست باقی می‌ماند.

مأموریت بزرگ

برای انجام این کار، مسیح به شاگردان خود «مأموریت بزرگ» را داد. او گفت: «پس رفته همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند و اینکه من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم» (متی ۲۸: ۱۹ و ۲۰).

۱۰- به فرمان مسیح که در متی ۱۹: ۲۸ و ۲۰ آمده چه عنوانی داده شده؟

این مأموریت دارای چهار قسمت است.

۱- بروید.

۲- شاگرد سازید.

۳- تعمید دهید.

۴- تعلیم دهید.

این وظیفه‌ای است که ما باید تا بازگشت مسیح برای آن دعا کنیم! حال این نکات را یک به یک بررسی خواهیم کرد.



بروید

این کلمه دعوت نیست. نمی‌گویید «بیا»، بلکه می‌گویید «برو!» این یک فرمان است. برای روشن‌تر شدن موضوع «دعوت» به این جملات

توجه کنید. عیسی شاگردان خود را دعوت نمود و آنها را فرستاد. دعوت خدا به نجات است. ما دعوت شده‌ایم تا متعلق به عیسی باشیم. این جنبه «بیا»ی انجیل است. اما فرمان چیز دیگری است. عیسی با آنانی صحبت می‌کند که دعوت او را شنیده‌اند و به او لبیک گفته‌اند. او به اینها می‌گوید «بروید! نزد مردم به همه جا بروید. رفته و آنها را شاگرد سازید. بروید و آنها را تعمید دهید، بروید و آنها را تعلیم دهید». ما نباید در انتظار صدایی از آسمان باشیم. صدا قبلاً آمده و سخنان خود را گفته است. آن صدای عیسی است که گفته: «بروید!»

۱۱- دعوت خدا را در ارتباط با مأموریت بزرگ توضیح دهید.

شاگرد سازید



این فرمان بشارت است. این جنبه از فرمان باعث می‌شود تا مردم باور کنند که عیسی، نجات‌دهنده و خداوندی است که ما را فرستاده تا کار او را ادامه دهیم. به ما فرمان داده شده که به سوی همه ملل برویم. مردم به این دلیل که ما به اصول بحث آشنا هستیم و یا چون تحصیلات عالی داریم، به مسیح ایمان نمی‌آورند. مردم تنها زمانی ایمان می‌آورند که روح‌القدس کلامی را که می‌گوییم به کار ببرد و آنها را نسبت به گناه ملزم سازد. هنگامی که محبت مسیح قلب آنها را لمس کند، آنها توبه می‌کنند و ایمان می‌آورند. این گفته به این معنی است که ما باید دعا کنیم و از خدا بخواهیم که کلمات صحیح را در دهان ما بگذارد.

۱۲- فرمان شاگرد سازید، به چه معنی است؟

تعمید دهید



این فرمان، برای آنانی است که ایمان آورده‌اند. آنها با انجام این فرمان، پیروی خود را از مسیح در جمع اعلان می‌نمایند. کافی نیست که تنها در قلب‌های خود به مسیح ایمان بیاوریم بلکه باید با زبان خود اعتراف کنیم و در آب تعمید بگیریم. فرمان تعمید بسیار روشن است. در واقع تعمید شهادتی است عمومی و نشان‌دهنده اتفاقی است که در ما به وقوع پیوسته است. وقتی ایمان آوردیم، نسبت به گناه مردیم. دفن شدن در آب، به افرادی که در حال تماشای تعمید آب هستند همین را بیان می‌کند. وقتی ایمان آوردیم، افراد تازه‌ای شدیم یعنی فرزندان خدا و بیرون آمدن تعمید گیرنده از آب، گویای همین حقیقت است. هر ایمان‌داری باید در آب تعمید بگیرد. این یک فرمان است.

۱۳- تعمید آب، گویای چه حقیقتی است؟

تعلیم دهید



چه مسئولیت خطیری! چه مقدار دعا و مطالعه لازم است تا نوایمانان را تعلیم دهیم که شبیه مسیح شوند. ما باید چه چیزهایی را به آنها بیاموزیم؟ اینکه فقط عضو کلیسا باشند و قوانین کلیسا را بدانند؟ و یا بتوانند دعای ربانی را بگویند و از امتحان نوایمانان موفق بیرون بیایند؟ یا اینکه چگونه سرود بخوانند و چطور دعا کنند؟ مطمئناً پاسخ این سؤال، هیچ یک از جملات بالا نیست. بلکه پاسخ صحیح این است که آنها باید شبیه مسیح باشند! و برای شبیه شدن به مسیح نوایمانان (به همراه ایمانداران قدیمی) باید در مورد محبت خدا، روش زندگی او و کلام او تعلیم بیابند.

۱۴- به نوایمانان چه چیزی را باید تعلیم داد؟

تکمیل شدن

نقشه عظیم خدا هنوز کامل نشده است. به هر یک از ما مسئولیتی داده شده است. هر یک از ما می‌توانیم سهم خود را در این نقشه انجام دهیم. مسیح هم سهم خود را انجام داد. او انسان شد، مریضان را شفا داد و حقایق ملکوت خدا را بیان کرد. پس کاری را که به خاطر آن آمده بود، به انجام رساند. او مرد و با مرگش گناه جهان را بر دوش خود کشید. زمانی که بر صلیب بود و فریاد زد: «تمام شد!»، کار او تکمیل شد. عیسی به شاگردان خود فرمان داد: «بروید، موعظه کنید، تعمید و تعلیم دهید». آنها اطاعت کردند و پیغام انجیل را از کشوری به کشور دیگر رساندند. شاگردان نیز یکی بعد از دیگری مردند و هر یک می‌توانست بگوید که سهم خود را در این نقشه به کمال رسانده است.

این فرمان، هنوز هم به قوت خود باقی است. هر یک از ما مسئولیتی از جانب خدا داریم. هر یک از ما باید دعا کنیم تا دقیقاً بدانیم سهم ما در انجام این نقشه چیست. پس هنگامی که اطاعت کامل را نشان دادیم و این زندگی را بدرود گفتیم، ما نیز خواهیم گفت: «تمام شد. من کار خود را به کمال رساندم!»

۱۵- جملات صحیح را مشخص کنید.

(a) دیگر لازم نیست دعا کنیم چون عیسی گفت: «تمام شد».

(b) شاگردان از «مأموریت بزرگ» اطاعت کردند.

(c) عیسی به هر یک از ما مسئولیتی برای انجام دادن بخشیده است.

(d) عیسی سهم خود را به کمال رساند.

پولس گفت: «بعد از این، تاج عدالت برای من حاضر شده است» (دوم تیموتائوس ۴: ۸). پولس رسول با اشتیاق و علاقه دعا می‌کرد تا مسیح را بشناسد و

شبهه او شود. آنچه که من (پولس) می‌خواهم این است که: «او را و قوت قیامت وی و شراکت در رنج‌های وی را بشناسم» (فیلیپیان ۳:۱۰). چه هدف والایی! این باید هدف ما نیز باشد. این باید دعای هر روزه ما باشد! و این باید آرمان ما در پرستش جمعی و یا انفرادی باشد. خدا می‌خواهد کار خود را در ما به کمال برساند. او تنها زمانی قادر به انجام این کار است که ما نیز آماده و مایل باشیم. خدا نمی‌خواهد که ما برای شبهه مسیح شدن در انتظار روزی باشیم که به ملکوت می‌رسیم. او از همین حالا می‌خواهد ما را تغییر دهد و مایل به انجام این کار نیز هست به شرطی که ما در پرستش و دعا وفادار باشیم.

۱۶- برای اینکه بتوانیم سهم خود را در نقشه خدا به کمال برسانیم چه چیزی لازم و ضروری است؟

چیزهایی وجود دارد که ضمن اینکه در فکر بازگشت مسیح و انتهای جهان هستیم، باید برای آنها دعا کنیم.

۱) ما باید دعا کنیم و از صاحب حصاد بخواهیم که برای جمع‌آوری حصاد، کارگران بیشتری بفرستد (متی ۹:۳۸).

۲) باید دعا کنیم که خبر خوش انجیل درباره ملکوت خدا، در همه جا موعظه شود تا برای همه انسان‌ها شهادتی باشد و آن وقت به انتها خواهد رسید (متی ۲۴:۱۴).

۳) ما باید در واکنش به سخنان عیسی که فرمود: «بلی، به‌زودی می‌آیم»، دعا کنیم: «آمین، بیا ای خداوند عیسی!» (مکاشفه ۲۲:۲۰).

۱۷- جملات صحیح را مشخص کنید.

a) عیسی قبل از اینکه خبر خوش انجیل به سرتاسر جهان برسد برخواهد گشت.

b) به عنوان یک ایماندار باید از بازگشت مسیح بترسیم.

c) کارگران جهت جمع‌آوری حصاد لازم هستند.

d) عیسی مجدداً برخواهد گشت.

جلال ملکوت خدا

مسیح در جمع ایمانداران

می‌دانیم که در بازگشت مسیح، او را در جلال خواهیم دید. امروز جلال مسیح در هر یک از مجامع ایمانداران حضور دارد و جلال او را می‌توانیم در پرستش مشاهده کنیم.

خدا به یوحنا رسول رؤیایی از مسیح در کلیساها داد. ما در این باره در مکاشفه ۲۰-۹:۱ می‌خوانیم. از عیسی به عنوان «شخص زنده» یاد می‌شود که در بین چراغدان‌ها ایستاده است. چراغدان‌ها، هفت کلیسای آسیای صغیر بودند. هنوز آنچه که عیسی در متی ۲۰:۱۸ فرموده، واقعیت دارد. او گفت: «جایی که دو یا سه نفر به اسم من جمع شوند آنجا در میان ایشان حاضرم». اگر ما می‌خواهیم جلال مسیح را ببینیم، باید در نام او با هم جمع شویم و او آنجا خواهد بود.

۱۸- در مکاشفه ۲۰-۹:۱ عیسی چگونه به تصویر کشیده شده است؟

در عبرانیان ۲۵:۱۰ می‌گوید: «از با هم آمدن در جماعت غافل نشویم». وقتی ایمانداران گرد هم می‌آیند، اتفاقی می‌افتد. مسیح بین آنها حاضر می‌شود. آنانی که به «کلیسا نمی‌روند»، این امکان ملاقات با مسیح را از دست می‌دهند. او در بین چراغدان‌ها قدم می‌زند! چراغدان‌ها، همان کلیساها هستند یعنی جماعت‌های ایمانداران! لحظه‌ای فکر کنید! مهم نیست که یک گروه، کوچک یا بزرگ باشد! مهم این است که در نام او جمع شوند تا او نیز بین آنها حاضر باشد! آیا دلیلی بالاتر از این برای پرستش و عبادت لازم است! آیا دلیلی بهتر از این برای سرود خواندن و شادی لازم است! عیسی گردهمایی مؤمنین را با یکدیگر می‌پسندد و تأیید می‌کند. او آنجا به ملاقات آنها می‌رود!

۱۹- وقتی ایمانداران گرد هم می‌آیند چه اتفاقی می‌افتد؟

چیزهایی هست که باید در رابطه با ملاقات مسیح در گردهمایی‌هایمان بدانیم. عیسی به هر یک از کلیساهای آسیا سه چیز گفت:

(۱) «من هستم.»

(۲) «من می‌دانم.»

(۳) «من می‌خواهم.»

او که در میان چراغدان‌ها می‌خرامد، همه جا حاضر است. او همه چیز را می‌داند (دانای مطلق) و او قدرت دارد تا آنچه را که می‌خواهد، انجام دهد (قادر مطلق).

من هستم	←	همه جا حاضر
من می‌دانم	←	دانای مطلق
من می‌خواهم	←	قادر مطلق

مسیح هنگام پرستش

وقتی سرود می‌خوانیم، مسیح آنجا است. همانطور که صداهای ما با یکدیگر در سرود بالا می‌رود، می‌توانیم روح او را حس کنیم که در بین ما در حرکت است «به روح سرود خواهم خواند و به عقل نیز خواهم خواند» (اول قرنتیان ۱۴:۱۵). اغلب، هنگامی که وارد خانه خدا می‌شویم، افکار زیادی فکر ما را مشغول کرده‌اند، افکاری در ارتباط با خانه، دوستان و آشنایان. اما وقتی سرود می‌خوانیم، افکار ما از مسائل زمینی متوجه آسمان و «موضوعاتی که در بالا است» می‌شوند و قدرت می‌یابیم تا بار دیگر بتوانیم با زندگی و مسئولیت‌های خطیر آن دست و پنجه نرم کنیم! وقتی دعا می‌کنیم، مسیح آنجا است «به روح دعا خواهم کرد و به عقل نیز دعا خواهم نمود» (اول قرنتیان ۱۴:۱۵). اگر زمانی که وارد اطاق می‌شویم اطرافیانمان را فراموش کنیم و با عیسی صحبت نماییم، می‌توانیم او را در کنار خود احساس کنیم. ما از حضور او

قدرت و برکت می‌یابیم. وقتی صدای دعا‌های دیگران را در اطراف خود می‌شنویم، قلب‌های ما مملو از پرستش او می‌شوند و می‌دانیم که مسیح در بین قوم خود می‌خرامد.

وقتی کلام خدا موعظه می‌شود، مسیح آنجا است. می‌توانیم بشنویم که با ما صحبت می‌کند. ما واعظ را می‌بینیم ولی در واقع صدای عیسی را می‌شنویم «آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید» (مکاشفه ۷:۲). ما باید برای واعظین خود دعا کنیم. آنها خدام کلام او هستند. ما باید برای آنها دعا کنیم چون روح می‌خواهد از طریق افکار و سخنان آنها با ما سخن بگوید!

۲۰- در اول قرن‌تین ۱۵:۱۴ گفته شده که چه کاری باید انجام دهیم؟

خودآزمایی

پاسخ‌های کوتاه

- ۱- دو حالت ملکوت خدا را نام ببرید؟
- ۲- به سه مکانی که ملکوت خدا می‌تواند در زندگی ما دیده شود، اشاره کنید.
- ۳- متی ۲۰:۱۸ چه حقیقت مهمی را به ما دربارهٔ جمع شدنمان با یکدیگر در نام مسیح می‌آموزد؟
- ۴- دو طریق رشد کلیسا را نام ببرید؟
- ۵- چهار دستور «مأموریت بزرگ» را نام ببرید؟
- ۶- اول تسالونیکیان ۱۸:۴ در ارتباط با آگاهی ما از آمدن مسیح می‌گوید که چه کاری باید انجام دهیم؟
- ۷- متی ۳۸:۹ می‌گوید که دربارهٔ چه چیز باید دعا کنیم؟
- ۸- متی ۱۴:۲۴ ما را تشویق می‌کند تا برای چه چیزی دعا کنیم؟
- ۹- چگونه می‌توان امروز جلال مسیح را دید؟

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۱۱- دعوت خدا می‌گوید: «بیا». فرمان خدا می‌گوید: «بروید.» «دعوت» رفتن به جانب عیسی است. «فرمان» رفتن به جانب آنانی است که پیغام را شنیده‌اند.

۱- a) صحیح

b) صحیح

c) صحیح

d) صحیح

۱۲- بشارت دادن یعنی به مردم بگوییم که عیسی نجات‌دهنده است.

۲- ملکوت خدا استقرار عدالت است و عدالت از خدا است.

۱۳- مرگ ما نسبت به گناه و اینکه ما حالا انسان‌های تازه‌ای شده‌ایم یعنی فرزندان خدا.

۳- a) یک حکومت دوام نخواهد داشت مگر اینکه جایگاهش در قلب‌های مردم باشد.

۱۴- محبت مسیح، روش زندگی او و کلام او.

۴- عدالت، سلامتی، شادی

۱۵- a) غلط

b) صحیح

c) صحیح

d) صحیح

۵- به هر جایی برای گسترش انجیل بروند، به شرطی که خدا تأکید کند که آنها اشخاصی هستند که باید این کار را انجام دهند.

۱۶- باید مسیح را بشناسیم و شبیه او شویم.

۶- (a) ۳) لوقا ۱۷:۲۱

(b) ۱) یوحنا ۱۸:۳۶

(c) ۲) لوقا ۱۷:۲۰

۱۷- (a) غلط

(b) غلط

(c) صحیح

(d) صحیح

۷- در خانه، کار و در بین دوستانمان

۱۸- به عنوان «شخص زنده»

۸- (b) ابتدا مردگان در مسیح خواهند برخاست.

۱۹- مسیح می آید.

۹- (a) صحیح

(b) غلط

(c) صحیح

(d) غلط

۲۰- در روح سرود بخوانیم، در روح دعا کنیم. به عقل سرود بخوانیم، به عقل

دعا کنیم.

۱۰- مأموریت بزرگ

طرحی که باید از آن پیروی کرد

«اراده تو چنانکه در آسمان است بر زمین نیز کرده شود» (متی ۶: ۱۰)

اگر قرار است اراده خدا بر زمین انجام شود، باید از قلب شما آغاز گردد. آیا آماده و حاضر هستید که اراده خدا را انجام دهید؟ شاید بگویید: «اول اراده خدا را به من بگویید تا بدانم چیست، آن وقت به شما خواهم گفت که آماده انجام آن هستم یا نه». البته این درخواست، کاملاً منطقی است و کلام خدا نیز به آن پاسخ می‌دهد. اراده خدا این است که شما ایمان بیاورید عیسی پسر او و منجی شما می‌باشد. شما در پاسخ می‌گویید: «بسیار خوب، این که خیلی راحت است. من ایمان می‌آورم. آیا این تمامی اراده خدا است؟»

نه، این تمام ماجرا نیست. حال، نوبت قسمت مشکل کار است. خدا می‌خواهد تمامی ایمانداران مانند عیسی شوند. شما می‌گویید: «مثل مسیح شویم! چه کسی می‌تواند مانند عیسی شود؟» شما می‌توانید و این اراده خدا برای شما است. روح القدس کمک می‌کند تا این موضوع تحقق یابد.

ولی چگونه؟ ببینید، هر آنچه که برایتان اتفاق بیفتد اگر شما را مانند عیسی کند، «خوب» است. این گفته به این معنی است که حتی مشکلات و تنگی‌ها نیز می‌توانند برای شما خوب باشند. ولی چطور چنین چیزی ممکن است؟ شما باید بسیار دعا کنید تا درک کنید چرا خدا اجازه می‌دهد بعضی وقایع برای شما اتفاق بیافتند. اینطور نیست؟



رئوس مطالب

دعا برای اراده خدا
دعا برای نقشه او
دعای به روح
تسلیم شدن به اراده خدا
تسلیم محدود
تسلیم کامل
ایمان و اراده خدا
سؤالاتی درباره دعا
دعاهایی که پاسخی ندارند
بعضی از مطالبی که مردم برای آنها دعا می کنند

اهداف درس

- پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:
- از نقشه خدا در زندگی و خدمت خود که روح القدس آن را به کمال می رساند، آگاهی بیشتری داشته باشید.
- فرق بین تسلیم «محدود» و «کامل» را بفهمید.
- نشان دهید که چگونه تسلیم «محدود» و «کامل» بر پرستش و خدمت ما به خدا تأثیر می گذارند.
- در دعاهایی که انجام می دهید، عملی تر شوید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- اهداف درس را مطالعه کنید.
- ۲- پیدایش ۹:۱۱-۹ و اعمال رسولان ۱:۲ را بخوانید تا انواع گوناگون اتحاد در دعا و هدف را بیابید و با یکدیگر مقایسه نمایید.
- ۳- با توجه به یعقوب ۳:۴ و متی ۲۰:۲۰-۲۴ تشریح کنید که چگونه ممکن است دعای اشتباه کرد.
- ۴- متن درس را مطالعه نمایید و پاسخ تمامی سؤالات متن و خودآزمایی را بدهید.

متن درس

دعا برای اراده خدا

آیا باید برای هر چیزی دعا کرد؟ آیا برای هر کاری که در روز انجام می‌دهیم، خدا اراده‌ای دارد؟ آیا خدا برای نوع کفشی که می‌پوشم، مسیری که به سر کار می‌روم، یا غذایی که باید برای ناهار بخورم، نیز اراده‌ای دارد؟ آیا چنین کارهای کوچکی برای خدا اهمیت دارند و خدا نگران آنها است.

خدا از هر کار کوچکی که ما انجام می‌دهیم، باخبر است. ولی در عین حال به ما عقل سلیم داده تا بتوانیم با استفاده از آن، تصمیمات لازم را بگیریم. لازم نیست که برای موضوعاتی که نقشی در نقشه خدا ندارند یعنی نه مانع آن می‌شوند و نه کمکی به آن می‌کنند، دعا کنیم. اینها را خود ما باید تصمیم بگیریم. ما باید پرسیم: «آیا این کار تأثیری بر نقشه خدا دارد؟ آیا باعث تقویت من در پیروی از خدا می‌شود؟» برای همین است که خدا به ما عقل داده و می‌خواهد ما آن را به کار ببریم.

۱- چرا لازم نیست در مورد بعضی چیزها دعا کرد؟

البته بعضی چیزهای در ظاهر «کوچک»، کوچک نیستند چون نقشه خدا را تحت تأثیر قرار می دهند. اگر بگوییم: «احساس می کنم امروز علاقه ای به دعا کردن ندارم»، این چیز «کوچکی» نیست. با دعا نکردن، من پیروی خود از خدا را تضعیف می کنم و از رشد روحانی قاصر می مانم. ولی اگر بگوییم: «احساس می کنم که امروز علاقه ای به خوردن ماهی ندارم»، این چیز کوچکی است و لازم نیست درباره آن دعا کنیم. خوردن یا نخوردن ماهی تأثیری در نقشه خدا نخواهد داشت.

۲- جملات صحیح را مشخص کنید.

- (a) در مورد هر آنچه که انجام می دهیم، باید دعا کنیم.
- (b) خدا، هر آنچه را که انجام می دهیم می داند.
- (c) چیزهایی که نقشه خدا را تحت تأثیر قرار می دهند، کوچک نیستند.
- (d) خدا، توجهی به موضوعات کوچکی که انجام می دهیم ندارد.

هر چند بعضی اوقات، خدا از طریق احساس درونی که به ما هشدار می دهد تا به جایی نرویم یا کاری را انجام ندهیم، ما را نجات می دهد. این «احساس» در واقع صدای روح است که از درون ما برمی خیزد. لازم است که به این هشدارهای درونی توجه کافی بنماییم. باید بدانیم که چگونه به روح گوش بدهیم! با وجود اینکه خدا فرشتگانی دارد که ما را محافظت می کنند، ولی باز لازم است که ما گوش بدهیم. اغلب متوجه می شویم که اگر به صدای روح گوش نگرفته بودیم، صدمه می دیدیم. فرشتگان خدا آنانی را که گوش می دهند، محافظت می کنند.

بنابراین، در مورد چیزهایی که تأثیری بر ملکوت خدا ندارند، می توانیم شخصاً تصمیم بگیریم. ولی همیشه باید به صدای روح گوش فرا دهیم تا کمتر تصمیم غلط بگیریم.

۳- بعضی اوقات خدا چگونه ما را از خطرات آگاه می سازد؟

دعا برای نقشه او

در اینجا آنچه را که می‌خواهیم در کل کتاب بیان کنیم، مجدداً یادآوری می‌نماییم. خدا نقشه‌ای دارد و هر ایمانداری باید با دعا در پی پیروی از آن باشد. قبل از اینکه برای چیز دیگری دعا کنیم، باید به نقشه خدا فکر کنیم و از خودمان پرسیم: «آیا آنچه را که خدا امروز از من می‌خواهد، انجام می‌دهم؟ آیا این کارم بخشی از نقشه او است؟»

نقشه خدا تنها برای واعظین نیست بلکه برای همه می‌باشد. به همان نسبت که برای یک خادم انجیل مهم است که بداند در اراده خدا قدم برمی‌دارد، یک فروشنده لباس نیز لازم است بداند که آیا نقشه خدا را پیروی می‌کند یا نه.

۴- جملات صحیح را مشخص نمایید.

(a) خدا نقشه‌ای دارد و هر ایماندار باید در پی پیروی از این نقشه باشد.

(b) نقشه خدا تنها برای واعظین است.

(c) یک کشاورز باید نقشه خدا را برای زندگی خود بداند.

(d) ما باید قبل از پذیرش کار جدیدی دعا کنیم.

بنابراین، وقتی کاری به شما پیشنهاد می‌شود لازم است که قبل از پذیرش آن دعا کنید. اما تصمیم‌گیری شما باید بر این اساس باشد که آن کار تا چه حد به شما در انجام اراده خدا کمک خواهد کرد، نه بر پایه مقدار پولی که قرار است به شما بدهند. بعضی از مردم کارهایی را در مناطقی می‌پذیرند که کلیسایی در آنجا وجود ندارد ولی به خاطر پول خوبی که می‌دهند آن شغل را قبول می‌کنند. البته اگر شما کلیسای جدیدی را هم‌زمان با کار جدیدتان آغاز کنید، آن وقت شاید در اراده خدا باشید. اما اگر با پذیرش کار جدید از دعا کردن در خانه خدا باز بمانید، آن وقت تصمیم اشتباهی گرفته‌اید. بهتر است دستمزد کمتری بگیرید تا اینکه خارج از اراده خدا باشید.

اراده خدا چیست؟ اجازه بدهید یک بار دیگر اراده خدا را مرور کنیم. اراده خدا این است که:

(۱) همه انسان‌ها ایمان بیاورند.

(۲) همه ایمانداران شبیه عیسی گردند.

عیسی مأموریت بزرگ را داده است. متی ۱۹:۲۸ و ۲۰ را به یاد می‌آورید؟ در این باره در درس پنجم صحبت کردیم. عیسی با ما درباره اراده خدا برای آنانی که پیغام انجیل را نشنیده‌اند سخن گفت.

۵- چهار چیزی را که مسیح در متی ۱۹:۲۸ و ۲۰ می‌فرماید که انجام بدهیم، چیست؟

این فرمان مسیح و هم اراده خدا است. تمامی دعا‌های دیگر، در مقایسه با دعا‌هایی که برای انجام نقشه خدا انجام می‌شوند، دعا‌های «کوچکی» هستند. ولی برای انجام نقشه خدا نیاز به همه اقشار مردم داریم. ما احتیاج به:

- افرادی داریم که می‌توانند دعا کنند.
 - افرادی داریم که می‌توانند موعظه کنند.
 - افرادی داریم که می‌توانند کار کنند و از کلیسا حمایت مالی نمایند.
 - افرادی داریم که می‌توانند تعلیم دهند.
 - افرادی داریم که می‌توانند به همسایگان خود شهادت دهند.
 - افرادی داریم که می‌توانند به مردم دیگر کشورها شهادت دهند.
 - افرادی داریم که می‌توانند با دست‌های خود کار کنند و بنا نمایند.
 - افرادی داریم که می‌توانند آنانی را که در مشکلات هستند، تسلی دهند.
- واقعاً افراد مختلفی مورد نیاز هستند تا نقشه خدا را انجام دهند. هر یک از ما باید دعا کنیم و ببینیم خدا از ما می‌خواهد که چه کاری انجام دهیم. همینطور باید دعا کنیم تا دیگران نیز خود را وقف انجام نقشه خدا بنمایند.

۶- هفت گروه از مردم را که جهت کمک به نقشه خدا لازم هستند، نام ببرید.

دعای به روح

چگونه بدانیم که چطور دعا کنیم؟ چگونه می‌توانیم برای نجات مردم و شبیه شدن ایمانداران به مسیح دعا کنیم در حالی که خانواده خودمان احتیاجات فراوانی دارد؟ ما مسئول تغذیه فرزندان، نگهداری منازل، پرداخت صورت حساب‌ها، خرید البسه، کسب دانش و انجام برنامه‌های خودمان هستیم. آیا ممکن است که به جای توجه به این مسائل، بیشتر متمرکز انجام نقشه خدا باشیم؟ پاسخ به این سؤال مثبت است ولی ما احتیاج به کمک داریم! عیسی در هنگام صعودش به آسمان، فرمود: «روح القدس را می‌فرستم». یکی از اسامی روح القدس، «پاراکلیت» می‌باشد که به معنی «مددکننده» است و این درست همان چیزی است که ما احتیاج داریم. ما برای تشخیص اولویت‌ها احتیاج به کمک کسی داریم. محتاجیم تا کسی به ما بیاموزد که چگونه دعا کنیم و روح القدس نیز دقیقاً به همین منظور فرستاده شد!

۷- «پاراکلیت» نام دیگری است برای

(a) عیسی مسیح

(b) کبوتری سفید

(c) پولس رسول

(d) روح القدس

ما محتاج روح القدس هستیم. می‌دانید چرا؟ چون روح القدس کمک می‌کند تا برای چیزهای صحیح دعا کنیم. به آنچه که کلام خدا در رومیان ۸: ۲۶ و ۲۷ می‌گوید توجه کنید: «و همچنین روح نیز ضعف ما را مدد می‌کند زیرا که آنچه دعا کنیم به طوری که می‌باید نمی‌دانیم». لحظه‌ای فکر کنید! این یک جمله پر معنا می‌باشد! ما نمی‌دانیم چگونه باید دعا کنیم! «لکن خود روح برای ما شفاعت می‌کند به ناله‌هایی

که نمی‌شود بیان کرد. و او که تفحص‌کننده دل‌هاست فکر روح را می‌داند زیرا که او برای مقدسین برحسب اراده خدا شفاعت می‌کند».

۸- چرا در دعا به کمک روح القدس نیاز داریم؟

خدا را شکر! حالا کسی را داریم که «بر طبق اراده خدا» برای ما دعا کند و این دقیقاً آن چیزی است که ما به آن محتاجیم! روح برای چیزهای خودخواهانه، دعا نخواهد کرد. روح دعا خواهد کرد تا:

(۱) همه مردم ایمان بیاورند.

(۲) همه ایمانداران شبیه عیسی بگردند.

لازم است که خود را تسلیم روح القدس نماییم و اجازه دهیم از طریق ما و برای ما دعا کند. بعضی اوقات بار بزرگی در خود برای مردم گمشته احساس می‌کنیم. آن وقت روح القدس به زبانی بیگانه از طریق ما دعا خواهد کرد. روح القدس برطبق اراده خدا دعا خواهد کرد. بعضی اوقات متوجه می‌شویم که مانند عیسی عمل نمی‌کنیم و دعا می‌کنیم که شبیه او بگردیم. روح القدس ما را در این مسیر کمک خواهد کرد چون این کار او است که به ما کمک کند تا بر طبق اراده خدا دعا کنیم.

۹- روح القدس برای ما از چه طریقی دعا می‌کند؟

البته، اگر قرار باشد که برای چیزهای مربوط به خودمان دعا کنیم، نباید انتظار داشته باشیم که روح القدس برای ما شفاعت کند مگر اینکه چیزی باشد که مربوط به نقشه خدا است. اگر برای پول دعا می‌کنیم تا به کار خدا کمک نماییم، روح القدس ما را مدد خواهد کرد. اگر برای ماشینی دعا می‌کنیم تا کار خدا را انجام دهیم، روح القدس ما را کمک خواهد نمود. اما اگر برای خودخواهی‌هایمان دعا می‌کنیم، آن وقت باید خودمان دعا کنیم چون کار روح القدس دعا بر طبق نقشه خدا است.

تسلیم شدن به اراده خدا

شادی ای بزرگتر از این وجود ندارد که انسان در مرکز اراده خدا قرار گرفته باشد. مردم غمگین، چه کسانی هستند؟ آنانی که هرگز راضی و خشنود نمی‌باشند چه افرادی هستند؟ چه کسانی هستند که زندگی‌شان پوچ و بی‌معنی است؟ آنها چه کسانی هستند؟ افرادی که اراده خدا را به جا نمی‌آورند.

غمگین‌ترین مردم در این جهان آنانی هستند که فکر می‌کنند شادی، یعنی اینکه هر چه را که بخواهند داشته باشند و راه خود را بروند. اینها چقدر گمراه هستند! اینها اشخاصی هستند که بیشترین ثروت این جهان را دارند ولی کمترین شادی را احساس می‌کنند! البته باید این نکته را در نظر گرفت که نباید ملاک شادی را با بلندی خنده یا میزان ملک و دارایی مردم سنجید. زندگی از آنچه که ما داریم، ساخته نمی‌شود. یک زندگی مملو از خوشی و شادی، زندگی است که در آن نقشه‌ها و ملکوت خدا بالاتر از هر چیز دیگری است.

۱۰- بزرگترین شادی برای یک ایماندار در کجا است؟

تسلیم محدود

حال اجازه دهید در مورد چند موضوع مهم در ارتباط با چگونگی دعا، صحبت کنیم. بعضی از مردم می‌گویند: «من اراده تو را انجام خواهم داد به شرطی که ...» آن وقت یک لیست بلند بالا از شرایط خود را ارائه می‌دهند. آنها می‌گویند: «حاضرم بروم، به شرطی که خانه‌ای برای زندگی کردن در آنجا باشد». یا می‌گویند: «می‌روم به شرطی که به اندازه کافی پول بدهند». یا «خواهم رفت به شرطی که مادرم با من بیاید». یا اینکه «حاضرم بروم به شرطی که نزدیک به خانه و باغچه خودم باشم».

برادران و خواهران باید بدانید که این نوع تسلیم، تسلیم «محدود» می‌باشد. این مردم همه پاسخ «مثبت و بلی» داده‌اند ولی «اما و به شرطی» را نیز به آن اضافه نمودند. مأموریت بزرگ مسیح هرگز توسط افرادی که «اگر» و «اما» می‌آورند، عملی

نخواهد شد. مأموریت بزرگ توسط کسانی عملی خواهد شد که می‌گویند: «لیک مرا بفرست» بدون این که شرط و شروطی مطرح کنند!

۱۱- چرا اشخاصی که به طور محدود تسلیم شده‌اند، نمی‌توانند مأموریت بزرگ را اطاعت نمایند؟

در مزمور ۴۱:۷۸، (در ترجمه King James Version) دو چیز در مورد خدا گفته می‌شود که به نظر غیرممکن می‌آید. این آیه می‌گوید: «برگشته خدا را امتحان کردند و قدوس اسرائیل را محدود نمودند» آنها: ۱) خدا را امتحان کردند و ۲) او را محدود نمودند.

آیا خدا را می‌شود امتحان نمود؟ آیا می‌شود برای او شرط و شروطی قائل شد؟ در اینجا حقیقتی نهفته است که ترسی در قلب‌ها ایجاد می‌کند، چون می‌گوید که انسان می‌تواند خدا را امتحان کند و او را محدود نماید! چطور ممکن است خدای قادر، محدود شود؟

البته او محدود نمی‌شود، مگر اینکه بپذیرد که محدود شود. و این کاری است که خدا انجام داده است. او انسان را وارد نقشه خود نموده است. او گفته که «می‌خواهم شفا بدهم ولی خود را به ایمان انسان محدود خواهم نمود». یا «می‌خواهم این فرد را برای خدمت دعوت کنم، ولی خودم را محدود به رضایت او خواهم کرد».

چه تفکر بی‌نظیری! یعنی هر چند خدا مایل است کاری را انجام دهد، ولی آن کار انجام نخواهد شد مگر اینکه خدا کسی را بیابد که حاضر باشد اراده او را انجام دهد!

۱۲- مزمور ۴۱:۷۸ را بخوانید، به دو طریقی که قوم بنی‌اسرائیل مانع کار خدا شدند، اشاره نمایید.

ما می‌توانیم خدا را در امر نجات محدود نماییم. این اراده خدا نیست که هیچ انسانی نابود شود، در حالی که خیلی‌ها نابود می‌شوند. چرا؟ چون آنها خود را تسلیم انجام اراده خدا نمی‌کنند.

در مورد بیماری نیز این مطلب صدق می‌کند. اراده خدا شفای بیماران است ولی خیلی‌ها مریض باقی می‌مانند حتی زمانی که خدا می‌خواهد آنها را شفا دهد. چرا؟ چون آنها ایمان خود را منطبق با اراده خدا نمی‌کنند تا شفا بیابند، پس بیمار باقی می‌مانند. می‌توانند شفا بیابند ولی ایمان شفا را ندارند. خدا محدود می‌شود چون آنها ایمان نمی‌آورند!

البته نمی‌دانیم چرا خدا در نقشه خود این گونه عمل می‌کند، ولی این راهی است که او انتخاب کرده است. لحظه‌ای به آن فکر کنید! ببینید چقدر ایمان و میل انسان اهمیت دارد!

خدا می‌خواهد همه انسان‌ها نجات یابند. ولی همه نجات نمی‌یابند چون میل و اراده خود را تسلیم میل و اراده خدا نمی‌کنند.

او می‌خواهد همه انسان‌ها شبیه عیسی گردند ولی همه شبیه عیسی نمی‌شوند. چرا؟ چون حاضر نیستند خود را فروتن سازند. پس خدا محدود می‌شود و آنها هیچ وقت شبیه مسیح نمی‌گردند.

۱۳- جملات صحیح را مشخص کنید.

- (a) اراده خدا است که بیماران را شفا دهد.
- (b) ما می‌توانیم خدا را محدود کنیم.
- (c) باید میل و اراده خود را تسلیم اراده خدا نماییم.
- (d) همه مردم نجات خواهند یافت.

تسلیم کامل

در ماجرای برج بابل (پیدایش ۱۱:۹) گفته می‌شود که همه مردم در یک مکان و با زبانی مشترک می‌زیستند. آنها با هم بر علیه خدا متحد شدند. اتحاد آنها، اتحادی بدون خدا و سرسپردگی و تسلیمشان برای طغیان و شورش بود. در نتیجه چه اتفاقی افتاد؟

۱۴- پیدایش ۱۱:۹ را بخوانید. بگویید چرا خدا زبان آنها را منقسم نمود؟



اتحاد مردم بدون خدا

اتحاد خدا و انسان

در اعمال ۲:۱-۴ می‌خوانیم که چگونه کلیسای اولیه همه با هم در یک مکان برای پرستش و عبادت خدا گرد آمده بودند. ناگهان صدای وزیدن باد شدیدی شنیده شد و همگی از روح القدس پر شدند و شروع به سخن گفتن به زبان‌ها نمودند این اتفاق گویای اتحاد خدا با انسان بود. چه اتحاد عالی‌ای!

وقتی اراده انسان با اراده خدا هم سو می‌شود، معجزه اتفاق می‌افتد! مریضان شفا می‌یابند، کوران بینا و مفلوجان خرامان می‌گردند. چرا؟ چون نقشه خدا در کار است. خدا و انسان یکبار دیگر با هم راه می‌روند و مشارکت دارند! مقصود و هدف از دعا و پرستش این است. پرستش، صحبت متقابل با خدا در ستایش و شکرگزاری است. وقتی ما شروع به پرستش می‌کنیم، خدا پایین می‌آید و قلب‌ها و اراده‌های ما به

حرکت در می‌آید! وقتی قلب خدا با قلب‌های ما متحد می‌شود، هر چیزی می‌تواند اتفاق بیفتد! خدا را شکر!

۱۵- هدف از دعا و پرستش چیست؟

تسلیم کامل، اتحاد کامل دو اراده است؛ اراده خدا و اراده انسان. وظیفه ما این نیست که بخواهیم خدا اراده خود را بر طبق میل و خواست ما تغییر دهد. ما باید اراده او را بفهمیم و آن را پیروی نماییم. وقتی این کار را انجام دهیم، آن وقت مأموریت بزرگ عملی خواهد شد و دنیا خبر خوش انجیل را درباره عیسی خواهد شنید!

ایمان و اراده خدا

حال، بخش دوم یعنی «تقدم پرستش» را خلاصه خواهیم کرد. پرستش، سر و کارش با چیزهایی است که مورد علاقه خدا است. آن چیزهایی که خدا به آنها علاقه‌مند است، باید در دعا‌های ما همیشه جای اول را داشته باشند. منظور این نیست که خدا به دیگر احتیاجات ما توجهی ندارد. مطمئناً او توجه دارد. اگر ما بالاتر از آن نیازهای شخصی در پی ملکوت او باشیم، او نیازهای دیگر ما را رفع خواهد نمود (متی ۶: ۳۳).

سؤالاتی درباره دعا

این روزها خیلی درباره قدرت ایمان می‌شنویم. آنها می‌گویند که ایمان همه چیز را ممکن می‌سازد. عیسی و پولس در این باره اینطور می‌گویند: «نزد خدا همه چیز ممکن است» (متی ۱۹: ۲۶). «اگر ایمان به قدر دانه خردلی می‌داشتید بدین کوه می‌گفتید از اینجا به آنجا منتقل شو البته منتقل می‌شد و هیچ امری بر شما محال نمی‌بود» (متی ۱۷: ۲۰). «اما خدای من همه احتیاجات شما را برحسب دولت خود در جلال مسیح عیسی رفع خواهد نمود» (فیلیپیان ۴: ۱۹). «آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد» (یوحنا ۱۵: ۷). آیا این آیات وعده‌های نامحدودی هستند که

اما و اگری در آنها وجود ندارد؟ آیا وجود فقر در جایی که می‌توان ثروتمند شد، ضرورتی دارد؟ آیا فرد بیمار را باید به خاطر بی‌ایمانی‌اش سرزنش نمود؟ آیا اشتباه است که به دعا‌های خود این جمله را اضافه کنیم: «اگر اراده تو است»؟ اگر آنگونه که باید دعا کنیم، دعا بنماییم تمامی سؤالات بالا پاسخی خواهند داشت.

- ۱۶- جملات سمت راست را با جای صحیح آیات در سمت چپ، منطبق کنید.
- | | |
|-------------------|---|
| (۱) یوحنا ۷:۱۵ | (a) خدا همه احتیاجات ما را رفع خواهد نمود |
| (۲) متی ۲۶:۱۹ | (b) آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد. |
| (۳) فیلیپیان ۱۹:۴ | (c) اگر ایمان به قدر دانه خردلی داشتید هر کاری می‌توانستید بکنید. |
| (۴) متی ۲۰:۱۷ | (d) نزد خدا همه چیز ممکن است. |

بیایید به آیات بالا توجه بیشتری بکنیم. آیا این آیات به همراه خود شرطی ندارند؟ ما معتقدیم که آنها مشروط هستند. هر یک از این آیات، با بخشی از سهم ایماندار در این وعده‌ها که اطاعت از فرامین خدا، داشتن ایمان، عدم خودخواهی و دانستن کلام خدا می‌باشد، همراه هستند. فراموش نکنید که خدا دعایی را که به فرزند دیگرش صدمه بزند، پاسخ نخواهد داد.

۱۷- بعضی شرایط خدا برای پاسخ دادن به دعا‌های ما چیست؟

این آیه را مورد ارزیابی قرار دهید که می‌فرماید: «آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد» (یوحنا ۷:۱۵). آیا این وعده شامل همه چیز می‌شود؟ آیا دعوتی است برای درخواست هر چیزی که از ذهن ما می‌گذرد و دریافت آن؟ آیا این وعده بدون شرط (بدون اما و اگر) است؟ ما چنین اعتقادی نداریم.

اگر این طور بود، از خدا می‌خواستیم که هر روز خانه ما خود به خود تمیز و مرتب شود یا می‌توانستیم از خدا بخواهیم تا همه مردم در این دنیا ثروتمند شوند. می‌توانستیم بخواهیم تا هیچ یک از اعضای خانواده ما نمیرند. اگر مدعی باشیم که در

این وعده محدودیتی نیست، آن وقت مفهومی این خواهد بود که اگر ایمان کافی داشته باشیم، همه چیزهایی که در بالا به آنها اشاره شد، اتفاق خواهند افتاد! مطمئناً خواهید گفت: «دیگر این قدر بجگانه نباید فکر کرد! خدا اینگونه دعاها را پاسخ نخواهد داد». ما نیز با شما هم عقیده هستیم. خدا این طور دعاها را پاسخ نخواهد داد. اما پذیرش این واقعیت که خدا اینگونه دعاها را پاسخ نمی دهد، به این معنی است که محدود بودن این وعده را نیز باید بپذیریم که: «نزد خدا همه چیز ممکن است». بعضی چیزها وجود دارد که ما نباید برایشان دعا کنیم.

۱۸- جملات صحیح را مشخص کنید.

- (a) بعضی دعاها هست که ما نباید بکنیم.
- (b) بعضی وعده‌های خدا شرایطی به همراه دارند.
- (c) خدا وعده داده که به همه تقاضاهای ما جواب دهد.
- (d) یوحنا ۱۵:۷ وعده‌ای محدود است.

حال باید نگاهی هم به وعده پولس در فیلیپیان ۱۹:۴ بیندازیم که می فرماید: «خدای من همه احتیاجات شما را رفع خواهد نمود». این یک وعده باشکوه است، اما با کلمه «احتیاجات» محدود می شود. معمولاً فرق عمده‌ای است بین خواسته‌های انسان و احتیاجات او.

چه کسی نمی خواهد یک خانه لوکس و گرانبه داشته باشد؟ چه کسی نمی خواهد پول زیادی داشته باشد؟ چه کسی نمی خواهد جسم سالمی داشته باشد؟ چه کسی به دنبال داشتن موفقیت و شهرت نیست؟ چه کسی نمی خواهد خوش تیپ و زیبا باشد؟

آیا می توان با استفاده از کلام پولس، درخواست اینگونه چیزها را توجیه کرد؟ فکر می کنم، نه. خدا وعده رفع احتیاجات ما را داده ولی ممکن است که برداشت ما از احتیاجات مانند برداشت خدا نباشد. ما می توانیم در دعا آنها را از خدا بخواهیم ولی باید به خدا اعتماد کنیم. او می داند چه چیزی برای ما خوب است. ما باید به

دعاهای خود این جمله را نیز اضافه کنیم: «اگر اراده تو است». یوحنا ۷:۱۵ که می‌فرماید: «آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد»، وعده باشکوه دیگری است. اما این وعده نیز محدود است. این وعده با این کلمات شرطی آغاز می‌شود: «اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند».

۱۹- چه شرایطی در یوحنا ۷:۱۵ وجود دارد؟

دعاهایی که پاسخی ندارند

اجازه دهید به دو مرد ایمان‌نگاهی بیندازیم که تقاضاهایی داشتند ولی تقاضاهای آنها انجام نشد. عیسی دعا کرد: «اگر بخواهی، این پیاله را از من بگردان» (لوقا ۲۲:۴۲).



آیا کسی می‌تواند ادعا کند که عیسی ایمان کافی نداشت؟ پس چرا خدا این پیاله را از عیسی برنگرداند؟ علت این است که اراده خدا این بود که انسان را از طریق مرگ فرزندش بر صلیب نجات دهد. آیا ایمان عیسی ضعیف بود هنگامی که لعنت گناه را بر خود گرفت و فریاد برآورد؟ هرگز! او نه اشتباه کرد

و نه ضعیف بود. در واقع، عیسی قوی بود چون اراده خود را تسلیم اراده پدرش نمود. او به عنوان پسر انسان، مایل نبود رنج بکشد و بمیرد. به عنوان پسر خدا، نمی‌خواست مرتکب گناه شود. ولی بالاتر از این‌ها عیسی می‌خواست اراده پدر خود را به جا آورد. این موفقیت و پیروزی، دعای کامل او بود. ما نیز می‌توانیم بیاموزیم که در دعاهایمان پیروز باشیم.

طبیعتاً ما ترجیح می‌دهیم ثروتمند باشیم تا فقیر.

طبیعتاً ما ترجیح می‌دهیم سالم باشیم تا بیمار.

طبیعتاً ما ترجیح می‌دهیم در خانه بمانیم تا به دوردست‌ها برویم.

طبیعتاً ما ترجیح می‌دهیم زنده بمانیم تا بمیریم.

ولی به عنوان فرزندان خدا ما ترجیح می‌دهیم بالاتر از هر چیزی اراده پدر خود را انجام دهیم! برای این است که می‌توانیم با عیسی همصدا شویم و بگوییم: «لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده تو.»

۲۰- موفقیت دعای عیسی در چه چیزی بود؟

پولس، مرد ایمان بود. ولی به همه دعاهايش پاسخ داده نشد. او از یک مشکل جسمی رنج می‌برد. او چند بار دعا کرد تا خدا آن را بردارد. آیا مردی با ایمان عظیم‌تر از پولس وجود داشت؟ «آنچه خواهید بطلبید» همانطور که برای ما وعده است، برای پولس نیز بود. پس او دعا کرد، سه بار دعا نمود. و هر سه بار نیز خدا پاسخ داد: «فیض من تو را کافی است زیرا که قوت من در ضعف کامل می‌گردد» (دوم قرنتیان ۹:۱۲).

۲۱- دو مرد ایمان را که دعا کردند و به دعاهايشان پاسخ داده نشد، نام ببرید.

همه این نمونه‌ها تنها یک چیز را ثابت می‌کنند. هر دعایی که می‌کنیم یا هر وعده‌ای را که مطالبه می‌نماییم، باید بر طبق اراده خدا باشد. هر دعایی که برخلاف اراده او انجام شود یا هماهنگ با آن نباشد، برای خدا قابل پذیرش نیست. دعای خارج از اراده خدا، در واقع کاربرد نادرستی از وعده‌های او است. «اراده تو چنانکه در آسمان است بر زمین نیز کرده شود»، باید در دعاهاى ما همیشه اولویت داشته باشد.

این باعث می‌شود تا دانستن اراده خدا در درجه اول اهمیت قرار بگیرد. ما می‌دانیم که دو چیز شامل اراده خدا می‌باشند. وقتی برای آنها دعا می‌کنیم، دیگر لازم نیست بگوییم «اگر اراده تو است». آن دو چیز عبارت‌اند از:

(۱) نام تو مقدس باد.

(۲) ملکوت تو بیاید.

پر واضح است اگر برای مطالبی دعا کنیم که با این دو چیز در تضاد باشند، دعای اشتباهی کرده‌ایم. به بیانی دیگر، این آیه را که می‌فرماید: «هر آنچه خواهید به نام من بطلبید»، نباید برای درخواست‌هایی که منجر به جلال شخصی می‌شوند، به کار برده شود. امکان ندارد میل قلبی من این باشد که نام من جلال بیابد و در همان حال صادفانه در پی جلال نام خدا باشم.

۲۲- جملات صحیح را مشخص کنید.

- (a) اراده خدا این است که نام او جلال بیابد.
- (b) دعا برای جلال شخصی، دعای صحیحی است.
- (c) وقتی دعا می‌کنیم، دانستن اراده خدا حائز اهمیت است.
- (d) ما باید بر طبق اراده خدا دعا کنیم.

اراده خدا این است که همه انسان‌ها نجات یابند و شهروند ملکوت او گردند. همین‌طور اراده خدا است که همه شهروندان این ملکوت، شبیه به پسرش گردند. هر دعایی که بر علیه این نقشه و کار خدا باشد، نمی‌تواند جزو یکی از این دعاها باشد که: «اگر ایمان داشته باشید، هر آنچه را که بطلبید خواهید یافت». این وعده‌ها نامحدود نیستند. آنها باید بر طبق اراده خدا درخواست شوند.

پس چگونه می‌توان دعا کرد؟ به عنوان مثال، دعا می‌کنیم که خدا "شهرام" را نجات دهد. برای چنین دعایی دیگر لازم نیست بگوییم «اگر اراده تو است»، چون می‌دانیم که خواست خدا این است که همه انسان‌ها نجات یابند. البته "شهرام" می‌تواند اراده خدا را نپذیرد. برای نجات یک فرد، اراده انسان باید با خواست و اراده خدا هماهنگ باشد.

به همین ترتیب اگر دعای ما این است که «لطفاً مرا شبیه مسیح بساز»، دیگر لازم نیست بگوییم «اگر اراده تو است» چون می‌دانیم که خدا می‌خواهد فرزندانش شبیه به پسرش شوند. اشتیاق عیسی برای انجام اراده خدا، باعث شد که به سمت درد و

رنج و انکار نفس حرکت کند تا به صلیب رسید. آیا ما صادقانه می‌خواهیم شبیه عیسی شویم؟ آیا حاضریم با صلیبی روبرو شویم که می‌تواند ما را شبیه مسیح کند؟ «او برای شما فقیر شد تا شما از فقر او دولتمند شوید» (دوم قرنتیان ۹:۸). آیا ما حاضریم به خاطر دیگران که هنوز «دولتمندی» نجات او را نچشیده‌اند، فقیر شویم؟ آیا حاضریم به خاطر او خودمان را انکار کنیم، پدر و مادر خود را ترک نماییم تا اراده او انجام شود؟

۲۳- برای انجام اراده خدا، عیسی از چه کانالی عبور کرد؟

عیسی فرمود: «ندارید، از این جهت که سؤال نمی‌کنید و سؤال می‌کنید و نمی‌یابید از این رو که به نیت بد سؤال می‌کنید تا در لذات خود صرف نمایید» (یعقوب ۳:۴). این کلام چگونه با این آیه که می‌فرماید: «آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد» مطابقت پیدا می‌کند؟ تنها زمانی این دو با هم مطابقت خواهند داشت که اراده و خواست ما تسلیم اراده خدا شود. پس انتظار پاسخ دعوای خودخواهانه را نداشته باشید. انتظار نداشته باشید که پاسخ دعوایی را بیابید که باعث جلال نام او نیستند. دعوای ما باید هماهنگ با خواست و اراده خدا باشند. در غیر این صورت، خدا قادر به پاسخ دادن به دعای ما نیست.

۲۴- چرا بعضی که دعا می‌کنند، پاسخی برای دعوای خود نمی‌یابند؟

بعضی از مطالبی که مردم برای آنها دعا می‌کنند

حال این کلام که می‌فرماید: «هر آنچه می‌خواهید بطلبید» چه معنی و مفهومی خواهد داشت؟ آیا اشتباه است که برای چیزهای خوب دعا کنیم و آنها را از خدا بخواهیم؟ آیا خدا نمی‌خواهد برای آنها دعا کنیم؟

به طور کلی می توان دعا‌های مردم را به سه دسته تقسیم کرد:

- (۱) چیزهایی که نباید آنها را بخواهیم، چون می دانیم اراده خدا نیست.
- (۲) چیزهایی که وقتی دعا می کنیم درباره آنها مطمئن نیستیم، باید به این نوع دعاها این جمله را اضافه کنیم «اگر اراده تو است».
- (۳) چیزهایی که مطمئن هستیم اراده خدا است و دیگر لازم نیست بگوییم: «اگر اراده تو است».

چیزهایی مثل زندگی خودخواهانه، لذات جسمانی و شهوانی و جلال شخصی در دسته اول قرار می گیرند و اینها ممنوع می باشند. ما نباید برای اینها دعا کنیم و خود را به دردسر بیندازیم. می دانیم که این چیزها خلاف اراده خدا هستند.

دوم، چیزهایی هستند که ما شک داریم برای آنها دعا کنیم یا نه، برای اینگونه مطالب باید دعا کنیم که «اگر اراده تو است» انجام شود. موفقیت در کار، زندگی راحت، شهرت، همسری زیبا و غیره. این چیزها زمانی موضوعات صحیح ایمان هستند که با اراده خدا همسو باشند. ما باید برای این چیزها دعا کنیم ولی باید آماده پذیرش پاسخ خدا نیز باشیم.

گروه سوم، شامل چیزهایی است که خدا قبلاً اعلام کرده که اراده او می باشند. قبلاً گفتیم که اراده او است که نام او مقدس باشد و ملکوت او بیاید. همینطور اراده او است که هیچ فردی هلاک نگردد بلکه همه نجات یابند. وقتی در پی نجات گمشده‌ای هستیم، دیگر لازم نیست دعا کنیم: «اگر اراده تو است».

۲۵- سه دسته از چیزهایی که مردم برای آنها دعا می کنند نام ببرید؟

اما آیا شفا و رهایی در اراده خدا می باشند؟ آیا اینها به دسته دوم متعلق هستند یا دسته سوم؟ ما معتقدیم آنها به گروه دوم متعلق اند و دعا برای شفا و رهایی باید محدود به این کلمات شود: «اگر اراده تو است». چرا؟ به این دلیل که رسیدن به یک فرد گمشده مستلزم کشیدن درد و رنج و فداکاری است. و بعضی اوقات لازمه شبیه

مسیح شدن، داشتن صبر و حلمی است که از طریق بیماری فرا می‌گیریم. ملکوت و جلال خدا مهم‌تر از خواسته‌ها، جلال و راحتی ما است. مواقعی پیش می‌آید که نمی‌توانیم هر دو را داشته باشیم.

بنابراین، شفا و رهایی الهی ممکن است همیشه در اراده خدا نباشد. نمونه بسیار خوب برای این مطلب عبرانیان باب ۱۱ می‌باشد. نیمی از مردان ایمان رهایی یافتند و نیمی دیگر رستگار نشدند. آنانی که رهایی نیافتند، ایمانی کمتر از رهایافتگان نداشتند.

ما به پولس اشاره کردیم. او از درد خود رهایی نیافت. با تسلیم به اراده خدا قوت خدا را قدرتمندتر یافت چون خود ضعیف بود.

به عیسی اشاره کردیم. او از صلیب رهایی نیافت. ولی با تسلیم به اراده خدا نجات بشریت را ممکن ساخت.

لطفاً از این گفته‌ها تعبیر اشتباه نکنید. خدا شفا و رهایی می‌بخشد. «تأدیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخم‌های او ما شفا یافتیم» (اشعیا ۵۳:۵). عیسی، آنانی را که به نزدش می‌آمدند شفا می‌داد. او مرد مفلوج و مرد کور را شفا داد. دانیال از چاه شیران رهایی یافت. سه دوست عبرانی دانیال، از تون آتش رستگار شدند. دعا برای این چیزها صحیح و درست است. تنها نکته این است که بالاتر از همه این چیزها، باید در پی اراده خدا بود. جلال و ملکوت او بسیار مهم‌تر از راحتی و خواسته‌های ما می‌باشد. ما باید همیشه برای انکار نفسی که پیروی عیسی را به همراه دارد، آماده باشیم.

۲۶- اشعیا ۵۳:۵ را بخوانید و بگویید زخم‌ها و تأدیب عیسی چه چیزی را برای ما به ارمغان آورد.

اجازه دهید این مطلب را با این گفته تمام کنیم که شادی و خشنودی کامل تنها زمانی به دست می‌آید که ما در مرکز اراده خدا باشیم. انسانی که در مرکز اراده خدا قرار دارد، در زمان جفا می‌تواند سرود بخواند. انسانی که در مرکز اراده خدا قرار

دارد، زمانی که بر صلیب قرار گرفته، می‌تواند دعا کند که «ای پدر آنها را ببخش».

پولس وقتی که گفت «خدای من همه احتیاجات شما را رفع خواهد نمود» (فیلیپان ۱۹:۴)، در مرکز اراده خدا قرار داشت. او در زندان روم در بند بود. یوحنا وقتی که نوشت: «ای حبیب، دعا می‌کنم که در هر وجه کامیاب و تندرست بوده باشی چنانکه جان تو کامیاب است» (سوم یوحنا آیه ۲) در مرکز اراده خدا قرار داشت. او به جزیره پطمس تبعید شده بود، جایی که گرسنگی، فقر و تنفر نمی‌توانستند دولتمندی جلالی را که در عیسی مسیح داشت از او ببرایند. مبارک است کسی که یاد گرفته اینگونه دعا کند: «نام تو مقدس باد، ملکوت تو بیاید، اراده تو چنانکه در آسمان است بر زمین نیز کرده شود».

۲۷- در مرکز اراده خدا چه چیزی می‌توان یافت؟

خودآزمایی

پاسخ کوتاه

- ۱- دو چیزی که اراده خدا می‌باشند، نام ببرید.
- ۲- روح چگونه از طریق ما دعا می‌کند؟
- ۳- چطور ممکن است خدا در پاسخ به دعاها ما محدود شود؟
- ۴- دو نمونه‌ای را که انجام نقشه خدا را محدود می‌کنند، نام ببرید؟
- ۵- اعمال ۱:۲-۴ را بخوانید. بگویید وقتی مردم با هم دعا کردند، چه اتفاقی افتاد.
- ۶- چه اتفاقی می‌افتد وقتی اراده انسان با اراده خدا همسو می‌شود؟
- ۷- سه دسته از دعاها را که مردم می‌کنند، نام ببرید.

این آخرین درس از بخش دوم می‌باشد. بعد از انجام این خودآزمایی، درس ۴-۶ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی شماره ۲ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۱۴- چون آنها بدون خدا با هم متحد شده بودند تا شورش و طغیان نمایند.

۱- خدا به ما عقل سلیم داده تا بتوانیم در مورد چیزهایی که مانع یا کمکی برای نقشه خدا نیستند، تصمیم‌گیری کنیم.

۱۵- صحبت متقابل با خدا در ستایش و شکرگزاری.

۲- (a) غلط

(b) صحیح

(c) صحیح

(d) غلط

۱۶- (a) ۳) فیلیپیان ۱۹:۴

(b) ۱) یوحنا ۷:۱۵

(c) ۴) متی ۲۰:۱۷

(d) ۲) متی ۲۶:۱۹

۳- توسط احساس درونی یعنی صدای روح.

۱۷- اطاعت از فرامین او، داشتن ایمان، عدم خودخواهی، شناخت کلام.

۴- (a) صحیح

(b) غلط

(c) صحیح

(d) صحیح

۱۸- (a) صحیح

(b) صحیح

(c) غلط

(d) صحیح

۵- بروید، شاگرد سازید، تعمید و تعلیم دهید.

۱۹- اگر در مسیح بمانید و کلام در شما بماند.

۶- آنانی که دعا می‌کنند، موعظه می‌کنند. کار می‌کنند، می‌بخشند، بنا می‌کنند، تسلی می‌دهند، شهادت می‌دهند.

۲۰- او می‌خواست اراده پدر خود را انجام دهد.

۷- (d) روح القدس

۲۱- عیسی، پولس

۸- زیرا نمی‌دانیم که چطور باید دعا کرد.

۲۲- (a) صحیح

(b) غلط

(c) صحیح

(d) صحیح

۹- به زبانی دیگر، به ناله‌هایی که نمی‌شود بیان کرد.

۲۳- درد و رنج و انکار نفس

۱۰- در مرکز اراده خدا

۲۴- آنها به نیت بد سؤال می‌کنند تا در لذات خود صرف نمایند.

۱۱- چون آنها زمانی اطاعت خواهند کرد که شرایط آنان پذیرفته شوند.

۲۵- (۱) چیزهایی که با اراده خدا تضاد دارند.

(۲) چیزهایی که ممکن است برطبق اراده او باشند یا ممکن است نباشند.

(۳) چیزهایی که به وضوح در اراده او هستند.

۱۲- آنها خدا را امتحان کردند و او را محدود نمودند.

۲۶- ما سلامتی و شفا یافتیم.

۱۳- a) صحیح

b) صحیح

c) صحیح

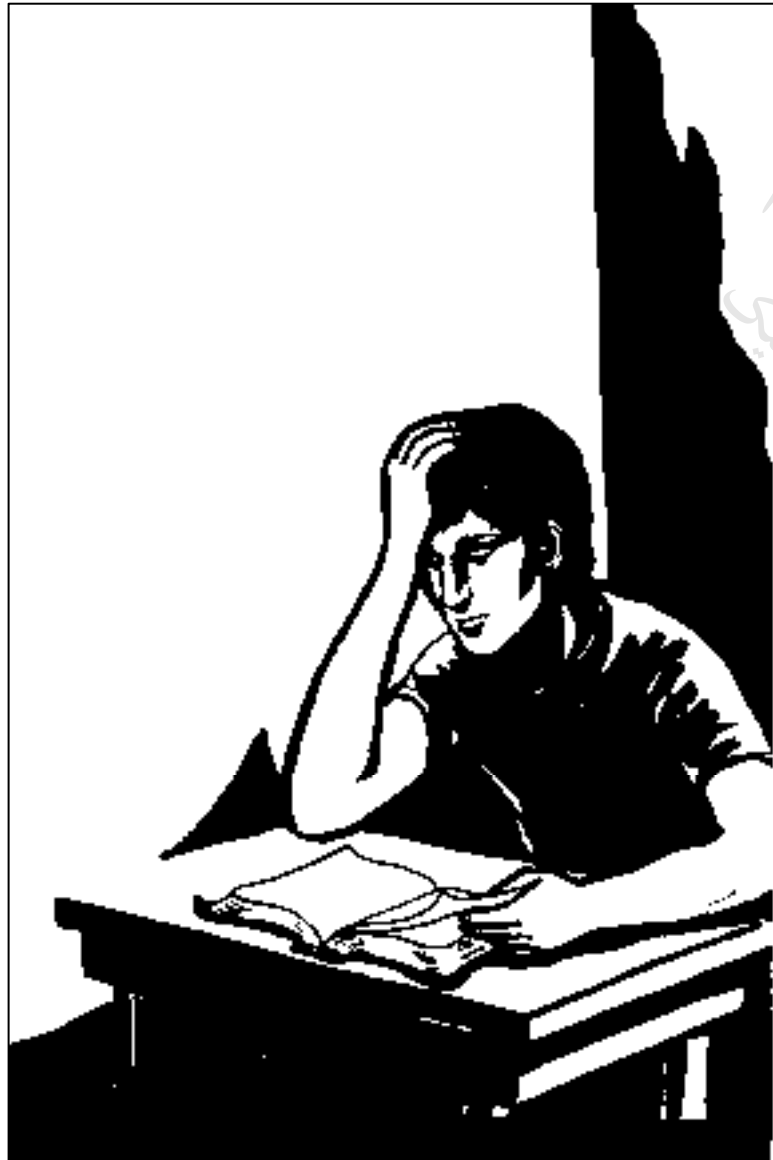
d) غلط

۲۷- شادی و خشنودی کامل

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

بخش سوم

دعا نیازها را برآورده می سازد



انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

رفع مایحتاج زندگی

«نان کفاف ما را امروز به ما بده» (متی ۱۱:۶)

«به ما بده.» بیشتر شبیه به دعا‌های عادی ما است! به من غذا بده! به من خانه بده! به من شغل بده! به من پول بده! بده، بده، بده! این تنها روش دعایی است که بعضی از مردم یاد گرفته‌اند. در واقع آنها تا وقتی که نیازی ندارند، دعا نمی‌کنند و بعد تنها چیزی که می‌گویند «به ما بده» است!

چقدر شرم‌آور است! چنین افرادی فکر می‌کنند که خدا زمانی خوب است که هر آنچه می‌خواهند، به آنها بدهد. آنها خدا را مانند انبار کالایی می‌بینند که در آنجا ضروریات زندگی نگهداری می‌شوند. آنها وقتی محتاج چیزی می‌شوند، به حضور او می‌روند.

خدا به ما وعده داده تا تمام احتیاجات ما را رفع کند. او برای هر کس به اندازه کافی غذا دارد. خدا می‌خواهد ما در طلب او باشیم، اما نه به خاطر چیزهایی که می‌خواهیم به ما بدهد بلکه از روی عشق و محبت به او. ببینید، خدا در پی چیزی است که تنها ما می‌توانیم به او بدهیم. او محبت و پرستش ما را می‌خواهد. او جویندگان خود را پاداش می‌دهد (عبرانیان ۶:۱۱).



رئوس مطالب

موضوع اشتیاق

استفاده از خدا

چیزهایی که بی‌ایمانان در پی آن هستند

چیزهایی که باید در پی آن بود

موضوع فراوانی

میزان ایمان

کانال برکت

موضوع درخواست

انگیزه شریعت

انگیزه محبت

اهداف درس

پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:

- ارتباط دعا و پرستش را با نیازهایی که توسط خدا رفع می‌شوند، تشخیص دهید.
- عطا «بخشش» را توضیح دهید.
- مسئولیت‌ها و فوایدی را که عطا «بخشش» برای خدمت دارد، تشخیص دهید.
- انگیزه‌های مردم را در بخشش‌هایشان با هم مقایسه کنید و انگیزه خودتان را از دادن ارزیابی نمایید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- دو تصویر به کار رفته در این درس را ترسیم کنید و آنها را توضیح دهید.
- ۲- اول قرن‌تین ۱۴:۹ را بخوانید و کلمه «همچنین» را که پولس به آن اشاره دارد، توضیح دهید. همین‌طور اعداد ۲۴-۲۱:۱۸ و لاویان ۳۰:۲۷ را بخوانید.
- ۳- اگر شما علاقه‌مند به «عطای بخشش» هستید، منتظر فراوانی نباشید بلکه آنچه را که دارید، با کسی که همین امروز در نیاز است، قسمت نمایید.
- ۴- در هر وعده از غذا، سر سفره دعا کنید و بخواهید که خداوند آن را برکت دهد.
- ۵- متن درس را بخوانید. پاسخ سؤالات مربوط به متن و خودآزمایی درس را بدهید.

متن درس

موضوع اشتیاق

چهار درس پایانی این کتاب، سخن از احتیاجات انسان می‌کنند. عیسی اشاره به غذا، بخشش، آزمایش و رهایی نمود. در این درس، ما نیاز به غذا یا آنچه را که او «کفاف» می‌خواند، بررسی خواهیم کرد. کفاف آن چیزهایی است که ما برای زیستن احتیاج داریم که از آن جمله می‌توان به: غذا، لباس، تحصیلات، خانه، پول و غیره اشاره کرد. ما می‌خواهیم نشان دهیم که خدا آنچه را که ما نیاز داریم مهیا خواهد کرد به شرطی که ما بالاتر از هر چیزی متمرکز بر ملکوت او باشیم.

۱- در این درس، کلمه «کفاف» اشاره به چیست؟

خدا در فکر احتیاجات ما می‌باشد. وقتی دعا می‌کنیم، او گوش می‌دهد. «و این است آن دلیری که نزد وی داریم که هر چه برحسب اراده او سؤال نماییم ما را

می‌شنود» (اول یوحنا ۵:۱۴). پس می‌توانیم برای «هر چیزی» دعا کنیم، به شرطی که این کلمات را به دعای خود اضافه کنیم: «اگر خدا بخواهد» (یعقوب ۴:۱۵). درخواست «هر چیزی» از خدا اشتباه نیست. تنها زمانی اشتباه است که بدانیم خدا نمی‌خواهد ما آنها را داشته باشیم ولی علیرغم این مطلب به درخواست خود ادامه بدهیم.

۲- چه وقت اشتباه است که ما این «چیزها» را از خدا بخواهیم؟

وقتی برای هر چیزی دعا می‌کنیم، خوب است مطالب زیر را فراموش نکنیم:

- ما سعی نداریم که خدا را مجبور به توجه بکنیم. خدا محبت است. خدا بیش از ما به فکر احتیاجات ما است. او می‌خواهد به ما کمک کند.
- ما نمی‌خواهیم به خدا چیزی بگوییم که او نمی‌داند. قبل از اینکه ما دهان خود را باز کنیم، او می‌داند به چه چیزهایی احتیاج داریم. او به ما می‌گوید وقتی که دعا می‌کنیم نباید «مانند امت‌ها تکرار باطل» نماییم (متی ۶:۷).
- ما چیزی را نمی‌خواهیم که او نتواند آن را به‌جا آورد. نزد خدا هیچ چیز غیرممکن وجود ندارد.

«ولی» ممکن است که شما پرسید: «اگر خدا بیش از خودمان به ما توجه دارد و اگر او قبل از درخواست ما، همه چیز را می‌داند و اگر او قدرت پاسخ دادن را دارد، پس دیگر چه لزومی دارد که ما دعا کنیم! چرا خدا بدون درخواست، احتیاجات ما را رفع نمی‌کند؟»

پاسخ به این سؤالات یکی از عجایب بزرگ نقشه خدا است. خدا تصمیم گرفته است در آنچه که انجام می‌دهد، انسان را نیز به‌کار گیرد. خواست خدا این نیست که انسان را کمک کند مگر اینکه انسان مایل به دریافت این کمک باشد. برای این است که ما باید دعا کنیم و ایمان داشته باشیم. به این ترتیب، دست‌های خدا را «باز»

می‌کنیم. یعنی اینکه خواست خود را با خواست او وفق می‌دهیم و خدا پاسخ دعا‌های ما را می‌دهد!

۳- وقتی ما برای «هر چیزی» دعا می‌کنیم باید به یاد آوریم که خدا.....

a) علاقه‌ای به دعایی که در مورد احتیاجاتمان می‌کنیم، ندارد.

b) قبل از اینکه از او درخواستی کنیم، احتیاج ما را می‌داند.

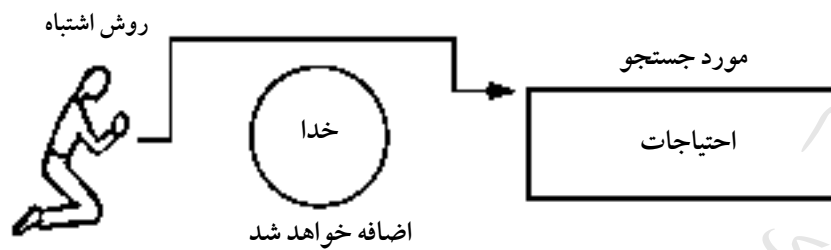
c) بدون درخواست احتیاجات ما را مهیا می‌کند.

دعا برای احتیاجات زندگی، تنها بخش کوچکی از دعا کردن است. ستایش، پرستش و شکرگزاری باید مقدم باشند. نام، ملکوت و اراده او باید در اولویت باشند. این، دعایی است که عیسی می‌کرد. او وقت زیادی را صرف خواسته‌های شخصی خود ننمود. وقتی هم که این گونه دعا می‌کرد، دعا‌های او کوتاه و ساده بودند. او برای هر چیزی مانند یک گدا به حضور خدا نمی‌رفت. او می‌دانست که اگر در زندگی در پی اراده خدا که بالاتر از هر چیز دیگری است باشد، احتیاجات او رفع خواهند شد.

استفاده از خدا

بیاید آنچه را که در مورد نیازهای «اساسی» گفتیم، در زندگی خود به کار ببریم. نیازهای اساسی «مزید» خواهند شد اگر ما بالاتر از هر چیزی، متوجه و علاقه‌مند به ملکوت خدا باشیم. اما باید مواظب باشیم. نباید ملکوت خدا را «دستاویزی» جهت رفع «نیازهایمان» قرار دهیم. بعضی از مردم می‌گویند: «اگر شما خدا را در زندگی در مقام اول قرار دهید، آن وقت شغل خوبی خواهید داشت» یا «اگر ده یک خود را بدهید، آن وقت ثروتمند خواهید شد» یا «اگر زیاد دعا کنید، در مدرسه موفق خواهید شد». حالا کمی فکر کنید! آیا در این گونه سخنان چیز اشتباهی هست؟ بله، در این گونه سخنان یک چیز اشتباه و غلط وجود دارد. آیا متوجه آن اشتباه شدید؟ شما در واقع از خدا «استفاده» می‌کنید تا چیزی را به دست آورید. شما در طلب خدا نیستید،

شما در پی شغل، ثروت یا موفقیت هستید. منتها با استفاده از خدا می‌خواهید به احتیاجات خود برسید.



۴- در تصویر بالا چه چیزی در دعای این شخص اشتباه است؟

وقتی عیسی مردم را غذا داد، آنها او را پیروی کردند. او گفت: «مرا می‌طلبید نه به سبب معجزاتی که دیدید بلکه به سبب آن نان که خوردید و سیر شدید» (یوحنا ۶:۲۶). بعد او ادامه داد: «من نان حیات هستم، کسی که نزد من می‌آید هرگز گرسنه نشود» (یوحنا ۶:۳۵). بالاخره یوحنا ۶:۶۶ می‌گوید: «بسیاری از شاگردان او برگشته، دیگر با او همراهی نکردند». عیسی می‌خواست مردم در طلب او باشند. اما مردم تنها در پی نان بودند!

۵- یوحنا ۶:۲۶-۶۶ را بخوانید. چرا مردم عیسی را ترک کردند؟

چیزهایی که بی‌ایمانان در پی آن هستند

درخواست‌های فرزندان خدا در دعا نباید مانند بی‌ایمانان باشد. عیسی گفت: «انسان نه محض نان زیست می‌کند» (متی ۴:۴). او این جملات را زمانی بیان کرد که شریر سعی داشت او را وسوسه کند تا از قدرت خدا به نفع خود جهت مهیا کردن غذا استفاده کند.

زندگی بیش از یک شغل است. زندگی بالاتر از غذا خوردن است. برای همین است که عیسی به ما آموخت تا برای چیزهایی دعا کنیم که خیلی مهم‌تر هستند.

او گفت: «گنج‌ها برای خود بر زمین نیندوکید» (متی ۱۹:۶).

عیسی گفت: «هیچ کس دو آقا را خدمت نمی‌تواند کرد» (متی ۲۴:۶).

او گفت: «بنابراین به شما می‌گویم از بهر جان خود اندیشه نکنید که چه خورید یا چه آشامید» (متی ۲۵:۶).

بنابراین عیسی در متی ۳۱:۶-۳۴، کلامی را گفته که نشان‌دهندهٔ فرق بین ایماندار و یک بی‌ایمان می‌باشد یعنی بین فرزند خدا و فرزند شریر. او گفت: «پس در اندیشه فردا نباشید زیرا فردا اندیشهٔ خود را خواهد کرد. بدی امروز برای امروز کافی است».

۶- جملات صحیح را مشخص کنید.

(a) انسان نمی‌تواند هم خدا و هم پول را خدمت کند.

(b) انسان باید قبل از هر چیزی برای خود گنج‌ها بر روی زمین بیندوزد.

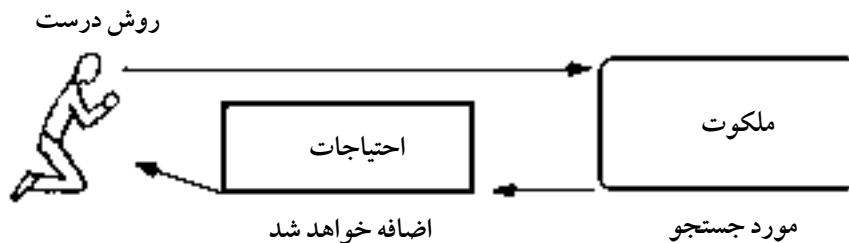
(c) انسان نباید نگران آب و غذای خود باشد.

(d) اگر انسانی در فکر غذای خود باشد یک بت پرست است.

چیزهایی که باید در پی آن بود

عیسی به صحبت خود ادامه داد و گفت: «لیکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد» (متی ۳۳:۶).

توجه کنید که ایماندار در پی ملکوت خدا است. آب و غذا و پوشاک چیزهایی هستند که اضافه خواهند شد.



البته این مطالب خیلی ایده‌آل به نظر می‌آیند. ولی واقعاً کارآیی نیز دارند؟ آیا واقعاً احتیاجات اولیهٔ انسانی که در پی ملکوت خدا است رفع خواهند شد؟ آیا انسان نباید به فکر زندگی خود باشد؟ مطمئناً خدا می‌داند که باید احتیاجات خانواده و خوراک خود را رفع کنیم! آیا اشتباه است که در پی کسب پول باشیم؟ آیا نباید به فکر همسر و فرزندان خود باشیم؟

دوست عزیز اجازه دهید به شما این اطمینان را بدهم که خدا به فکر احتیاجات شما است. او مراقب شما است. خدا محبت است و بیش از هر انسان دیگری به شما توجه دارد. بنابراین، او می‌خواهد شما نیز مراقب خودتان باشید. او می‌خواهد شما از خانواده خود حمایت کنید. او می‌خواهد شما همسر و فرزندان خود را دوست بدارید و مراقب آنها باشید. از اینکه او می‌خواهد که ما به طرز صحیح دعا کنیم، می‌فهمیم که به ما توجه دارد. با پیروی از روش دعای او است که همه چیزهایی که نیاز داریم، رفع خواهند شد.

رومیان ۱۷:۱۴-۱۹ به ما کمک می‌کند تا آنچه را که عیسی تعلیم می‌دهد، بهتر بفهمیم. پولس می‌گوید: «ملکوت خدا اکل و شرب نیست بلکه عدالت و سلامتی و خوشی در روح القدس. زیرا هر که در این امور خدمت مسیح را کند، پسندیدهٔ خدا و مقبول مردم است، پس آن اموری را که منشأ سلامتی و بنای یکدیگر است پیروی نمایید.»

۷- جملات صحیح را مشخص کنید.

رومیان ۱۷:۱۴-۱۹ می‌گوید...

(a) ملکوت خدا اکل و شرب نیست.

(b) ملکوت خدا محبت است.

(c) متمرکز چیزهایی بشوید که سلامتی را با خود به ارمغان می‌آورند.

آنچه را که عیسی و پولس تعلیم دادند این است که ما باید «متمرکز» و یا بالاتر از هر چیزی «متوجه» چیزهای مهم‌تر باشیم. اگر این کار را انجام دهیم، خدا «چیزهای»

دیگر را مهیا خواهد نمود. اگر ما در پی ملکوت باشیم، غذا در پی ما خواهد بود! خدا این اطمینان را می‌دهد که این کار خواهد شد! آیا این موضوع احمقانه و ساده نیست؟ احمقانه نیست، اما ساده است؛ به شرطی که ایمان داشته باشید!



آنانی که تنها در پی «این چیزها» هستند هرگز راضی نخواهند شد. آنها مانند زنی هستند که هر روز برای رفع تشنگی خود به سر چاه می‌آمد. عیسی گفت: «کسی که از آبی که من به او می‌دهم بنوشد، تا ابد تشنه نخواهد شد» (یوحنا ۴:۱۴). او صحبت از روش بهتری برای زندگی می‌کرد تا اینکه فکر کنیم تنها دویدن در پی آب و غذا است.

آنانی که در پی ملکوت خدا هستند، این وعده را دارند که خدا «هر روز» نیازهای آنان را رفع خواهد کرد. ایمان در ملکوت خدا، ایمان «هر روزه» است. ما این چنین دعا می‌کنیم: «نان کفاف ما را امروز به ما بده» (متی ۶:۱۱).

موضوع فراوانی

میزان ایمان

رومیان ۳:۱۲ می‌گویند که هر یک از ما باید به اعتدال فکر نماییم، به اندازه آن «بهره ایمانی» که خدا به هر کس قسمت فرموده است. به همه ایمانداران از جانب خدا ایمانی داده شده که به آنها کمک کند تا سهم خود را در نقشه خدا انجام دهند. به بعضی، بیش از دیگران ایمان داده شده است. لازمه بعضی عطایا، ایمان بزرگتر از دیگر عطایا است.

۸- جملات صحیح را مشخص کنید.

- (a) خدا به همه انسان‌ها به یک میزان ایمان عطا می‌کند.
 (b) هر ایمانداری دارای ایمانی است که خدا به او داده است.
 (c) بعضی عطایا مستلزم داشتن ایمانی بزرگتر از دیگر عطایا هستند.

خدا به ما گفته است: «لکن نعمت‌های بهتر را به غیرت بطلبید» (اول قرنتیان ۱۲: ۳۱). اگر بخواهیم نعمت‌ها و عطایای مهم‌تر را به طرز صحیحی به کار ببریم، لازم است که برای آنها دعای بیشتری بکنیم. بعضی از عطایا انسان را مغرور می‌کنند. برای همین است که خدا اجازه داد تا پولس خاری در جسم داشته باشد، «تا آنکه از زیادتی مکاشفات زیاده سرافرازی ننمایم» (دوم قرنتیان ۷: ۱۲).

در اینجا می‌خواهیم به عطایی که باعث وسوسه زیادی می‌شود، بپردازیم. این عطا، عطای سخاوت و بخشش می‌باشد (رومیان ۸: ۱۲) و تنها به عده معدودی داده می‌شود. چرا؟ اجازه دهید موضوع را بررسی کنیم.

۹- چرا عطایا مستلزم دعای بیشتری هستند؟

کانال برکت

خداوند هنگام صحبت در مورد افراد ثروتمند، کلمات بسیار جدی به کار برد. او گفت: «گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسان‌تر است از دخول شخص دولتمند در ملکوت خدا» (متی ۲۴: ۱۹). واقعاً این سخنان، کلماتی بسیار جدی و تند هستند! در یعقوب ۵: ۱-۶ اشاره به افراد ثروتمندی شده که ثروت خود را از راه خوردن حق کارگران خود به دست آورده‌اند. آن وقت بعد از اینکه از راه فریب کارگران خود ثروتی به هم زدند، آن را ذخیره نمودند و برای هدف خوبی به کار نبردند. کلام خدا می‌فرماید: «طلا و نقره شما را زنگ می‌خورد و زنگ آنها بر شما شهادت خواهد داد و مثل آتش گوشت شما را خواهد خورد. شما در زمان آخر خزانه اندوخته‌اید» (آیه ۳). گناه اینها این نبود که ثروتمند بودند. بلکه راه و روش ثروتمند شدنشان گناه بود؛

یعنی فریب دادن مردم. گناه آنها این بود که ثروت خود را در راه‌های خودخواهانه به کار می‌بردند و نه برای چیزهای خوب.

۱۰- آیا گناه است که انسان ثروتمند شود؟ توضیح دهید.

خیلی از مردم نمی‌توانند در برابر حس خودخواهی که ثروت با خود به ارمغان می‌آورد، مقاومت کنند. «اما آنانی که می‌خواهند دولتمند شوند گرفتار می‌شوند در تجربه و دام و انواع شهوات بی‌فهم و مضر که مردم را به تباهی و هلاکت غرق می‌سازند» (اول تیموتائوس ۹:۶). بنابراین برای اکثر مردم، خدا تنها تأمین‌کننده احتیاجات آنان است. چون اگر بیشتر ببایند، اشتهايشان نیز برای این «چیزها» افزایش می‌یابد و اغلب فراموش می‌کنند که متمرکز ملکوت خدا شوند.

تنها ایمانداران معدودی هستند که خدا می‌تواند به آنها اعتماد کند چون می‌داند که آنها ثروت خود را به طور مناسب برای ملکوت او به کار خواهند برد. به آنها او عطای «بخشش و سخاوت» را عطا می‌فرماید. چه عطای عالی‌ای است. ولی چقدر برای اینکه این عطا به طرز صحیح به کار رود، لازم است که دعا کرد.

افراد خدا ترسی هستند که می‌دانند چگونه باید پول در بیاورند. اگر آنها بالاتر از هر چیزی متمرکز ملکوت خدا شوند، خدا نیز کار آنها را برکت خواهد داد. این مردم خدا ترس، مرتکب اشتباه مردم ثروتمندی که در یعقوب ۱:۵-۶ به آنها اشاره شده، نمی‌شوند. آنها با فریب دیگران، برای خود ثروت دست و پا نمی‌کنند. آنها ثروت خود را انبار نمی‌کنند تا آن را برای مقاصد خودخواهانه به کار ببرند. آنها خود را خادمین خدا می‌دانند که خدا به آنها اعتماد کرده تا ثروت خود را در راه ملکوت او به کار ببرند. افرادی با این عطا، مخارجی را که لازمه کار خداست تأمین می‌نمایند. آنها مانند لوله‌ای هستند که آب از آن مسیر حرکت می‌کند. آنها کانال و معبر برکت هستند.

۱۱- یک فرد ثروتمند چه تفکری باید درباره ثروت خود داشته باشد؟

مردمی که «عطای بخشش» دارند، ثروت خود را برای خود نگه نمی‌دارند بلکه اجازه می‌دهند تا ثروت از طریق آنان برای کار خدا صرف شود.

حائز اهمیت است که بدانیم همان قانونی که در مورد افراد ثروتمند صدق می‌کند، در مورد افراد فقیر نیز صادق است. فرد «فقیری» که پول خود را از راه کلاهبرداری کسب می‌کند، به همان نسبت فرد ثروتمندی که پول خود را از این راه به دست می‌آورد بد است. فرد «فقیری» که پول‌های اندک خود را برای مقاصد خودخواهانه صرف می‌کند، به همان نسبت فرد ثروتمندی که ثروت خود را برای مقاصد خودخواهانه صرف می‌کند، بد است. موضوع مهم، میزان و مقدار پولی نیست که شما می‌بخشید، بلکه نیت عمل است. برای مثال، بیوه زن فقیری که کلام خدا می‌گوید، تنها دو فلس در صندوق بیت‌المال انداخت، آنچه را که داشت داد (مرقس ۱۲: ۴۲-۴۴). عیسی در مورد او گفت که عطای بخشش او عظیم‌تر از ثروتمندان بود. چرا؟ چون آنها از زیادتى خود دادند و باز پول زیادی برای آنها باقی مانده بود! ولی بیوه‌زن، با وجود فقر خود، آنچه را که داشت داد.

بیوه زن آنچه را که داشت داد! این سر «عطای بخشش» است. وقتی عیسی آقا و سرور زندگی ما باشد، بخشیدن کار ساده‌ای است. آن وقت طبق فرمان او خواهیم بخشید. خدا در پی مردانی است که در مورد خرج کردن پول در راه ملکوتش، بتواند به آنها اعتماد کند؛ کمی یا زیادی میزان پول اهمیت ندارد. او این گونه به افراد «عطای بخشش» را عنایت می‌فرماید!

۱۲- سر بخشنده‌گی در چیست؟

موضوع درخواست

به نظر می‌آید که پول، پاسخ احتیاجات فراوانی است. طمع (عشق به پول) سرچشمه تمامی شرارت‌ها و بدی‌ها است. البته پول به خودی خود بد نیست. نحوه

بکارگیری و مصرف پول، آزمایش خوبی است برای نشان دادن اولویت‌ها و زندگی روحانی ما.

۱۳- اول تیموتائوس ۶:۱۰ را بخوانید. منشأ تمامی بدی‌ها چیست؟

انگیزه شریعت

هر ایمان‌داری باید ده درصد درآمد خود را به خدا برگرداند. این را ده یک می‌نامیم. ولی چرا باید یک ایمان‌دار ده یک بدهد؟ آیا این کار را باید به خاطر تعلیم کتاب مقدس انجام بدهد؟ آیا باید این کار را به این دلیل که قانون کلیسای او است انجام بدهد؟ چرا باید یک ایمان‌دار ده یک بپردازد؟ انگیزه او از دادن ده یک چه باید باشد؟ ده یک، یک شکل از پرستش خدا است. ما ده یک می‌دهیم، چون خدا را دوست داریم و می‌خواهیم از او به خاطر آنچه که برای ما مهیا نموده، تشکر کنیم. دادن، پرستش است. و پرستش، دادن است! پرستش، تنها بیان تعدادی کلمات نیست بلکه شامل دادن پولمان نیز می‌شود.

۱۴- یک ایمان‌دار باید ده یک بدهد چون

- a) شریعت این را مطالبه می‌کند.
- b) با این کار ثروتمند خواهد شد.
- c) انگیزه او عشق به خداوند است.
- d) با انجام ندادن این کار شرم‌منده خواهد شد.

بعضی از مردم ده یک می‌دهند، چون کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که باید ده یک داد. ابراهیم به ملک‌یصدق ده یک داد، که نمونه‌ای از مسیح بود (پیدایش ۱۴:۲۰). یعقوب قبل از آمدن شریعت توسط موسی، ده یک داد (پیدایش ۲۸:۲۲). ملاکی می‌گوید کسی که ده یک نمی‌دهد، در واقع از خدا دزدی می‌کند (ملاکی ۳:۸).

۱۵- کتاب مقدس می گوید که.....

- (a) ابراهیم به مسیح ده یک داد.
- (b) یعقوب قبل از آمدن شریعت، ده یک می داد.
- (c) موسی اولین شخصی بود که ده یک داد.

عیسی گفت: «زیرا به شما می گویم تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود، به ملکوت آسمان داخل نخواهید شد» (متی ۲۰:۵). فریسیان ده یک می دادند. ما باید بیش از آنها امین باشیم! آنها ده یک می دادند، چون شریعت این را از آنان مطالبه می کرد. اگر قانونی نبود، آنها ده یک نمی دادند! فریسیان ده یک می دادند ولی این عمل را با میل و خواست قلبی انجام نمی دادند. آنها مقدار پولی که شریعت مقرر کرده بود، می پرداختند ولی انگیزه هایشان اشتباه بود.

فریسیان، شباهت فراوانی به بعضی از مسیحیان زمان ما دارند. بعضی از مسیحیان، در پی برکتی هستند که دادن ده یک دارد ولی علاقه ای به شخصی که برکت از جانب او است ندارند! آنها «خدا» را به عنوان «وسیله» رسیدن به «مقصود» خود به کار می برند! آنها وعده خدا را برای کسانی که ده یک می دهند می دانند، در نتیجه ده درصد درآمد خود را می دهند به این امید که خدا آنها را ثروتمند سازد. البته خدا آنها را برکت می دهد چون هر چند انگیزه آنان اشتباه است، ولی خدا حرف خود را عوض نخواهد کرد. وقتی انگیزه شما اشتباه است، برکت بزرگتری را از دست می دهید که بخشش بدون مقاصد خودخواهانه، به همراه دارد.

۱۶- ایمانداران می توانند بیش از فریسیان امین باشند وقتی بخشش آنها به خاطر

- (a) دیده شدن توسط مردم باشد.
- (b) محبت باشد.
- (c) پاداش باشد.

انگیزه محبت

این امکان وجود دارد که شخص دهیک بدهد ولی خدا را نپرستد. ولی نمی‌تواند او را بپرستد و دهیک ندهد. پرستش، باعث می‌شود که یک ایماندار بیش از دهیک خود بدهد. در واقع وقتی شخصی بیش از هر چیز در پی ملکوت خدا باشد، خود و آنچه را که دارد به خدا می‌دهد!

او در واقع ناظر پولی است که دریافت نموده و همه آن را برطبق اراده خدا خرج می‌کند. او می‌گوید: «خداوندا، همه این پول از آن تو است و من نیز به همراه آن مال تو هستم. مرا و پول مرا طبق اراده خود به کار ببر!» این یعنی نظارت! یک ناظر از آن آقای خود است. او ثروتی از خود ندارد. او مسئول ثروت آقای خود می‌باشد و آن را بر طبق فرمان آقای خود هزینه می‌کند. ناظر، غصه خود را نمی‌خورد چون می‌داند که آقايش تمامی نیازهای او را تأمین خواهد کرد. او می‌داند که ثروت آقايش بسیار فراوان است و اگر وفادار و امین بماند، چیزی کم نخواهد داشت. این تصویر زیبایی است از آنچه که مسیح برای یک ایماندار مهیا نموده است. آقای ما به فکر ما می‌باشد و نیازهای ما را رفع می‌کند. در عوض، ما این مسئولیت را داریم که ناظری امین برای ثروت آقای خود باشیم. همیشه باید به یاد بیاوریم که هر آنچه را که از راه درست به دست می‌آوریم، از آن خدا است. او خالق همه چیز است که پول ما را نیز شامل می‌شود.

بنابراین آنچه که در این درس می‌گوییم، این است که ایمانداری که بالاتر از هر چیزی در فکر ملکوت و جلال خدا است لازم نیست در مورد «تأمین زندگی» خود غصه بخورد. تمامیت زندگی او مملو از پرستش و تمجید خدا است. خدا از او مراقبت خواهد نمود!

همینطور ما این را می‌گوییم که شما نمی‌توانید دعا و پرستش را از زندگی یک ایماندار جدا سازید. دعای صحیح رفتار ما را تغییر خواهد داد. مطمئناً ما باید در راه رفع احتیاجات مالی خودمان و خانواده کوشش کنیم ولی نباید غصه بخوریم. وقتی

در دعا بالاتر از هر چیزی در پی ملکوت خدا باشیم او احتیاجات روزانه ما را رفع خواهد نمود.

۱۷- به چه طریق یک ایماندار ناظر است؟

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیک

خودآزمایی

پاسخ‌های کوتاه

- ۱- چرا خدا بدون درخواست، احتیاجات ما را رفع نمی‌کند؟
- ۲- وقتی برای مایحتاج زندگی خود دعا می‌کنیم، دو چیز را که نباید فراموش کنیم کدام‌ها هستند؟
- ۳- چرا «عطای بخشش» مستلزم دعای بیشتری است؟
- ۴- چگونه ایمانداران می‌توانند پا را فراتر از ایمان فریسیان بکنند؟
- ۵- چگونه نحوه استفاده از پول می‌تواند آزمایشی برای زندگی روحانی ما باشد؟
- ۶- سه ویژگی یک ناظر را نام ببرید.
- ۷- چگونه دعای صحیح می‌تواند نگرش ما را نسبت به رفع نیازهایمان تحت تأثیر قرار دهد؟

پاسخ صحیح تمرین‌ها

- ۹- تا بدانیم چگونه آنها را به طرز صحیح به کار ببریم.
- ۱- تمام آن چیزهایی که برای زیستن نیاز داریم از جمله: غذا، لباس، خانه، پول و غیره.
- ۱۰- نه، ثروتمند شدن گناه نیست. ولی ثروتمندان باید مراقب باشند تا ثروت خود را از راه‌های نادرست کسب نکنند و خودخواه نشوند.
- ۲- وقتی می‌دانیم که خدا نمی‌خواهد ما آنها را داشته باشیم ولی باز به درخواست خود ادامه می‌دهیم.
- ۱۱- باید فکر کند که او خادم خدایی است که به او اعتماد کرده تا ثروت خود را برای ملکوت او صرف کند.
- ۳- (b) قبل از اینکه از او درخواستی کنیم، احتیاج ما را می‌داند.
- ۱۲- وقتی مسیح بالاتر از هر چیزی در زندگی آقا و سرور ما می‌شود آن وقت به فرمان او بخشیدن کار راحتی است.
- ۴- او از خدا استفاده می‌کند تا به درخواست‌های خود برسد.
- ۱۳- طمع
- ۵- آنها تنها به دنبال نانی بودند که او می‌داد.
- ۱۴- (c) انگیزه او عشق به خداوند است.
- ۶- (a) صحیح
- (b) غلط
- (c) صحیح
- (d) غلط
- ۱۵- (b) یعقوب قبل از آمدن شریعت، ده یک می‌داد.

۷- a) صحیح

b) غلط

c) صحیح

۱۶- b) محبت باشد.

۸- a) غلط

b) صحیح

c) صحیح

۱۷- کار یک ایماندار پرستش و اطاعت از آقایش می باشد و اعتماد به او که مایحتاج زندگیش را تأمین خواهد کرد.

رفع نیازهای اجتماعی

«و قرض‌های ما را ببخش چنانکه ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم» (متی

۱۲:۶)

این درس، درس هشداردهنده‌ای است. ما در واقع شرایط بخشش و آمرزش خودمان را تعیین می‌کنیم. آیا امکان دارد با نبخشیدن دیگران بخشش الهی را از دست بدهیم؟ آیا علیرغم بی‌وفایی ما، خدا وفادار نخواهد بود؟ پاسخ منفی است.

آیا ممکن است با روحی که نمی‌بخشد دعا کرد و انتظار پاسخ از خدا داشت؟ آیا واقعاً می‌توانیم خدا را بپرستیم و در همان حال از برادر خود متنفر باشیم؟ آیا می‌توانیم برای افرادی که واقعاً آنها را دوست نداریم، دعا کنیم؟ آیا می‌توانیم خالق تمامی بشریت را بپرستیم در ضمن نخواهیم به انسان‌های دیگر نژادها و ملیت‌ها و اقوام، بشارت دهیم؟

دعا و پرستش، رفتار و حالت ما را نسبت به دیگران تغییر می‌دهد. کمی به این مطلب فکر کنید. ما به عنوان یک انسان، احتیاجات «اجتماعی» معینی داریم که لازم است رفع شوند. در صورتی که دعا نتواند ما را کمک کند تا همسایگان خود را محبت کنیم، پس هدف از دعا و پرستش چیست؟

رئوس مطالب

شرایط آمرزش گناهان

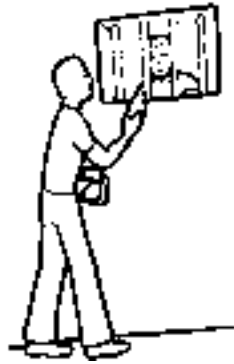
دعا برای بخشش خدا

دعا برای دریافت فیض برای بخشیدن

شرایط صلح

صلیب انسان

یوغ مسیح



اهداف درس

پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:

- چگونگی ارتباط بخشش خدا را با بخشیدن ما تشخیص دهید.
- توضیح دهید که صلیب انسان چیست و چگونه می‌توان آن را از طریق دعا و پرستش حمل نمود.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- اهداف این دوره را که در مقدمه کتاب آمده، مجدداً بخوانید و ببینید آیا می‌توانید مفاد آن را انجام دهید.
- ۲- متی ۱۴:۶ و ۱۵ و متی ۲۸:۱۱-۳۰ را یاد بگیرید.
- ۳- سؤالات خودآزمایی‌های مربوط به بخش دوم را مرور کنید.

شرایط آمرزش گناهان

در تعلیم عیسی، ارتباط آمرزش گناهان با دعا و پرستش بسیار روشن و واضح است. وقتی او دعا کرد، به آن اشاره نمود و بعد از دعا نیز به آن اشاره خاصی کرد. هر کسی می‌تواند دوستان خود را دوست داشته باشد و اکثر مردم آنانی را که دوست دارند، می‌بخشند. ولی بخششی را که عیسی در متی ۱۴:۶ و ۱۵ از آن صحبت می‌کند، آمرزش کسانی است که نسبت به ما خطا ورزیده‌اند. او صحبت از «دوستانی» که نسبت به ما خطایی ورزیده‌اند نمی‌کند. او تنها گفت: «آنانی که نسبت به ما گناهی و خطایی ورزیده‌اند». این شامل دشمنان، همچنین آنانی که حاضر به «عذرخواهی» از ما نیستند، نیز می‌شود.

۱- چرا بخششی را که عیسی از آن صحبت نمود مشکل است؟

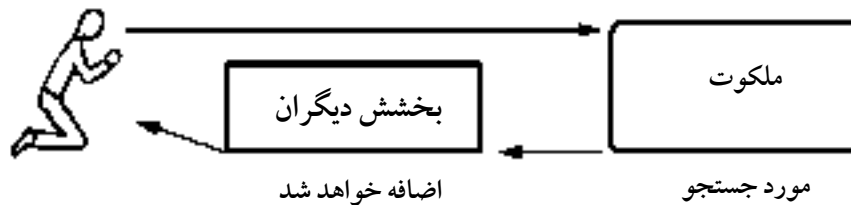
همچنین توجه داشته باشید که او نمی‌گوید: «همانطور که ما می‌خواهیم دیگران ما را ببخشند، تو نیز ما را ببخش». بلکه ما باید آنانی را که نسبت به ما خطا ورزیده‌اند، ببخشیم. ما باید از خدا بخواهیم که ما را ببخشد. به عنوان یک مسیحی، همچنین باید بخواهیم آنانی را که رنجانده‌ایم ما را ببخشند. آمرزش خدا نسبت به ما بر اساس خواهش ما از مردم برای بخشیدن نیست بلکه بر اساس بخشیدن دیگران است. ممکن است آنها از ما و خدا تقاضای بخشش نکنند. این مطلب نباید تأثیری بر عملکرد ما بگذارد اگر می‌خواهیم خدا ما را ببخشد، ما باید آنها را ببخشیم.

۲- جملات صحیح را مشخص کنید.

- a) ما باید آنانی را که نسبت به ما خطایی ورزیده‌اند، ببخشیم.
- b) ما باید آنانی را ببخشیم که ما را می‌بخشند.
- c) ما باید تنها دوستانمان را که نسبت به ما خطایی ورزیده‌اند ببخشیم.
- d) ما باید منتظر بمانیم تا آنانی را ببخشیم که از ما «عذرخواهی» می‌کنند.

بخشیدن کسی که از ما «عذرخواهی می‌کند» کار راحتی است. ولی بخشیدن کسی که نمی‌خواهد توبه کند، کار مشکلی است. در واقع این کار را شما نمی‌توانید انجام دهید. روح انسان، روحی نیست که بخواهد ببخشد. برای این است که در مورد موضوع آموزش، دعا و پرستش اینقدر اهمیت دارند. قبل از اینکه بخواهیم با انسان‌ها روابط صحیحی برقرار کنیم، باید ارتباط ما با خدا صحیح و درست باشد. برای این است که می‌گوییم آموزش آنانی که نسبت به ما خطا ورزیده‌اند، زمانی ممکن است که بالاتر از هر چیزی ابتدا متمرکز ملکوت خدا باشیم. آن وقت و تنها آن وقت این توانایی را می‌یابیم که آنانی را که نسبت به ما خطایی ورزیده‌اند، ببخشیم. این یکی از چیزهایی است که برای آنانی که در پی ملکوت خدا هستند، مزید یا اضافه خواهد شد. این یکی از چیزهایی است که خدا کمک می‌کند تا آن را انجام دهیم، وقتی بالاتر از هر چیزی او را پرستیم.

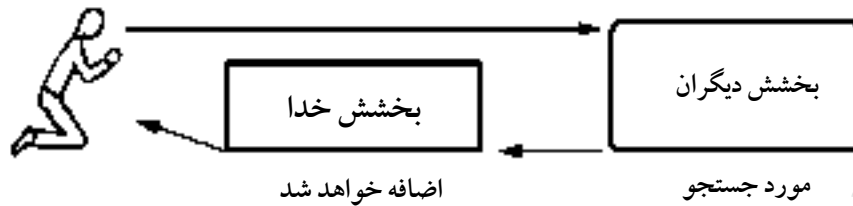
روش درست



۳- چرا برای بخشیدن لازم است که دعا کنیم.

متمرکز شدن بر ملکوت خدا در این قسمت کمی عجیب به نظر می‌آید، اینطور نیست؟ امکان دارد فکر کنید چون عیسی می‌گوید باید دیگران را ببخشیم، پس در واقع باید هدف ما بخشیدن دیگران باشد. در حالیکه هدف ما باید متمرکز بر ملکوت خدا باشد تا بخشیدن دیگران و در نتیجه بخشش خدا عملی گردد.

روش اشتباه



این روش به نظر صحیح می‌آید ولی فقط یک اشکال دارد. ما به دنبال بخشش از جانب آنانی که نسبت به ما خطا ورزیده‌اند، نیستیم. خدا از ما می‌خواهد که آنها را ببخشیم! ما به دنبال بخشش از جانب دیگران نیستیم. بلکه این ما هستیم که می‌خواهیم دیگران را ببخشیم. برای همین تصویر آخر اشتباه است. شما نمی‌توانید خودتان دیگران را ببخشید. این طبیعی نیست و انسان این کار را نخواهد کرد. این کار نیازمند کمک از بالا است و در واقع احتیاج به کمک خدا دارد. بنابراین پاسخ در تصویر اول است. در پی ملکوت و جلال خدا باشید، آن وقت خدا کمک خواهد کرد که حتی دشمنان خود را نیز ببخشید. او شما را هم خواهد بخشید!

۴- تفاوت دو تصویر قبل در چیست؟

دعا برای بخشش خدا

البته زندگی یک ایماندار با ایمان و بخشش الهی آغاز می‌شود. گناهکار در پی آمرزش است. خدا گناهان او را می‌بخشد چه او دیگران را بخشیده باشد یا نه. خدا او را می‌بخشد نه به این خاطر که او گناه را ترک نموده بلکه چون ایمان آورده است. ولی وقتی گناهکار ایمان می‌آورد، دیگر گناهکار نیست! او یک ایماندار است. سخنان عیسی در متی ۵: ۱۳-۵: ۶ خطاب به ایمانداران می‌باشد! عیسی می‌گوید: «ابتدا عدالت و ملکوت او را بطلبید که دیگر چیزها مزید خواهند شد» (متی ۳: ۳۳).

اینگونه است که بخشش دیگران ممکن می‌شود. خدا قدرت و فیض انجام این کار را آماده خواهد کرد.

۵- وقتی گناهکار در پی آمرزش خدا است،

(a) بخشیده می‌شود چون دیگران را بخشیده است.

(b) به خاطر ایمان خود بخشیده می‌شود.

(c) او به خاطر دست کشیدن از گناه بخشیده می‌شود.

۶- وقتی یک ایماندار در پی بخشش الهی است،

(a) بخشیده می‌شود چون دیگران را بخشیده است.

(b) برای اینکه خودش را بخشیده است.

(c) او به خاطر دست کشیدن از گناه بخشیده می‌شود.

دعا برای دریافت فیض برای بخشیدن

آیا تا به حال در قلب خود احساس تنفر داشته‌اید؟ آیا هستند کسانی که شما نمی‌خواهید آنها را ببخشید؟ آیا خود را یک مسیحی می‌نامید ولی مانند یک فرزند خدا عمل نمی‌کنید؟ خود را فریب ندهید. روز دیگری را با تلخی و روحی که نمی‌خواهد ببخشد سپری نکنید. بخواهید تا بیشتر شبیه مسیح شوید. بخواهید روح بخشش و روح محبت در شما بیاید. بخواهید تا روح صلح را داشته باشید. بخواهید تا روح عدالت در شما بیاید. در پی روح پر از شادی باشید. بخواهید تا این فیض بر شما بیاید تا مانند مسیح ببخشید! این همان منظور مسیح از بیان این کلام است که می‌فرماید بالاتر از هر چیزی متمرکز ملکوت خدا بشوید. ملکوت خدا، عدالت و صلح و خوشی است که روح القدس می‌دهد. ملکوت خدا را با خود داشته باشید آن وقت فیضی را که لازمه بخشش دیگران است خواهید داشت!

۷- اگر کسی در قلب خود تلخی دارد، چه باید بکند؟

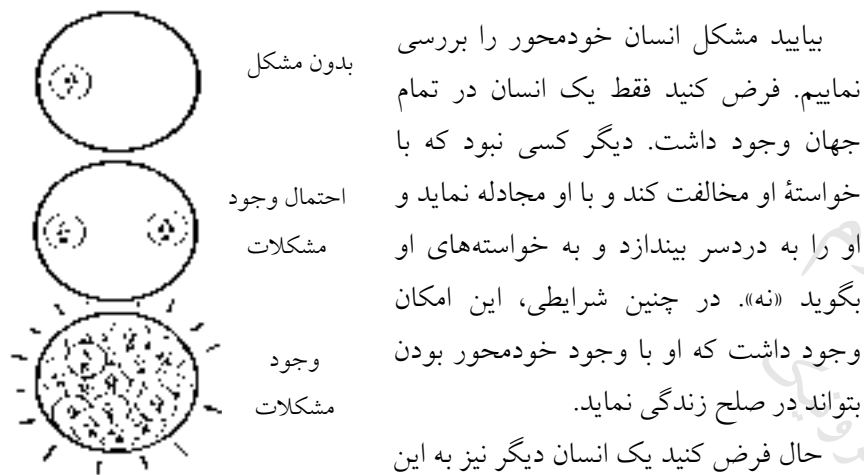
شرایط صلح

زندگی در صلح با همه مردم کار ساده‌ای نیست. هر انسانی با دیگری متفاوت است. قبیله‌ها با هم فرق دارند. ملت‌ها از یکدیگر متفاوت هستند. نژادها با هم متفاوت هستند. فرهنگ‌ها متفاوت هستند. دنیا از طبقات گوناگونی به وجود آمده که شامل اشخاص عالم و امی، ثروتمند و فقیر و غیره می‌باشد. مجدداً تکرار می‌کنیم که زندگی در صلح با همه انسان‌ها کار ساده‌ای نیست. رهبران دنیا مدام با این مشکل در ستیز هستند، ولی پیشرفت چندانی ننموده‌اند. انسان بر علیه انسان، زن بر علیه شوهر، بچه‌ها بر علیه والدین، ملت‌ها بر علیه یکدیگر وارد عمل می‌شوند، پاسخ صلح در کجا است؟ پاسخ در این است که اجازه دهیم عیسی به کمک ما بیاید تا صلیبمان را حمل کنیم.

صلیب انسان

عیسی گفت: «اگر کسی خواهد متابعت من کند، باید خود را انکار کرده و صلیب خود را برداشته از عقب من آید» (متی ۲۴:۱۶). صلیب انسان، انکار نفس است. انکار نفس برای انسان خودمحور، محال است. حمل صلیب کار دشواری است چون لازمه‌اش این است که ما دست از خواسته‌های خود برداریم تا بتوانیم با دیگران در صلح و صفا زندگی کنیم. برای همین است که تلاش ملت‌ها جهت برقراری صلح موفقیت‌آمیز نبوده است. برای این است که دنیا مملو از تنفر، جنگ و خشونت می‌باشد.

۸- صلیب انسان چیست و چرا حمل آن اینقدر دشوار است؟



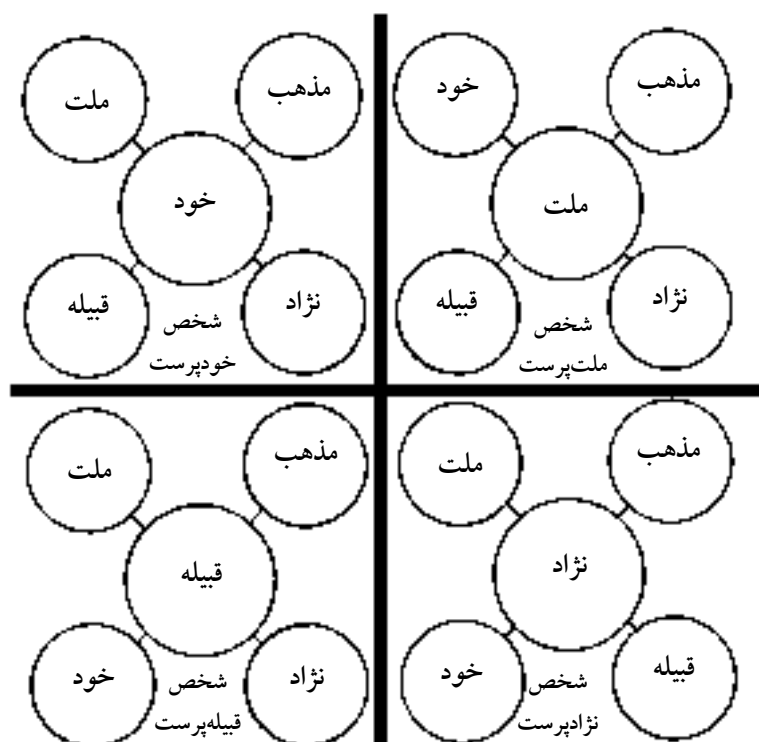
جهان اضافه شود. اکنون ما با دو خواسته طرف هستیم. اگر هر دوی این افراد خودمحور باشند، علاقه‌مند نخواهید بود که آنها را کنار هم قرار دهید چون خواسته‌های آنان با یکدیگر تضاد خواهند داشت. بنابراین یکی را در این گوشه جهان و دیگری را در گوشه دیگر جهان قرار خواهید داد.

اما چه اتفاقی می‌افتد وقتی ما انسان‌های خودمحور زیادی را به این کره خاکی اضافه کنیم؟ آنها مجبورند نزدیک به هم زندگی کنند و به‌زودی خواسته‌ها و فعالیت‌های آنان با یکدیگر در تضاد قرار خواهند گرفت. وقتی این اتفاق بیفتد، مطمئناً باید در انتظار برخورد عقاید و دردسر بود.

در دنیایی که مملو از هزاران هزار از این گونه مردم است صلحی وجود ندارد و آرامی نخواهد بود. چرا؟ چون جهان مملو از انسان‌های خودمحوری است که هر یک می‌خواهند اراده و خواسته آنان بر زمین عملی شود. و هر یک در برابر مخالفت با او عصبانی می‌شود.

۹- چرا اغلب در جایی که گروهی از مردم هستند، زدوخورد و اختلاف وجود دارد؟

بیایید با نگاه دقیق‌تری به یک انسان خودم‌محور بنگریم. او در مرکز تمامی آن چیزهایی که می‌بیند و می‌داند قرار دارد. با توجه به نحوه برخورد مردم با او، آنها را به دو گروه «خوب» یا «بد» تقسیم می‌کند. خوب یا بد بودن اعضای خانواده و قبیله‌اش بستگی به احترامی دارد که به او و عقایدش می‌گذارند. اگر برادرش با دختری ازدواج کند که خودش قصد ازدواج با او را داشت، برادر خود را در دسته «بد»ها خواهد گذاشت. اگر پدرش به او کاری بدهد پدرش را در دسته «خوب»ها قرار خواهد داد. وقتی به مردم دیگر ملل نگاه می‌کند، احتمالاً آنها را دشمن خود می‌شمارد و آنها را به «خوبی» ملت خود نمی‌داند. هم‌نژادهای او «بهتر» از دیگر نژادها هستند. تمام این قضاوت‌ها و نتیجه‌گیری‌ها به این علت است که او یا خودپرست، قبیله‌گرا، مذهب‌گرا، ملی‌گرا یا شاید نژادپرست است. آنچه را که گفتیم شما می‌توانید در تصویر زیر مشاهده بفرمایید:



۱۰- یک انسان خودمحور چگونه دیگران را مورد قضاوت قرار می‌دهد؟

حال هر یک از این مسائل در صورتی که انسان در پی آنها باشد می‌تواند باعث دردرس شود. در زمان جنگ، یک انسان با شخصیت و محترم، توسط دشمن «شریر» شناخته می‌شود نه به این دلیل که او خود فرد شروری است بلکه تنها به این دلیل که متعلق به ملتی است که با ملت او در جنگ است! وقتی نفس، قبیله، ملت یا نژاد در زندگی یک انسان مهم‌ترین چیز می‌شوند و در محور زندگی او قرار می‌گیرند، بقیه چیزها دور آنها می‌چرخند. معیار «خوبی» برای آنها آن چیزی است که در مرکز زندگی آنان قرار دارد. این موضوع دری را برای همه نوع درگیری و کشمکش باز می‌کند. پس ما به عنوان ایمانداران نباید اجازه بدهیم نظرم‌ان از عیسی منحرف شود چون او محور حقیقی و راستین زندگی ما است.

۱۱- محور و مرکز زندگی یک ایماندار باید باشد.

(a) نفس

(b) نژاد

(c) عیسی

(d) مذهب

یوغ مسیح

شرایط صلح آنگونه که عیسی می‌آموزد این است که باید نفس، خانواده، قبیله، ملت و نژاد را از مرکز زندگی‌هایمان برداریم و مسیح و ملکوت او را در آنجا قرار دهیم (رومیان ۸:۶). با انجام این کار معیار «خوبی» و «بدی» براساس چگونگی تأثیر آن بر ملکوت خدا خواهد بود.

این عمل، دنیا را به دو گروه تقسیم خواهد نمود یعنی فرزندان ملکوت خدا و آنانی که فرزندان شریر هستند. فرزندان خدا خشنود و خوشحال خواهند بود چون همه در پی یک چیز هستند. آنها در پی محترم شمردن اراده خدا هستند.

۱۲- راه حل مسیح برای صلیب انسان چیست؟

انسان خودمحور نمی‌تواند آنچه را که کلام خدا از آن به عنوان «آنچه در بالا است» یاد می‌کند درک کند. البته فرزند خدا باید یک انسان خودمحور را دوست داشته باشد و فرزند خدا باید در پی این باشد که انسان خودمحور را جذب ملکوت خدا نماید و بداند که مسیح با مرگش بر صلیب کاری کرده که حمل این صلیب یعنی انکار نفس، سبک باشد. این صلیبی است که همه انسان‌ها باید آن را حمل کنند. توجه داشته باشید که این صلیب برای انسان اجتناب‌ناپذیر ولی از طرف دیگر تحمل‌ناپذیر نیز می‌باشد. او نمی‌تواند نیاز به انکار نفس را به منظور زیستن با دیگران در این جهان نادیده بگیرد. ولی با این حال حاضر نیست دست از خواهش‌ها و «حقوق» خود بردارد. به خاطر این عدم تمایل به انکار خود، لازم است که قوانینی در اجتماع وجود داشته باشند تا او را وادار نمایند به دیگران احترام بگذارد و حقوق آنان را نادیده نگیرد. او از قوانین اطاعت می‌کند ولی با عصبانیت و تیره‌بختی چون انسان خودمحوری است.

۱۳- پیغام ایماندار به انسان خودمحور چیست؟



مسیح گفت: «بیایید نزد من، یوغ مرا بر خود گیرید» (متی ۱۱: ۲۸ و ۲۹). صلیبی که هر یک باید به تنهایی آن را حمل کنیم. انسان گناهکار این صلیب انکار نفس را تحمل‌ناپذیر می‌یابد. برای ایماندار، عیسی این صلیب را «یوغ» می‌نامد. چرا؟ چون یک یوغ وسیله‌ای است که هرگز به تنهایی حمل نمی‌شود. بنابراین

عیسی به ما می‌گوید: «صلیب خود را نزد من بیاورید ... ما با هم آن را حمل خواهیم کرد ... این یوغ، ما را در زیر این بار به هم مربوط خواهد ساخت ... و شما درخواهید یافت که یوغ من خفیف و بار من سبک است!»

۱۴- فرق بین صلیب و یوغ چیست؟

یکبار دیگر ما ارزش دعا و پرستش را می‌بینیم. سهم ما این است که این گفته مسیح را به‌جا بیاوریم یعنی «بیاید نزد من». وقتی در دعا به حضور عیسی می‌رویم، این بار زندگی کردن با دیگر مردم آسان می‌شود. آنانی که با افراد، خانواده‌ها، قبیله‌ها، ملت‌ها و نژادهای دیگر مبارزه می‌کنند، درمی‌یابند که عیسی پاسخ مشکل آنان است. با قرار دادن مسیح در مرکز زندگی‌هایمان این امکان به وجود می‌آید که در صلح با دیگر مردم زندگی نماییم. با تمرکز بر ملکوت خدا، بالاتر از هر چیز دیگری، ما در بخشش یکدیگر را می‌کشاییم و آن وقت است که بخشش خدا را می‌چشیم!

۱۵- یوغ مسیح خفیف است چون

- a) مشکلات مسیحیان به اندازه مشکلات گناهکاران نیست.
- b) مسیح آنجا است تا در این بار با ما سهیم شود.
- c) مسیح صلیب را از ما دور می‌کند.

هر چند مسیح مرکز زندگی‌های ما می‌باشد، ولی فامیل، ملت، قبیله، نژاد و مذهب هنوز هم برای ما مهم هستند. ما هنوز هم فرزندانمان و خانواده‌مان را دوست داریم ولی آنها مرکز زندگی ما نیستند بلکه مسیح است. این گفته به این معنی است که همه آنانی که به عیسی ایمان دارند برادران و خواهران ما هستند دیگر فرقی نمی‌کند که آنها از چه ملت، نژاد، مذهب یا قبیله باشند.

۱۶- ارتباط انسان‌هایی که از ملت‌های متفاوتی هستند ولی مسیح محور زندگی آنان است، چگونه می‌باشد.

بنابراین دعا و پرستش دارای اهمیت زیادی است. چون کمک می‌کند تا ما مسیح را در مرکز زندگی مان قرار دهیم. وقتی مسیح محور زندگی ما است، این امکان به وجود می‌آید که با دیگر مردم در صلح و صفا زندگی کنیم.

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیک

خودآزمایی

پاسخ‌های کوتاه

- ۱- چرا برای عفو و بخشش نیاز به دعا کردن داریم؟
- ۲- چگونه در طلب ملکوت خدا بودن، ما را در دعا برای بخشیدن دیگران کمک می‌کند؟
- ۳- چگونه ممکن است آنانی را که نسبت به ما خطا ورزیده‌اند، ببخشیم؟
- ۴- صلیب انسان چیست؟
- ۵- چگونه انسان خودم‌محور نسبت به خوبی و بدی مسائل اطراف خود قضاوت می‌کند؟
- ۶- پنج چیزی را که می‌توانند در مرکز و محور زندگی انسان قرار گیرند نام ببرید؟
- ۷- راه حل مسیح برای صلیب انسان چیست؟

پاسخ صحیح تمرین‌ها

- ۹- چون هر یک می‌خواهند خواسته او انجام شود.
- ۱- چون شامل آمرزش همه آنانی می‌شود که نسبت به ما خطا ورزیده‌اند.
- ۱۰- قضاوت او بر پایه نحوه برخورد و عملکرد دیگران با او است.
- ۲- (a) صحیح
(b) غلط
(c) غلط
(d) غلط
- ۱۱- (c) عیسی
- ۳- چون روح انسان یک روح بخشنده نیست و ما نیاز به کمک خدا داریم.
- ۱۲- قرار دادن مسیح در محور زندگی مان
- ۴- در یکی از آنها انسان در پی ملکوت است و در دیگری انسان در پی بخشیدن دیگران است.
- ۱۳- مسیح با مرگش بر صلیب سنگینی حمل این صلیب انکار نفس را سبک نمود.
- ۵- (b) به خاطر ایمان خود بخشیده می‌شود.
- ۱۴- یک صلیب به تنهایی حمل می‌شود، یک یوغ بار مشترکی است.
- ۶- (a) بخشیده می‌شود چون دیگران را بخشیده است.
- ۱۵- (b) مسیح آنجا است تا در این بار با ما سهیم شود.
- ۷- بخواهد که شبیه مسیح شود و این فیض را بیابد تا بتواند دیگران را ببخشد.
- ۱۶- آنها برادران و خواهران ما در خانواده الهی هستند.

۸- انکار نفس. چون لازمه آن این است که ما دست از خواسته‌های خود برداریم تا بتوانیم با دیگران در صلح و صفا زندگی کنیم.

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

رفع نیاز به تقدس

«ما را در آزمایش میاور» (متی ۱۳:۶)

دعا چقدر عملی است! چقدر به زندگی مرتبط و نزدیک است! ولی برای داشتن یک زندگی پیروزمند چقدر نیاز به قدرت خدا داریم! آنچه را که باید مدام و مرتب در دعا بگوییم این است که «من به قدرت خود نمی‌توانم انجام بدهم. من به قدرت خود نمی‌توانم انجام بدهم. من نیاز به کمک دارم».

ما می‌دانیم که روح القدس پاراکلیت خوانده شده یعنی کسی که آماده کمک است. اگر قرار است که پیروز باشیم، باید اجازه دهیم عیسی با روح القدس ما را تعمید دهد تا بتواند به ما کمک نماید.

در اینجا وعده باشکوهی وجود دارد: «هیچ تجربه جز آنکه مناسب بشر باشد شما را فرو نگرفت. اما خدا امین است که نمی‌گذارد شما فوق طاقت خود آزموده شوید، بلکه با تجربه مفری نیز می‌سازد تا یارای تحمل آن را داشته باشید» (اول قرنتیان ۱۳:۱۰).

ولی توجه داشته باشید! این مفر یعنی راه فرار، یک کمک بیرونی است یعنی کمک روح القدس. شما خود قادر به انجام آن نیستید!

رئوس مطالب



طریق پیروزی روحانی
مبارزه با دشمن
اسلحه خدا
مکان پیروزی
طریق رشد و بلوغ روحانی

اهداف درس

- پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:
- چگونگی غلبه بر وسوسه را دریابید.
 - مرحله بلوغ روحانی خود را ارزیابی کنید.

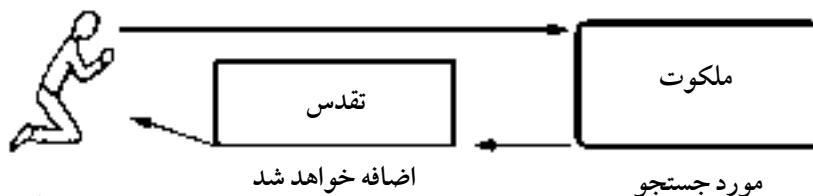
فعالیت‌های یادگیری

- ۱- تصویر مربوط به بلوغ روحانی را ترسیم کنید و رومیان ۲۳:۷ و ۴-۱:۸ را یاد بگیرید.
- ۲- افسسیان ۱۴:۶-۱۷ را مطالعه کنید. فهرستی از ضعف‌های خود تهیه نمایید و برنامه‌ای بریزید که چگونه می‌خواهید با دعای مرتب و کمکی که خدا در دسترس شما نهاده، بر آنها غلبه یابید.
- ۳- متن درس را بخش به بخش بخوانید. پاسخ سؤالات متن و خودآزمایی را بدهید.

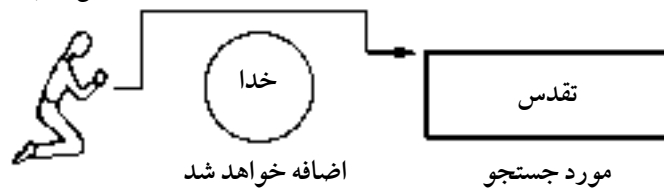
طریق پیروزی روحانی

ما در مورد احتیاجات انسان سخن گفتیم. گفتیم که وقتی که بیش از هر چیز متمرکز بر ملکوت خدا شویم این احتیاجات «مزید» خواهند شد. توانایی زندگی در صلح با دیگران در این دنیا نیز به همین طریق به ما داده می‌شود. حال می‌خواهیم درباره کشمکش درونی که یک ایماندار برای داشتن یک زندگی عادلانه و تقدسی که خدا را خشنود می‌سازد، صحبت کنیم. توجه داشته باشید که منظورمان از تقدس، پاکی درونی است که خدا می‌خواهد هر یک از ما داشته باشیم. پس آنچه را که باید در طلب آن بود، ملکوت خدا است. در نتیجه، تقدس چیزی است که به آن اضافه می‌شود.

روش درست



روش اشتباه



۱- منظور ما از تقدس چیست؟

هر کس این کشمکش درونی را برای یک زندگی بهتر تجربه می‌کند. هر چند گناهکار پاسخی برای آن ندارد. او فرق بین خوب و بد را می‌داند ولی قدرت انجام کار خوب را ندارد. او به تنهایی قادر نیست که بر گناه غلبه کند.

ولی ایماندار پاسخ را دارد! اولین چیزی که در دیگر دروس آموختیم، این بود که ما نمی‌توانیم به تنهایی این پیروزی را به دست آوریم. ما احتیاج به کمکی از بیرون داریم! عیسی راه پیروزی روحانی را به ما می‌آموزد. ما نیاز به کمک از بالا داریم. برای این است که پاسخ برای غلبه بر وسوسه همانند یافتن «نان کفاف» یا یافتن «صلح» است. ما پیروزی بر گناه را زمانی می‌یابیم که بالاتر از هر چیز دیگری متمرکز به ملکوت خدا باشیم. وقتی علاقه ما به چیزهایی است که در بالا است، خدا به ما قدرت می‌دهد تا بر چیزهای زمینی نیز قدرت بیابیم!

۲- پاسخ ایماندار برای پیروزی روحانی چیست؟

مبارزه با دشمن

اگر قرار است در مورد پیروزی روحانی دعا کنیم، لازم است در مورد دشمنی که قرار است با او روبرو شویم و مبارزه نماییم اطلاعاتی داشته باشیم. شیطان را هیچکس ندیده است. ولی او واقعی است و قدرت او در هر جا دیده و احساس می‌شود. پس ما دشمن واقعی خود را که با او مبارزه می‌کنیم، نخواهیم دید. ما تنها چیزهایی را می‌بینیم که او بر علیه ما به کار می‌برد تا بر ما غالب شود. یکی از چیزهایی که شیطان بر علیه ما در این مبارزه به کار می‌برد، وسوسه است.

۳- دشمن ایماندار

- (a) همه جا است تا همه بتوانند او را ببینند.
- (b) قدرت خود را پنهان نموده تا شناخته نشود.
- (c) سعی دارد او را وسوسه نموده به گناه وا دارد.

چندین چیز است که باید در مورد وسوسه بدانیم. یعقوب ۱۴:۱ می‌گوید: «لکن هر کس در تجربه می‌افتد.....» از این آیه دو چیز می‌توان آموخت.

۱- هر انسانی علایقی طبیعی دارد. اگر امیال و اشتیاقی نبود، وسوسه‌ای نیز وجود نمی‌داشت. عیسی، خود علانقی طبیعی داشت.

۲- هر کس وسوسه می‌شود، حتی عیسی نیز وسوسه شد. یعنی اینکه وسوسه شدن گناه نیست.

آن وقت یعقوب ۱۴:۱ و ۱۵ ادامه می‌دهد و می‌گوید: «... وقتی که شهوت وی او را می‌کشد و فریفته می‌سازد. پس شهوت آبستن شده، گناه را می‌زاید و گناه به انجام رسیده، موت را تولید می‌کند». از این مطلب چندین حقیقت مهم دیگر نیز می‌توانیم یاد بگیریم:

۱- هر انسانی وقتی که شهوت وی او را می‌کشد و فریفته می‌سازد، وسوسه می‌شود. عیسی وسوسه شد ولی از اطاعت نسبت به اراده خدا منحرف نگشت.

۲- «کشیده شدن» یعنی استفاده نادرست از امیال طبیعی. خدا امیال طبیعی را به ما داده است، اگر آنگونه که نیت او بوده از آنها استفاده کنیم، آنها پاک و مقدس هستند. وقتی آنها را به طرز شایسته‌ای به کار می‌بریم، خدا خشنود می‌شود.

۳- شهوت ما را می‌کشد و فریب می‌دهد تا از امیال طبیعی خود به طرز نادرست استفاده کنیم. وقتی اجازه می‌دهیم که امیال شریرانه ما را به دام بیندازند، مرتکب گناه می‌شویم.

۴- شهوت آغاز گناه است. شهوت وقتی آبستن می‌شود، گناه را می‌زاید.

۵- وسوسه گناه نیست به شرطی که ما تسلیم آن نشویم. وسوسه وقتی که تسلیم آن می‌شویم تبدیل به گناه می‌شود.

۴- جملات صحیح را مشخص کنید.

(a) وسوسه شدن اشتباه نیست.

(b) هر کس وسوسه می‌شود.

(c) عیسی وسوسه نشد.

(d) امیال طبیعی همیشه با ما هستند.

امیال طبیعی همیشه با ما خواهند بود. خدا آنها را در آنجا قرار داده و آنها به خودی خود بد و شریر نیستند. ما نباید از داشتن آنها خجل باشیم. با این وجود، اگر به این امیال خوب اجازه دهیم که ما را «به سمتی بکشند» که استفاده نابجا از آنها بکنیم، تبدیل به چیزهای شریرانه خواهند شد.

عیسی وسوسه شد، ولی تسلیم وسوسه نشد. عیسی وسوسه شد، ولی هرگز فریفته نشد یعنی اینکه او هرگز تسلیم وسوسه نشد تا امیال طبیعی خود را به طریقی نابجا ارضا نماید.

۵- چرا می‌گوییم که عیسی وسوسه شد، ولی مرتکب گناه نگشت؟

شاید پرسید: «آیا عیسی همان امیال طبیعی را داشت که ما داریم؟» بله، عیسی دقیقاً همان امیال طبیعی را داشت که ما داریم. او در همه چیز مثل ما وسوسه شد. این را می‌توانید در عبرانیان ۴:۱۵ بخوانید. ولی عیسی چگونه مقاومت نمود؟ او همیشه دعا می‌کرد. او می‌گوید: «بیدار باشید و دعا کنید تا در معرض آزمایش نیفتید. روح راغب است لیکن جسم ناتوان» (متی ۲۶:۴۱). فراموش نکنید که وسوسه شدن، گناه نیست مگر اینکه امیال طبیعی، ما را به سوی شهوت بکشند و شروع به فکر کردن و عمل نمودن به طریقی گناه‌آلود بکنیم. اگر امیال طبیعی ما را به سمت شهوت بکشند، آن وقت در جاده گناه قرار گرفته‌ایم.

بنابراین افکار ما باید پاک باشند و امیال طبیعی ما باید تحت کنترل روح القدس قرار بگیرند. شخصی که از روح القدس هدایت می‌شود، این امکان را برای امیال طبیعی خود ایجاد نمی‌کند که شهوانی بشوند و او را به سمت امیال گناه‌آلود و اعمال گناه‌آلود بکشند.

۶- شهوت یعنی.....

- (a) وسوسه شدن جهت ارضای امیال طبیعی
- (b) انحراف از استفاده به جا از امیال طبیعی
- (c) داشتن امیال طبیعی مشترک بین همه انسان‌ها

بعضی از مسیحیان فکر می‌کنند وقتی که نجات می‌یابیم، امیال طبیعی ما را رها می‌کنند، ولی اینگونه نیست. خدا آنها را از ما نمی‌گیرد بلکه راهی را به ما نشان می‌دهد تا امیال و آرزوهای طبیعی خود را کنترل نماییم و آنها را در تقدس، به طرز صحیح به کار ببریم. اصولاً اگر امیالی برای کنترل نمودن، وجود نداشته باشند دیگر تلاشی برای داشتن یک زندگی مقدس لزومی ندارد. مواقع وسوسه، موقعیت‌هایی برای خدا هستند تا قدرت خود را ظاهر کند. پس، بیایید آن «مفری» (اول قرن‌تین ۱۰:۱۳) را که خدا برای ما مهیا کرده به کار بگیریم.

جلال زندگی مقدس در این حقیقت نهفته شده که درست در وسط وسوسه به دست می‌آید! بسیار خطرناک است که فکر کنیم یک مسیحی بعد از نجات، دیگر امیال طبیعی ندارد! اگر یک مسیحی این را باور کند، به این معنی خواهد بود که او اصولاً نمی‌پذیرد وسوسه می‌شود، در نتیجه هشیار و بیدار و مواظب نخواهد بود. مسیحی که می‌داند امیال طبیعی دارد، پیش از هر چیز مرد دعا است. او برای خود از قدرتی که خدا توسط روح القدس به او می‌دهد تا آنها را تحت کنترل بیاورد، بهره می‌برد. زمانی که ما در اوج ضعف هستیم، قدرت خدا آنجا عظیم است.

۷- وقتی شخصی نجات می‌یابد، بر سر امیال طبیعی او چه می‌آید؟

ما همیشه باید هشیار باشیم و به امیال اشتباه فرصت عمل ندهیم. باید به یاد بیاوریم که شیطان واقعیت دارد و از هر چیزی استفاده می‌کند تا ایماندار را به سقوط بکشاند. او امیال صحیح انسان را می‌داند. او می‌داند که خدا آنها را داده تا به طرز صحیح به کار روند. ولی او همچنین می‌داند که این امیال در درون انسان چقدر قوی

هستند، و کاری می‌کنند که انسان را از استفاده صحیح آنها به سمت استفاده نادرست بکشانند. برای همین است که همیشه باید بر علیه شیطان مسلح باشیم.

دو چیزی را که در مورد وسوسه نباید فراموش کنیم، عبارتند از:

۱- همه ما امیالی داریم که ما را وسوسه می‌کند ولی عیسی به ما قدرت کنترل آنها را می‌دهد.

۲- شیطان وجودی واقعی است که ما را وسوسه می‌کند ولی عیسی به ما قدرت مقاومت در برابر او را می‌دهد.

اسلحه خدا

منبع و منشأ قدرتی که ما با وسوسه شریر مقابله می‌کنیم، دعا و پرستش است. یکبار دیگر برمی‌گردیم به موضوع «نان کفاف» و احتیاجات «اجتماعی» که قبلاً درباره آن صحبت کردیم که اگر ما در پی تقدس هستیم، اگر می‌خواهیم زندگی پیروزمند داشته باشیم باید در پی خدا و ملکوت او باشیم و اراده او را بالاتر از هر چیز دیگر قرار دهیم. به بیانی دیگر ما در طلب «او» هستیم که منبع و منشأ تمامی آن چیزهایی است که ما می‌خواهیم.

سؤال این است که ما در دعا و پرستش به چه چیزهایی می‌رسیم که ما را در زمان جنگ روحانی کمک می‌کنند؟ آنها عبارتند از:

۱- یاد می‌گیریم که رهبر خود یعنی عیسی مسیح را بشناسیم و به رهبری او اعتماد کنیم.

۲- نقشه و اراده او را می‌فهمیم آن وقت می‌توانیم فرامین او را اطاعت کنیم.

۳- توسط روح القدس از قدرت پر می‌شویم تا وقتی وارد مبارزه شدیم، قدرت جنگیدن داشته باشیم.

۴- به ما اسلحه‌هایی برای مبارزه داده می‌شود به همراه فرامین و دستورات مربوط به نحوه استفاده از آنها.

۸- منشأ و منبع قدرتی که ما می‌یابیم تا بتوانیم با دشمن مقابله کنیم چیست؟



در افسسیان ۱۴:۶-۱۸، پولس در مورد این اسلحه‌ها توضیح می‌دهد. «پس کمر خود را به راستی بسته و جوشن عدالت را در بر کرده، بایستید و نعلین استعداد انجیل سلامتی را به پا کنید. و بر روی این همه سپر ایمان را بکشید که به آن بتوانید تمامی تیرهای آتشین شریر را خاموش کنید و خود نجات و شمشیر روح را که کلام خدا است بردارید و با دعا و التماس تمام در هر وقت در روح دعا کنید و برای همین به اصرار و التماس تمام به جهت همه مقدسین بیدار باشید.»

۹- اسلحه ایماندار شامل چه سلاح‌هایی است؟

در اینجا به دو چیز توجه کنید. ابتدا، زرهی که ما داریم روحانی است و توسط خدا داده می‌شود تا با شیطان مقاومت کنیم. زره شامل: راستی، عدالت، سلامتی، ایمان و نجات است. دوم، این سلاح‌ها روحانی هستند که شامل کلام خدا و دعا می‌شود. هر دو اینها با کمک روح القدس به کار برده می‌شوند.

همچنین توجه کنید که در اینجا سه بار به دعا اشاره شده است. بدون دعا، شما نمی‌توانید آماده جنگ‌های روحانی شوید. بدون دعا نمی‌توانید بر وسوسه غلبه بیابید. دعا، شخصیت، قدرت و زره و اسلحه ما را آماده می‌کند تا بتوانیم پیروزی را کسب کنیم.

۱۰- در افسسیان ۱۸:۶ چند بار گفته شده که دعا کنیم؟

کافی نیست که شما شمشیری در دست داشته باشید و بدانید که روح القدس مددکننده شما است و قبل از رفتن به جنگ نیز دعا کنید. شما باید زره خدا را بپوشید تا شما را محافظت نماید. شما باید عدالت، سلامتی و شادی را که روح القدس می‌دهد داشته باشید.

برای این است که عیسی گفت: «لیکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد» (متی ۶: ۳۳). اگر شما زره را داشته باشید، با استفاده از شمشیر کلام خدا، روح القدس شما را کمک خواهد کرد تا پیروزی را به دست آورید.

پس دعا کنید! دعا کنید! و دعا کنید! دعا کنید تا بتوانید آنچه را که مسیح گفت، به جا آورید. برای چیزهایی دعا کنید که مربوط به ملکوت خدا می شوند تا این توانایی را پیدا کنید که غلبه بیابید.

۱۱- زره یک ایماندار چه نقشی را ایفا می کند؟

مکان پیروزی

چند نکته را باید در مورد زندگی پیروزمند بدانیم. اولاً، ما قادر به کسب پیروزی‌های «بیرونی» نیستیم مگر اینکه ابتدا پیروزی‌های «درونی» را کسب کنیم. شریر انسان را در بند می‌نهد اما خدا به ما اسلحه‌های روحانی داده، «قلعه» شیطان را فرو ریزیم و انسان‌ها را آزاد نماییم. ما نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم، مگر اینکه ابتدا خود از قدرت گناه آزاد شویم. ما نمی‌توانیم دیگران را کمک کنیم که بر وسوسه غلبه یابند تا زمانی که خودمان مسیر پیروزی را بیاموزیم! راه پیروزی بر وسوسه این است که اراده خدا برای ما بالاترین چیزها باشد. وقتی تنها در پی تقدس نام خدا هستیم، آن وقت بر این وسوسه که بخواهیم در پی لذات خود باشیم، غلبه می‌یابیم.

۱۲- آنانی که می‌خواهند از لحاظ بیرونی پیروز باشند، ابتدا چه چیزی باید

بیاموزند؟

دومین چیزی که باید در مورد پیروزی‌های روحانی بیاموزیم این است که آنها عملاً در میدان جنگ به دست می‌آیند یعنی جایی که باید با دشمن مبارزه کرد. بعضی از مسیحیان فکر می‌کنند که ما فقط با بودن «بر روی زانوان» پیروزی‌های روحانی را

به دست می آوریم. ولی وقتی در دعا هستیم با شیطان مبارزه نمی کنیم، بلکه ما با فرمانده خود صحبت می کنیم. ما در دعا خود را به نوع جدیدی از اسلحه تجهیز می کنیم ولی در آنجا جنگ را نمی بریم. البته و مطمئناً ما اطمینان بزرگی در دعا می یابیم وقتی درک می کنیم که خدا قدرت بزرگی به ما می دهد. ما فریاد برمی آوریم و او را تمجید می کنیم چون می دانیم که خدا ما را کمک خواهد کرد تا پیروزی را به دست آوریم. ولی در آنجا جنگ را نمی بریم.

پیروزی در جنگ ها در میدان جنگ به دست می آید! ما می توانیم مدام پیروز باشیم به شرطی که قدرت و حکمتی را که خدا زمانی که بر روی زانوان خود هستیم می دهد بگیریم و بعد با آنها به جنگ برویم. دعا، آمادگی برای جنگ است! «دعا» بعضی از مسیحیان چیزی نیست غیر از تکرار اعتراف به ضعف و التماس به خدا برای بخشش. آنها پیروزی ندارند چون قدرتی را که در دسترس است، در زمان وسوسه به کار نمی برند.

۱۳- یک مسیحی برای آماده نمودن خود برای جنگ چه باید بکند؟

طریق رشد و بلوغ روحانی

رشد روحانی «مزید» خواهد شد وقتی ما قبل از هر چیز در پی ملکوت خدا باشیم. از طریق کلام خدا و مشارکت دو طرفه با خدا، شبیه مسیح می شویم. منظور ما از رشد روحانی همین است.

سه مرحله در روند رشد یک فرزند خدا وجود دارد. او ابتدا زندگی روحانی خود را به عنوان یک طفل شروع می کند و بعد وارد مرحله جوانی می شود تا اینکه بالاخره به سن بلوغ روحانی و به سن بزرگسالی می رسد. بیایید این سه مرحله را با سه قانونی که در رومیان ۲۳:۷ و رومیان ۲:۸ آمده، مقایسه کنیم. این سه قانون عبارتند از:

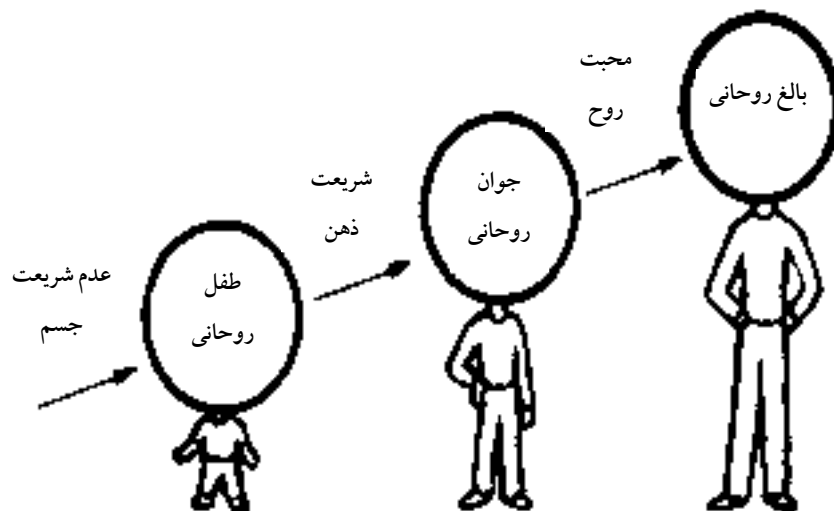
۱- قانون (شریعت) جسم

۲- قانون (شریعت) ذهن

۳- قانون (شریعت) روح

ایمانداری که هنوز، توسط قانون یا شریعت جسم خود کنترل می‌شود، یک طفل روحانی است. او کسی است که هنوز «قانون ندارد» و درست مانند یک حیوان، فقط کاری را انجام می‌دهد که احساس می‌کند دوست دارد انجام دهد. ایده زندگی برای او در این مطلب خلاصه می‌شود که «اگر احساس می‌کنی این کار خوب است، انجامش بده». عملاً او مانند یک بی‌ایمان عمل می‌کند.

ایمانداری که توسط شریعت ذهن کنترل می‌شود، در واقع یک جوان روحانی است. او از قانون اطاعت می‌کند اما نه از ته دل. او کار صحیح را انجام می‌دهد چون قانون این را از او مطالبه می‌کند. حال می‌خواهد این قانون مربوط به خانه، کلیسا یا شریعت موسی باشد. ایمانداری که توسط روح کنترل می‌شود، یک فرد بالغ روحانی است. او از شریعت خدا اطاعت می‌کند چون خدا را دوست دارد. او ملکوت خدا را بالاتر از هر چیزی قرار می‌دهد. او دارای عدالت، سلامتی و شادی است که روح القدس به او می‌بخشد.



۱۴- جملات سمت راست را با مرحله مربوط به خود از سمت چپ در مورد

رشد روحانی منطبق کنید.

(۱) طفل	(a) شریعت روح
(۲) جوان	(b) شریعت جسم
(۳) بالغ	(c) شریعت ذهن

چگونه یک طفل روحانی رشد کرده و به بلوغ روحانی می‌رسد؟ سر آن در چگونگی دعا کردن او است. اگر او درست دعا کند، به طرز صحیحی نیز زندگی خواهد کرد! دعای صحیح منجر به زندگی صحیح می‌شود. زندگی صحیح یعنی دعای بدون وقفه. یک طفل روحانی نمی‌تواند عصبانیت خود را بدون کمک کنترل کند. همینطور قادر نیست به قدرت خود امیال خود را تحت کنترل در بیاورد. تمامی ممالک جهان در پی این هستند که ذات شهوانی انسان را با تعیین بعضی قوانین و تنبیه کسانی که قانون را زیر پا می‌گذارند، کنترل کنند. وقتی کلیسای اطفال روحانی زیادی دارد، اغلب از روش دنیا جهت مقابله با قانون‌شکنان استفاده می‌کند. معیارها و قوانینی گذاشته می‌شوند تا اطفال قانون‌شکن را تحت کنترل بیاورند.

۱۵- چگونه یک طفل روحانی می‌تواند به بلوغ روحانی برسد.

وقتی بچه‌ای مطیع قانون است، دیگر طفل نیست بلکه یک جوان است. او به لحاظ عقلانی آنگونه که یک انسان باید عمل کند، عمل می‌کند و در برابر عقل واکنش نشان می‌دهد. این مطلب در مورد رشد روحانی نیز صدق می‌کند. وقتی یک طفل روحانی تبدیل به یک جوان روحانی می‌شود، به رهبران کلیسا احترام می‌گذارد و مطیع قوانین است. او یک عضو خوب و محترم کلیسا می‌باشد چون مطیع قوانین است. اما صرفاً مطیع قوانین بودن به معنی رشد کردن و بالغ شدن نیست. چه در مورد یک شهروند، و چه یک مسیحی. یک شهروند، زمانی به بلوغ می‌رسد که کار صحیح را انجام می‌دهد نه به این خاطر که قانون این را می‌گوید بلکه چون به انجام

آنچه که صحیح است اعتقاد دارد. حال فرقی نمی‌کند قانون آن را بخواهد یا نخواهد. این علامت یک انسان بالغ است که در مورد زندگی یک مسیحی نیز صدق می‌کند. او زمانی به بلوغ روحانی رسیده که تنها محبت مسیح محرک او باشد. او پر از محبت، شادی، سلامتی، بردباری، مهربانی، نیکویی، ایمان، حلم و صبر است. او نیاز به «قانون» و شریعت ندارد که او را وادار کند تا مانند عیسی عمل نماید.

۱۶- چه وقت یک شخص به بلوغ روحانی می‌رسد؟

پس چگونه یک طفل روحانی می‌تواند رشد کند و به بلوغ روحانی برسد؟ آیا با سخت کار کردن کامل می‌شود؟ آیا با کشمکش و ستیز با امیالش؟ با شریعت و قوانین؟ با تحصیل؟ هرگز! پاسخ در دعا و پرستش است. تنها زمانی به بلوغ روحانی خواهیم رسید که خود را به حضور پسر خدا ببریم. پولس رسول در این مورد در دوم قرن‌تین ۱۸:۳ چه زیبا می‌گوید: «لیکن همه ما چون با چهره بی‌نقاب جلال خداوند را در آینه می‌نگریم از جلال تا جلال به همان صورت متبدل می‌شویم چنانکه از خداوند که روح است». تقدس، شبیه مسیح شدن، بلوغ روحانی، همه توسط روح خدا نصیب ما می‌شوند! و بدون داشتن دعای صحیح نمی‌توانیم به آنها برسیم. آنها را نخواهیم یافت مگر اینکه ابتدا در پی جلال نام خدا، ملکوت و اراده او باشیم! بیایید با زندگی صحیح خدا را بپرستیم.

۱۷- جملات صحیح را مشخص کنید.

- (a) با مطالعه کتاب‌های فراوان می‌توانیم بلوغ روحانی را به دست آوریم.
- (b) ما نمی‌توانیم خودمان را عوض کنیم.
- (c) روح القدس ما را عوض می‌کند.
- (d) یک طفل روحانی با کار سخت و طاقت‌فرسا می‌تواند به بلوغ روحانی برسد.

خودآزمایی

پاسخ‌های کوتاه

- ۱- فرق یک ایماندار با یک بی‌ایمان در تلاش برای داشتن یک زندگی مقدس در چیست؟
- ۲- لکن هر کس در می‌افتد وقتی که وی او را و می‌سازد.
- ۳- وقتی شخص نجات می‌یابد، چه بر سر امیال طبیعی و فطری او می‌آید؟
- ۴- منبع قدرت ما برای مقابله با دشمن چیست؟
- ۵- مفهوم دعا در ارتباط با کتاب مقدس چیست؟
- ۶- سه نشانه یک ایماندار رشد کرده را بنویسید.
- ۷- چگونه یک طفل روحانی می‌تواند رشد کرده و به بلوغ روحانی برسد؟
- ۸- دوم قرن‌تین ۱۸:۳ را بخوانید و مفهوم آن را بنویسید.
- ۹- چرا یک مسیحی مطیع قوانین، الزاماً یک مسیحی بالغ روحانی نیست؟

پاسخ صحیح تمرین‌ها

- ۹- راستی، عدالت، سلامتی، ایمان، نجات
- ۱- پاکی درونی که خدا می‌خواهد به هر یک از ما بدهد.
- ۱۰- سه بار
- ۲- عیسی به ما راه را نشان می‌دهد و از بالا به ما کمک می‌کند.
- ۱۱- محافظ ما در جنگ است.
- ۳- (c) سعی دارد او را وسوسه نموده به گناه وادارد.
- ۱۲- باید از لحاظ درونی پیروز باشند.
- ۴- (a) صحیح
- (b) صحیح
- (c) غلط
- (d) صحیح
- ۱۳- دعا
- ۵- او تجربه شد ولی به آن سمت کشیده نشد و فریفته نگشت (تسلیم وسوسه نشد).
- ۱۴- (a) ۳- بالغ
- (b) ۱- طفل
- (c) ۲- جوان
- ۶- (b) انحراف از استفاده به‌جا از امیال طبیعی.
- ۱۵- به‌وسیله دعای صحیح
- ۷- آنها با او می‌مانند ولی به او قدرت داده می‌شود تا آنها را تحت کنترل روح‌القدس در بیاورد.

۱۶- وقتی محبت محرک اعمال او است.

۸- دعا و پرستش

۱۷- a) غلط

b) صحیح

c) صحیح

d) غلط

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

رفع نیاز به امنیت

«بلکه از شریر ما را رهایی ده» (متی ۱۳: ۶)

شیطان واقعی است. او مانند شیر غرّان در پی این است که کسی را بیابد تا او را ببلعد. او در لباس میش می‌آید. او فرمانده قدرت‌های روحانی شریر در جای‌های آسمانی است. او پدر بدی و شرارت است.

شیطان به شدت کار می‌کند تا ایمانداران را ناامید کند. اگر خداوند «دیواری» دور قوم خود نکشد، او موفق خواهد شد. خدا می‌داند که ما بدون آزمایش و مشکلات رشد روحانی نخواهیم داشت. بنابراین بعضی مواقع این حفاظ را از دور ما برمی‌دارد. او اجازه می‌دهد تا شیطان کمی ما را به زحمت بیندازد. این برای خیریت ما است! تنها در دعا و پرستش است که متوجه می‌شویم این کار برای خیریت ما است. اولین سؤالی که به هنگام زحمات و تنگی باید از خدا بپرسیم این است که «خداوندا، می‌خواهی چه چیزی را به من بیاموزی!»

زحمت می‌تواند در خدمت ما باشد. «زیرا که این زحمت سبک ما که برای لحظه‌ای است بار جاودانی جلال را برای ما زیاده و زیاده پیدا می‌کند» (دوم قرنتیان ۱۷: ۴). بیایید، زحمات را به خدمت خود بگیریم! بیایید تا آنجا که می‌توانیم برای خود نیکویی را از درون این زحمات کسب کنیم!



رئوس مطالب

منبع رهایی
قدرت دعا
قدرت محبت
سرّ امنیت
سلامت جسم
امنیت روح
الگوی دعای ربانی
موضوع اصلی
دعایی برای ما

اهداف درس

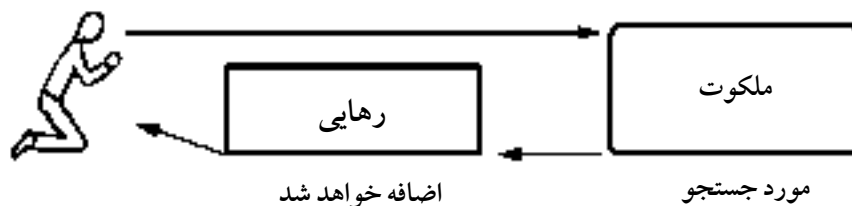
- پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:
- توضیح دهید که دعا و محبت چه ارتباطی با رهایی دارند.
 - چگونه از طریق دعا و پرستش می‌توانیم به امنیت برسیم.
 - دعایی را که عیسی در متی ۹:۶-۱۳ یاد داد، خلاصه کنید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- متن درس را بخش به بخش بخوانید. پاسخ سؤالات متن درس و خودآزمایی را بدهید.
- ۲- اول یوحنا ۴:۱۸ را حفظ کنید.
- ۳- دعای ربانی را به آرامی بخوانید، سعی کنید معنی هر جمله را آنگونه که آموختید، به یاد آورید.
- ۴- سؤالات خودآزمایی‌های دروس ۷-۱۰ را مرور کنید.

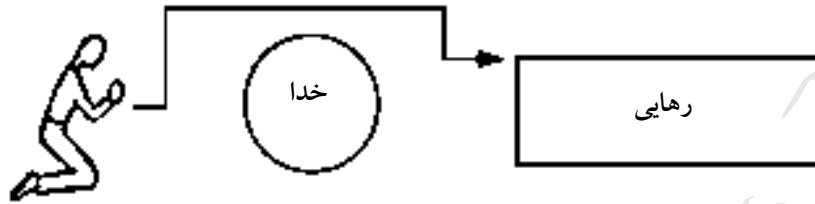
منبع رهایی

به آخرین درس این کتاب رسیده‌ایم. در این درس سعی خواهیم کرد به چیزهایی اشاره کنیم که تمامیت زندگی ما را لمس می‌کنند. می‌خواهیم در مورد صدماتی که از بیرون بر ما وارد می‌شوند، صحبت کنیم؛ در مورد روح‌های شریر، بیماری، سیل و قحطی. خدا را شکر که ما در این چیزها نیز می‌توانیم محافظت و رهایی الهی را داشته باشیم! چیزی که نباید فراموش کنیم این است که شریر نمی‌تواند ما را به زحمت بیندازد مگر اینکه خدا اجازه دهد. اگر خدا اجازه می‌دهد، پس لابد هدفی از انجام این کار دارد. حتماً چیزی هست که او می‌خواهد به ما بیاموزد. پس یکبار دیگر ما بالاتر از هر چیز دیگر بر ملکوت خدا متمرکز می‌شویم تا بدانیم از چیزهایی که به خاطر ملکوت خدا بر ما اتفاق می‌افتند چه خیریتی حاصل می‌شود. آن وقت وقتی برای رهایی دعا کنیم، در واقع دعای ما برطبق اراده خدا انجام می‌شود. پس تصویر ما به شکل زیر خواهد بود:



۱- تصویر بالا را توضیح دهید.

بیا باید مطمئن بشویم که از خدا برای رسیدن به رهایی استفاده نمی‌کنیم. باید همیشه و همه وقت در پی خدا باشیم. نباید مانند تصویر زیر عمل بکنیم!



۲- تصویر دوم روبرو را توضیح دهید.

قدرت دعا

اهمیت دعا برای آنانی که ایمان به دنیای نادیده و روحانی دارند، شناخته شده است. برای آنانی که قدرت شیطان و روح‌های شریر او را می‌شناسند، واقعی است. عیسی حقیقت را درباره روح‌های شریر می‌دانست. او می‌دانست که آنها وجود دارند. او می‌دانست که آنها انسان‌هایی را که توسط خدا محافظت نمی‌شوند، عذاب می‌دهد. خداوند دیوهای زیادی را از مردم اخراج کرد. آن دیوها از او می‌ترسیدند چون می‌دانستند که قدرت او بزرگتر از قدرت شیطان است.

خدا را شکر، ما می‌توانیم قدرت عیسی را داشته باشیم. این قدرتی است که دیوها از آن می‌ترسند! آنها از ما هراسی ندارند ولی از کسی که در ما است می‌ترسند «زیرا او که در شما است بزرگتر است از آنکه در جهان است» (اول یوحنا ۴:۴).

۳- جملات صحیح را مشخص کنید.

- (a) عیسی حقیقت را درباره ارواح شریر می‌دانست.
- (b) دیوها از عیسی نمی‌ترسیدند.
- (c) ما به عنوان ایمانداران به مسیح، قدرتی بر دیوها نداریم.
- (d) قدرت شیطان از قدرت ما به تنهایی بزرگتر است.

اگر می‌خواهیم همان قدرتی را که عیسی بر دیوها داشت داشته باشیم، باید بالاتر از هر چیزی متمرکز ملکوت خدا شویم تا خواسته‌های ما با خواسته‌ها و اراده‌ او دقیقاً مطابقت داشته باشند. روح او زمانی می‌تواند از طریق ما کار کند که اراده‌ ما با اراده‌ خدا هماهنگی کامل داشته باشد. یکبار دیگر تأکید به نیاز به دعا و پرستش می‌کنیم. اگر ما بخواهیم بدانیم که چگونه از قدرت خدا استفاده کنیم، باید همیشه با او هم‌صحبت شویم.

قدرت محبت

وقتی صحبت از دیوها و رهایی از قدرت آنها می‌کنیم، باید در مورد قدرت محبت نیز صحبت کنیم. البته منظورمان محبت ما نسبت به خدا است. یکبار دیگر متوجه نیاز به پرستش می‌شویم تا محبت ما نسبت به او رشد کند. اول یوحنا ۱۸:۴ آیه فوق‌العاده‌ای است. این آیه صحبت از قدرت محبت می‌کند. این آیه می‌گوید: «در محبت خوف نیست بلکه محبت کامل خوف را بیرون می‌اندازد».

حالت آنانی که به دنیای نادیده روح‌ها ایمان دارند ولی قدرت خدا را نمی‌شناسند، چقدر هولناک است! سلطان زندگی آنها ترس است. ترس در پس همه اعمال ایشان می‌باشد. چنین افرادی، به خاطر ترس قوانین فراوانی وضع می‌کنند. به‌عنوان مثال، وقتی می‌خواهید از راهی بروید که گربه سیاهی از آن عبور کرده، شما مسیرتان را عوض کنید. غذایی را که زن مریض تهیه کرده، نخورید. زیر نردبان راه نروید. اسم بچگی خود را به‌کار نبرید. در خانه‌ای که با طلسم بر علیه ارواح شریر بسته نشده، زندگی نکنید. محصول خود را در روز خاصی بکارید. در زیر ماه کامل کار نکن. نکن! نکن! نکن! نکن! هر قبیله و ملتی نکن‌های خود را دارد و همه آنها ناشی از ترس است. ترس از ارواح، ترس از مرگ.

۴- چرا مردم برای خود قوانین زیادی وضع می‌کنند؟

«خوف عذاب دارد» (اول یوحنا ۴:۱۸). ترس! چه قدر وحشتناک است که انسان همیشه در ترس زندگی کند. آنهایی که در ترس هستند ممکن است حتی بمیرند! آنها در پی طلسم و افسون برای شکستن ارواح شریر هستند. آنها به دنبال چیزهایی هستند که آنها را از ترس رهایی دهند.

۵- منظورمان از اینکه می‌گوییم «خوف عذاب دارد» چیست؟

نباید تصور کنیم که این مطالب تنها مربوط به افراد کم سواد جامعه می‌شوند. بلکه آنچه که گفتیم، در مورد افراد تحصیل کرده و مقامات بالا نیز صدق می‌کند. ترس، تنها حاکم بر زندگی فقرا و افراد بی‌خبر جامعه نیست. ترس، مقامات مملکتی را نیز در بر می‌گیرد. ترس وارد کاخ‌های پادشاهان نیز می‌شود. ترس وارد کشتی‌های روی اقیانوس‌ها نیز می‌شود. ترس همه جا هست و در واقع هر جایی که انسان‌هایی پیدا می‌شوند که قدرت محبت خدا را نشناخته‌اند، وجود دارد!

در مورد ترس چه باید کرد؟ یوحنا رسول پاسخ این سؤال را می‌دهد. او گفت: «در محبت خوف نیست بلکه محبت کامل خوف را بیرون می‌اندازد» (اول یوحنا ۴:۱۸).

۶- جملات صحیح را مشخص کنید.

- (a) تنها افراد بی‌سواد می‌ترسند.
- (b) یک پادشاه هرگز نمی‌ترسد.
- (c) ترس همه جا پیدا می‌شود.
- (d) محبت کامل خوف را بیرون می‌اندازد.

هر چه خدا را بیشتر دوست بداریم، کمتر خواهیم ترسید. هر چه خدا را کمتر دوست بداریم، بیشتر خواهیم ترسید! یاد بگیرید که خدا را دوست بدارید آن وقت ترس فرار خواهد کرد. محبت، ترس را بیرون خواهد انداخت! حال آیا متوجه اهمیت دعا و پرستش می‌شوید؟ به وسیله دعا و پرستش است که می‌آموزیم خدا را بشناسیم و او را محبت کنیم.

آیا از مرگ می‌ترسید؟ از فقر می‌ترسید؟ از جنگ چه؟ از ارواح شریر چه؟ از بیماری و از تصادف؟ از رعد و برق، طوفان و از تاریکی؟ اینها چیزهایی هستند که نخواهند رفت. آنها همیشه با ما هستند. اما ترس از آنها را می‌توان از بین برد. شناخت و محبت خدا و داشتن ملکوت او باعث می‌شود که ترس بیرون انداخته شود. خدا ما را از ترس رهایی خواهد داد.

۷- چگونه می‌توانیم از ترس خلاص شویم؟

سرّ سلامتی

سلامت جسم

بحث خود را با این سؤال آغاز می‌کنیم که «ما نیاز به رهایی از چه چیزی داریم؟» بدترین چیزی که ممکن است بر سر یک نفر واقع شود چیست؟ بعضی ممکن است بگویند بدترین چیزی که ممکن است اتفاق بیفتد این است که بمیرد. دیگران ممکن است بگویند بدترین چیزی که ممکن است اتفاق بیفتد این است که کور یا لنگ شود. عده‌ای دیگر ممکن است بگویند فقیر بودن حتی بدتر از مردن است. اما خدا چه می‌گوید؟ او می‌گوید: «از قاتلان جسم که قادر بر کشتن روح نیستند بیم مکنید بلکه از او بترسید که قادر است بر هلاک کردن روح و جسم را نیز در جهنم» (متی ۲۸:۱۰).

«زیرا شخص را چه سود دارد که تمام دنیا را ببرد و جان خود را ببازد؟» (متی ۲۶:۱۶).

«آیا خدا فقیران این جهان را برنگزیده است تا دولتمند در ایمان بشوند» (یعقوب ۵:۲).

«اعمال و تنگی و مفلسی تو را می‌دانم لکن دولتمند هستی» (مکاشفه ۹:۲).

آنچه خدا در اینجا می‌گوید، این است که چیزی بدتر از مرگ هم وجود دارد و چیزی هم که بسیار باارزش‌تر از دولتمندی است. بسیار مهم است که بدانیم چه چیزهایی ارزش واقعی و نهایی دارند تا بتوانیم به طرز صحیح دعا کنیم.

۸- خدا دربارهٔ جسم و ثروت این جهان چه می‌گوید؟

آیا به یاد دارید وقتی به پولس رسول که قصد داشت به اورشلیم برود گفته شد که ممکن است کشته شود؟ در اعمال ۱۳:۲۱ او پاسخ می‌دهد: «چه می‌کنید که گریان شده دل مرا می‌شکنید زیرا من مستعدم که نه فقط قید شوم بلکه تا در اورشلیم بمیرم به خاطر نام خداوند عیسی.» منظور پولس این بود که: «آنچه بر من واقع شود مهم نیست، مهم این است که چه اتفاقی برای نام عیسی می‌افتد!»

امنیت روح

سرّ سلامتی این است که حیات جاودان داشته باشیم. «و حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند» (یوحنا ۳:۱۷). حیات جاودان علاوه بر داشتن مفهوم زمان، مفهوم شناخت را نیز در بردارد. زندگی ابدی چیزی نیست که کسی در آرزویش باشد مگر اینکه مملو از نیکی باشد! وقتی خدا را می‌شناسیم، حیات جاودان داریم و وقتی حیات جاودان داریم، همیشه در امنیت هستیم. وقتی به خدا پشت می‌کنیم و نمی‌خواهیم او را بشناسیم، آن وقت امنیت خود را که او وعده داده از دست می‌دهیم.

بدترین چیزی که ممکن است برای یک مسیحی اتفاق بیفتد این است که از خدا جدا شود. اگر بیماری، ما را به خدا نزدیک سازد، آن وقت بیماری چیز بدی نیست. اگر فقر باعث شود که ما به خدا بیشتر تکیه کنیم، آن وقت فقر چیز بدی نخواهد بود. اگر حادثه‌ای باعث شود تا ما از یک زندگی بی‌مسئولیت و بی‌در و پیکر بیدار شویم، آن وقت حادثه نیز چیز بدی نیست.

۹- بدترین چیزی که ممکن است برای یک مسیحی واقع شود این است که

(a) بیمار شود.

(b) فقیر شود.

(c) حادثه‌ای برای او اتفاق بیفتد.

(d) از خدا جدا شود.

بدی و شرارتی که لازم است ما از آن رهایی یابیم، همان چیزی است که ما را از خداوند جدا می‌کند. اگر لذت و خوشی ما را از خداوند جدا کند آن وقت آن لذت، شر و بدی است. اگر ثروت ما را از خدا جدا کند، ثروت برای ما بد است. اگر سلامتی باعث شود که خدا را فراموش کنیم، آن وقت سلامتی شر است! پولس رسول مردی بود که مشکلات فراوانی داشت. او بارها شکسته کشتی شده و کتک خورده بود. به زندان رفته بود و سنگسار شده بود. ولی هرگز در پی رهایی از این چیزها نبود. او آنها را به عنوان بخشی از زندگی خود برای مسیح پذیرفته بود. پولس سرّ امنیت را می‌دانست! او حیات جاودان داشت و هیچ انسانی قادر نبود این را از او بگیرد! او تنها در پی این بود که «قوت قیامت مسیح و شراکت در رنج‌های او را بشناسد و با موت او مشابه گردد» (فیلیپیان ۳:۱۰). او با شناخت عیسی، خود را در امنیت می‌دید.

آنانی که ملکوت خدا را در اولویت زندگی خود قرار داده‌اند، آموخته‌اند که چگونه دعا کنند تا امنیت را به دست آورند. آنها به کار خود علیرغم تمامی تیرهای آتشین شریر ادامه خواهند داد و در مقابل تخت خدا، غلبه‌کنندگان نامیده خواهند شد.

۱۰- سرّ امنیت در چیست؟

الگوی دعای ربانی

دعایی که عیسی یاد داد، با این کلمات خاتمه می‌یابد: «زیرا ملکوت و قوت و جلال تا ابدالآباد از آن تو است، آمین» (متی ۶: ۱۳). پس دعا آنگونه که عیسی آموخت با پرستش شروع می‌شود و با پرستش نیز خاتمه می‌یابد. بعد از اینکه نام خدا، ملکوت و اراده او را در دعا و زندگی خود در جای اول گذاشتیم، آن وقت می‌توانیم درخواست‌های خود را به حضور او ببریم. ما می‌دانیم آنچه را که نیاز داریم او مهیا خواهد کرد.

۱۱- با کلمات صحیح جاهای خالی را پر کنید.

«زیرا ، و تا ابدالآباد از آن تو است، آمین».

۱۲- جاهای خالی را با کلمات صحیح پر کنید.

دعایی که عیسی به ما آموخت با شروع می‌شود و با خاتمه می‌یابد.

موضوع اصلی

پرستش، عبادت و تمجید خدا است. پرستش، خدمت به خدا است. بنابراین:

۱- دعا همیشه به معنی پرستش است. یعنی صحبت با خدا و اغلب فهمیدن چگونگی به‌کارگیری قدرت او.

۲- پرستش، همیشه به معنی در اولویت قرار دادن نام، ملکوت و اراده خدا در دعاها می‌باشد.

۳- پرستش، همیشه به معنی اولویت قرار دادن نام، ملکوت و اراده خدا در زندگی ما است.

دعایی برای ما

ما کتاب دعا و پرستش را با این دعا خاتمه می‌دهیم:

پدر، ما به عنوان فرزندان که جزئی از خانواده الهی هستیم، به حضور تو می‌آییم. تو را پرستش می‌کنیم. باشد که نام تو جلال بیابد. ملکوت تو بیاید. اراده تو انجام شود. باشد که این چیزها همیشه در جایگاه اول در زندگی ما باشند. ما نیازهایی داریم. آنها را براساس اراده و نقشه خود به ما بده. ما نیاز داریم تا خود و خانواده‌های خود را تأمین نماییم. ما احتیاج داریم با افرادی که با ما در ارتباط هستند، در صلح زندگی کنیم. ما نیاز داریم تا در زندگی مان بر گناه غلبه کنیم. به رهایی از مرض و خطرات اطراف خود نیاز داریم. لطفاً این تقاضاها را پاسخ بده همانطور که ما بیش از هر امری در پی آن چیزی هستیم که نادیدنی و ابدی است. آمین.

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیک

خودآزمایی

پاسخ‌های کوتاه

- ۱- برای اینکه خدمت رهایی را بیاییم چه باید بکنیم؟
- ۲- محبت کامل چه می‌کند؟
- ۳- چرا محبت خدا برای آنانی که به ارواح معتقدند مهم است؟
- ۴- سه چیزی را که مردم در پی رهایی از آنها هستند، نام ببرید.
- ۵- سرّ امنیت در چیست؟
- ۶- بدترین چیزی که برای یک فرد ممکن است اتفاق بیفتد چیست؟
- ۷- متی ۳۳:۶ را بنویسید.

این آخرین درس از بخش سوم و نیز آخرین درس این کتاب است. بعد از اتمام این خودآزمایی، درس‌های ۷ تا ۱۰ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی شماره ۳ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

- ۷- با یاد گرفتن محبت به خدا از طریق دعا و پرستش.
- ۱- ما باید در پی ملکوت خدا باشیم، آن وقت رهایی مزید خواهد شد.
- ۸- روح مهم‌تر از جسم است و زندگی مهم‌تر از ثروت
- ۲- خدا به عنوان وسیله‌ای جهت رسیدن به رهایی به کار می‌رود.
- ۹- d) از خدا جدا شود.
- ۳- a) صحیح
- (b) غلط
- (c) غلط
- (d) صحیح
- ۱۰- شناخت عیسی و قرار دادن ملکوت خدا بالاتر از هر چیزی در زندگی.
- ۴- به خاطر ترس
- ۱۱- ملکوت، قوت و جلال
- ۵- همیشه در ترس زندگی کردن وحشتناک است.
- ۱۲- پرستش، پرستش
- ۶- a) غلط
- (b) غلط
- (c) صحیح
- (d) صحیح

پاسخ خودآزمایی‌ها

درس اول

- ۱- چون آنها مطمئن نیستند که خدایی وجود داشته باشد یا اینکه به دعا‌های آنها گوش دهد.
- ۲- «در محبت خوف نیست بلکه محبت کامل خوف را بیرون می‌اندازد»
- ۳- او تبدیل به شخص جدیدی می‌شود که دست از راه‌های بد خود می‌کشد.
- ۴- «خداوندا دعا کردن را به ما بیاموز»
- ۵- چون وسوسه می‌شویم که دعا کنیم تا مردم ما را ببینند.
- ۶- (a) کلام مکتوب خود
(b) فرزند زنده خود
(c) روح مقدس خود
- ۷- دعا، طریق (یا زندگی)، اراده
- ۸- (b) طبیعت خدا است.
- ۹- (b) مرتب کلام خدا را بخوانیم و درباره آن تفکر کنیم و از خدا بخواهیم که ما را در درک آن کمک کند.
- ۱۰- (c) همیشه بالاتر از هر چیزی در پی ملکوت خدا است.
- ۱۱- (a) ۵- گمراه
(b) ۷- روح پرست
(c) ۲- لادری
(d) ۶- جهان گرا
(e) ۱- ملحد
(f) ۴- خودپرست

g) ۳- وحدت وجود

درس دوم

۱- خدا می‌خواست که پدر خانواده‌ای با پسران و دخترانی باشد که او را محبت می‌کنند.

۲- با دلیری، فروتنی، ترنم، حمد و تسبیح.

۳- آنانی که فرزندان او هستند و آنانی که فرزندان او نیستند.

۴- او کمک می‌کند تا مانند فرزندان دعا کنیم.

او برای ما شفاعت می‌کند.

او از طریق زبان‌ها برای بنا صحبت می‌کند.

۵- c) باید ایمانداران را به عنوان برادران و خواهران خود علیرغم تفاوت‌هایی

که دارند بپذیریم.

۶- a) غلط

b) صحیح

c) صحیح

d) صحیح

۷- a) د

b) پ

c) پ

d) د

e) پ

f) د

g) د

h) پ

(i) پ

(j) د

درس سوم

- ۱- سخنان، رفتار و زندگی همراه با دعای او
- ۲- در آسمان
- ۳- آنها برای راحتی‌های دنیوی دعا نکردند بلکه به دنبال خشنودی خدا و انجام اراده‌ او بودند.
- ۴- ایماندار با امید ناله می‌کند. بی‌ایمان بدون امید ناله می‌کند.
- ۵- با بودن‌مان باید موجب توسعه جهان باشیم.
- ۶- اینکه نباید این جهان را محبت کند.
- اینکه او در این جهان نور باشد.
- ۷- (a) غلط
- (b) غلط
- (c) صحیح
- (d) صحیح

درس چهارم

- ۱- غلامان می‌توانند بدون محبت و پرستش خدمت کنند. فرزندان محبت می‌کنند و در نتیجه می‌پرستند.
- ۲- دیگر خدایان نمی‌توانند از خود محبتی نشان بدهند یا پاسخ دعاها را بدهند.
- ۳- نفس، کار و انسان
- ۴- آنها با پیروی از پولس، اپلس و پطرس موجب بی‌احترامی مسیح می‌شدند.
- ۵- چنین چیزی وجود ندارد یا خدا بر تخت نشسته است یا شیطان.

- ۶- باید خدا را به عنوان پادشاه قلب‌هایمان احترام کنیم.
- دیگر چیزها را از تخت قلب‌هایمان دور کنیم.
- باید به قدرت نام او اطمینان کنیم و وعده‌های او را مطالبه نماییم.
- مراقب گفتار و کردار خود باشیم.

درس پنجم

- ۱- درونی و بیرونی
- ۲- خانه‌ها، کار و در بین دوستانمان
- ۳- مسیح آنجا بین ما است.
- ۴- اضافه شدن اعضا، شباهت اعضا به مسیح
- ۵- رفته، شاگرد سازید، تعمید و تعلیم دهید.
- ۶- پس بدین سخنان همدیگر را تسلی دهید.
- ۷- کارگرانی برای جمع‌آوری محصول
- ۸- خبر خوش در تمام عالم موعظه شود.
- ۹- از طریق پرستش

درس ششم

- ۱- ایمان آوردن همه انسان‌ها، شبیه مسیح شدن همه ایمانداران
- ۲- روح از طریق ما بر اساس اراده خدا دعا می‌کند.
- ۳- وقتی نمی‌خواهیم خود را تسلیم اراده خدا بکنیم.
- ۴- وقتی مردم نجات را رد می‌کنند، وقتی مردم نمی‌خواهند شبیه مسیح شوند.
- ۵- همه از روح القدس پر شدند.
- ۶- همه چیز ممکن می‌شود.

- ۷- (a) چیزهایی که اراده خدا نیستند.
(b) چیزهایی که ممکن است اراده خدا باشند یا نباشند.
(c) چیزهایی که اراده خدا هستند.

درس هفتم

- ۱- اراده خدا این نیست که انسان را کمک کند مگر اینکه او تقاضای کمک کند.
۲- (a) خدا می‌خواهد احتیاجات ما را رفع کند.
(b) چیز غیرممکن برای خدا وجود ندارد.
۳- ایمانداران معدودی می‌توانند در برابر خودخواهی که ثروت با خود می‌آورد، مقاومت کنند.
۴- با انگیزه محبت به خداوند.
۵- اولویت‌های زندگی ما را آشکار می‌کند.
۶- یک ناظر چیزی از خود ندارد. او مراقب اموال آقای خود است. آقایش مراقب اوست.
۷- دعای صحیح رفتار ما را تغییر خواهد داد. ما بالاتر از هر چیزی در پی ملکوت خدا خواهیم بود.

درس هشتم

- ۱- روح انسان روحی بخشنده نیست بنابراین برای بخشیدن احتیاج به روح خدا داریم.
۲- ملکوت خدا عدالت، سلامتی و شادی است که روح القدس می‌بخشد. داشتن ملکوت به مفهوم توانایی بخشیدن است.
۳- با اهمیت دادن به ملکوت خدا بالاتر از هر چیز دیگری
۴- انکار نفس

۵- بر طبق آنچه که برای او خوب و بد است.

۶- قبیله، نژاد، نفس، ملت، مذهب

۷- قرار دادن مسیح در مرکز زندگی هایمان و اجازه دادن به او تا در حمل بار با ما

سهیم شود.

درس نهم

۱- شخص ایماندار کمک روح القدس را دارد.

۲- تجربه (وسوسه)، شهوت، می کشد، فریفته.

۳- آنها در زندگی او باقی می ماند ولی به او قدرت داده می شود تا آنها را به طرز

صحیح به کار ببرد.

۴- دعا و پرستش

۵- دعا آمادگی برای جنگ است.

۶- انسانی پرمحبت، مقدس و درست.

۷- با رفتن به حضور خدا در دعا و پرستش.

۸- ما توسط روح عوض می شویم، ما خودمان را عوض نمی کنیم.

۹- چون الزاماً محبت انگیزه اطاعت او نیست.

درس دهم

۱- اغلب اوقات صحبت کردن با خدا و مطمئن شدن از اینکه خواسته های ما با

اراده خدا هماهنگ هستند.

۲- ترس را بیرون می اندازد.

۳- ترس عذاب آور در جایی که محبت خدا نیست پیدا می شود.

۴- مرگ، بیماری، فقر

۵- شناخت عیسی و قرار دادن ملکوت خدا بالاتر از هر چیزی

۶- از خدا جدا شدن

۷- لیکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید

خواهد شد.

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

دعا و پرستش

انتشارات ایلام
نسخه الکترونیکی

آزمون‌های میانی

دانشجوی گرامی

آزمون‌های میانی به‌منظور یادگیری بهتر تمامی جزئیات این کتاب درسی تهیه شده است. هر آزمون مربوط به چند درس می‌باشد که شماره درس‌ها در بالای هر آزمون مشخص شده است. لطفاً پس از مطالعه درس‌های مشخص شده، آزمون مربوط به آن‌ها را بدون مراجعه به کتاب بگذرانید.

پاسخ‌های صحیح را در ورقه پاسخنامه علامت بزنید. پس از گذراندن هر سه آزمون میانی، ورقه پاسخنامه را برای تصحیح برای ما بفرستید.

در صورتی که مایلید این درس را به‌صورت رسمی امتحان دهید و یک واحد دانشگاهی کسب کنید، لطفاً جهت ثبت‌نام و انجام تشریفات امتحان با ما تماس حاصل فرمایید.

با آرزوی موفقیت

آزمون میانی شماره ۱

(مربوط به دروس ۱-۴)

بخش اول- سؤالات صحیح یا غلط

در صورت صحیح بودن جمله a و در صورت غلط بودن b را سیاه کنید.

- ۱- چگونگی دعا کردن مهم‌تر از کسی است که به درگاه او دعا می‌کنیم.
- ۲- «خدا محبت است» به معنی «محبت خدا است» نیست.
- ۳- در دعا ابتدا باید درخواست‌های خود را به حضور خدا بیاوریم.
- ۴- نقشه خدا با قیام مسیح خاتمه یافت.
- ۵- زندگی عادلانه یک مسیحی می‌تواند برکتی برای دنیا باشد.
- ۶- ثروتمند یا فقیر بودن یک فرد برای خدا مهم است.
- ۷- یک شهروند آسمان نباید نگران اطاعت از قوانین مملکت خود باشد.

بخش دوم- سؤالات چند جوابی

برای هر سؤال یک پاسخ صحیح وجود دارد، آن را مشخص کنید.

۸- فرد خودپرست (egotist) دعا نمی‌کند چون معتقد است....

- (a) هر چیز خوب خدا است.
 - (b) خدایی وجود ندارد که به حرف‌های او گوش بدهد.
 - (c) آنچه که مهم است عقاید و ایده‌های خود او است.
- ۹- فرد روح‌گرا...

- (a) معتقد است خدایی وجود ندارد.
- (b) معتقد است خدایی غیر از خودش وجود ندارد.

- (c) معتقد است همه مذاهب یکی هستند.
- (d) نیاز به رهایی از ترس دارد.
- ۱۰- وقتی در جمع دعا می‌کنید مهم است که....
- (a) گروه را به سمت حضور مسیح هدایت کنید.
- (b) آنچه را که می‌خواهید بگویید حفظ کنید.
- (c) از قبل تمرین کنید.
- (d) به یاد آورید که مردم به شما گوش می‌دهند.
- ۱۱- دعای واقعی به این معنا است که ما باید....
- (a) مدت زمان طولانی را در کلیسا به سر ببریم.
- (b) اولویت را به ملکوت خدا بدهیم.
- (c) خدا را با تکرار درخواست‌های مان متقاعد کنیم.
- (d) تلاش کنیم تا دعای طولانی کنیم.
- ۱۲- هر شخصی می‌تواند با نجات یابد.
- (a) خواندن خدا برای کمک
- (b) هر از گاهی رفتن به کلیسا
- (c) خواندن کتاب مقدس
- (d) امیدوار بودن
- ۱۳- تمامی آنانی که در خانواده الهی هستند....
- (a) شبیه هم می‌باشند.
- (b) در یک کشور زندگی می‌کنند.
- (c) خدا را به عنوان پدر خود می‌شناسند.
- (d) به یک نژاد تعلق دارند.
- ۱۴- در ارتباط با دعا و پرستش، دعا بیشتر سر و کارش با....
- (a) پرستش خدا است.
- (b) احتیاجات مردم است.

(c) شادی در خدا است.

(d) احترام به خدا است.

۱۵- در ارتباط با دعا و پرستش، پرستش بیشتر سر و کارش با....

(a) درخواست‌ها است.

(b) مطالبه و عده‌ها است.

(c) احتیاجات مردم است.

(d) جلال دادن خدا است.

۱۶- یک مسیحی با نشان می‌دهد که شهروند آسمان است.

(a) نداشتن مشکلات

(b) فقیر شدن

(c) محل گنج‌هایش

(d) نداشتن رنج و زحمت

۱۷- ملکوت برای یک مسیحی جای مهمی است چون....

(a) ایده زیبایی است.

(b) رؤیای قشنگی است.

(c) برای افراد مسن است.

(d) جایی است که پدر او در آنجا است.

۱۸- یک مسیحی با چه عملی می‌تواند دنیا را تحت تأثیر خود قرار دهد؟

(a) ندیده گرفتن حاکمان آن.

(b) با ثروت اندوختن و قدرت یافتن.

(c) کمک به دیگر انسان‌ها در جهت درک نقشه خدا.

(d) مشغول مسائل آن شدن.

۱۹- اعتقاد واقعی یک جهان‌گرا این است که...

(a) خدا ایده‌ای در ذهن انسان است.

(b) خدا خالق است.

(c) تنها یک خدا، خدای حقیقی است.

(d) هر چیز خوب خدا است.

آزمون میانی شماره ۲

(مربوط به دروس ۵-۷)

بخش اول- سوالات صحیح یا غلط

در صورت صحیح بودن جمله a و در صورت غلط بودن b را سیاه کنید.

۱- می‌توانیم بدون اینکه عیسی را پرستیم خدا را پرستش کنیم.

۲- می‌توانیم در خدمت خدا خیلی مشغول باشیم.

۳- شیطان دیگر قدرتی بر یک ایماندار ندارد.

۴- ملکوت خدا تنها در آسمان است.

۵- ملاقات مؤمنین با یکدیگر اهمیت ندارد.

۶- زحمت می‌تواند به نفع یک ایماندار باشد.

۷- عبرانیان باب ۱۱ نشان می‌دهد که مردان ایمان هرگز در زحمت نمی‌افتند.

بخش دوم- سؤالات چند جوابی

برای هر سؤال تنها یک پاسخ صحیح وجود دارد، آن را مشخص کنید.

۸- خدا از ما به عنوان شهروندان خود چه انتظاری دارد؟

(a) اطاعت محض

(b) خدمت فراوان

(c) احترام و محبت

۹- کلیسای قرن‌تس منقسم شده بود چون....

(a) معلمین گوناگونی داشت.

(b) به انسان‌ها احترامی بیش از خدا می‌گذاشت.

(c) به همدیگر توجه می‌کردند.

(d) چندین معلم کذب داشتند.

۱۰- شیطان دیگر قدرتی بر ایماندار ندارد چون....

(a) مسیح بر زندگی ایماندار حاکم است.

(b) کسی بر ایماندار حکومت نمی‌کند.

(c) نفس بر ایماندار حکومت می‌کند.

۱۱- می‌دانیم که بر وعده‌های خدا می‌توان اطمینان کرد چون.....

(a) ما وعده‌های او را درک می‌کنیم.

(b) او «نام خود» را زیر آنها امضا کرده است.

(c) آنها وعده‌های خوبی هستند.

۱۲- ملکوت خدا.....

(a) هنگامی که مسیح دوباره برمی‌گردد آغاز می‌شود.

(b) در روز داوری آغاز می‌شود.

(c) از قلوب ایمانداران آغاز می‌شود.

۱۳- زمان ملکوت خدا....

- (a) تنها الان در قلوب ایماندارانی است که او بر آنها حکومت می کند.
- (b) اکنون در ایمانداران و همچنین هنگامی که مسیح برگردد است.
- (c) تنها هنگامی است که مسیح برگردد تا بر جهان حکومت کند.

۱۴- مأموریت بزرگ به اشخاصی داده شده که....

- (a) توسط مسیح دعوت شده اند.
- (b) تحصیلات خوبی دارند.
- (c) قوانین کلیسا را می دانند.
- (d) معنی تعمید را می فهمند.

۱۵- از مکاشفه ۹:۱-۲۰ یاد می گیریم که عیسی....

- (a) قدم در میان چراغدان های واقعی می گذارد.
- (b) علاقه ای به کلیساها ندارد.
- (c) تنها قدم به کلیساهای بزرگ می نهد.
- (d) ملاقات با ایمانداران را ثابت می کند.

۱۶- لازم است که برای دعا کنیم.

- (a) هر نوع تصمیمی که می گیریم
- (b) آنچه که به نقشه خدا کمک نمی کند یا مانع آن است
- (c) چیزهایی که بر ملکوت خدا اثر می گذارند

۱۷- یک ایماندار این توانایی را دارد که برای اراده خدا دعا کند چون.....

- (a) روح القدس او را کمک خواهد کرد.
- (b) او گفتن کلمات صحیح را می داند.
- (c) معمولاً آن چیزی است که او به آن فکر می کند.

۱۸- کدام جمله گویای دعا با وقف کامل است؟

- (a) «اگر مرا از بیماری حفظ کنی، ایمان خواهم آورد».
- (b) «هر اتفاقی که بیفتد من اراده تو را انجام خواهم داد».

- (c) «اگر مردم مرا محترم بشمارند تو را خدمت خواهم کرد».
- (d) «تو را پیروی خواهم کرد به شرطی که دوستانم بگویند این ایده خوبی است».

۱۹- به کدام یک از دعا‌های زیر باید عبارت «اگر اراده تو است» اضافه شود؟

(a) «لطفاً خواهر مرا نجات بده».

(b) «ملکوت تو بیاید».

(c) «مرا شبیه مسیح بساز».

(d) «مرا از جفا برهان».

آزمون میانی شماره ۳

(مربوط به دروس ۸-۱۰)

بخش اول- سؤالات صحیح یا غلط

- در صورت صحیح بودن جمله a و در صورت غلط بودن b را سیاه کنید.
- ۱- هرکس می‌تواند دعا کند و انتظار داشته باشد که خدا نیازهای او را رفع کند.
 - ۲- ده یک در واقع قسمتی از پرستش نیست.
 - ۳- ایمانداران تنها باید آنانی را ببخشند که از آنها درخواست بخشش می‌کنند.
 - ۴- مشکل است که افراد خودمحمور بتوانند با یکدیگر در صلح و صفا زندگی کنند.
 - ۵- یک ایماندار با انجام کار صحیح به دلیل اینکه قانون این را از او مطالبه می‌کند، به بلوغ روحانی می‌رسد.
 - ۶- حوادث، بیماری و فقر همیشه بد و زیان‌آور هستند.

۷- امنیت یک مسیحی در این حقیقت نهفته شده که او حیات جاودان دارد.

بخش دوم: سؤالات چند جوابی

برای هر سؤال تنها یک پاسخ صحیح وجود دارد آن را مشخص کنید.

۸- تفاوت یک ایماندار با یک بی‌ایمان در مورد نگرش آنها نسبت به رفع احتیاجات این است که ایماندار.....

(a) علاقه‌ای به رفع احتیاجات ندارد.

(b) احتیاجات زیادی ندارد.

(c) ابتدا در پی ملکوت خدا است.

(d) لازم نیست به خدا در مورد احتیاجاتش چیزی بگوید.

۹- ایماندارى که عطای «سخاوت و بخشش» دارد.....

(a) پول خود را در راه ملکوت خدا صرف می‌کند.

(b) پول زیادی را از دست می‌دهد.

(c) پول زیادی ندارد.

(d) پول زیادی دارد.

۱۰- ایماندار زمانی یک ناظر خوب است که....

(a) آنچه را که شریعت مطالبه می‌کند، می‌پردازد.

(b) امیدوار است خدا او را ثروتمند کند.

(c) خود و آنچه را که دارد به خدا می‌دهد.

۱۱- این امکان هست که دیگران را آنگونه که عیسی در متی ۱۴:۶ و ۱۵ آموخت،

ببخشید تنها با این شرط که....

(a) صادقانه بخواهیم آنها را ببخشیم.

(b) ابتدا در طلب ملکوت خدا باشیم.

(c) علاقه‌مند به آسایش آنها باشیم.

(d) مانند دوستان مان با آنها برخورد کنیم.

۱۲- خوبی یا بدی چیزها برای یک فرد بر پایه چه معیاری است؟

(a) تحصیلات

(b) طبقه اجتماعی که به آن تعلق دارد.

(c) کشوری که در آن زندگی می‌کند.

(d) آن چیزی که در محور زندگی او قرار دارد.

۱۳- هنگامی که عیسی، صلیب انکار نفس را یک «یوغ» نامید، به ما تعلیم داد

که....

(a) این باری است که باید با او آن را حمل کنیم.

(b) چیز مشکلی برای حمل کردن وجود ندارد.

(c) چیزی است که باید به تنهایی آن را حمل کنیم.

(d) این چیزی نیست که مسیحیان باید آن را حمل کنند.

۱۴- هنگامی که ایماندار در پی داشتن تقدس درونی است باید در پی....

(a) عدالت باشد.

(b) ملکوت خدا باشد.

(c) تقدس باشد.

(d) بخشش باشد.

۱۵- افسسیان ۶:۱۴-۱۸ تعلیم می‌دهد که یک مسیحی....

(a) باید مانند یک سرباز به نظر بیاید.

(b) تنها شمشیر روح را باید داشته باشد.

(c) نیاز به اسلحه کامل خدا دارد.

(d) اگر لباس رزم را بر تن کرده دیگر نیاز به دعا ندارد.

۱۶- شهرام و فرزین عضو یک کلیسا هستند. شهرام به فرزین می‌گوید بر پایه

آنچه که کلیسا تعلیم می‌دهد، چه چیزی درست است. شهرام در کدام مرحله از رشد

روحانی است؟

(a) طفل

(b) جوان

(c) بزرگسال

۱۷- پولس رسول شکسته‌کشتی شد و تازیانه خورد. این اتفاقات به چه دلیل بر

او واقع شد؟

(a) خدا اجازه داده بود.

(b) او اراده خدا را انجام نداده بود.

(c) خدا از او راضی نبود.

(d) او ایمان کافی نداشت.

۱۸- مریم یک مسیحی است که سعی دارد با استفاده از افسون، بر ترس خود از

ارواح شریر غلبه یابد. او به جای این کار چه باید بکند؟

(a) به خانه دیگری نقل مکان کند.

(b) باید خود را راضی کند که ارواح وجود حقیقی ندارند.

(c) با دوستانش در این مورد صحبت کند.

(d) یاد بگیرد که بیشتر خدا را بشناسد و او را محبت کند.

۱۹- دعایی که عیسی در متی ۹:۶-۱۳ به ما یاد داد نشان می‌دهد که....

(a) لازم نیست برای خورد و خوراک خود دعا کنیم.

(b) لازم است ابتدا اولویت را به نام، ملکوت و اراده خدا بدهیم.

(c) همیشه باید دعاهای کوتاه بکنیم.

(d) همیشه همان کلمات را در دعا بگوییم.